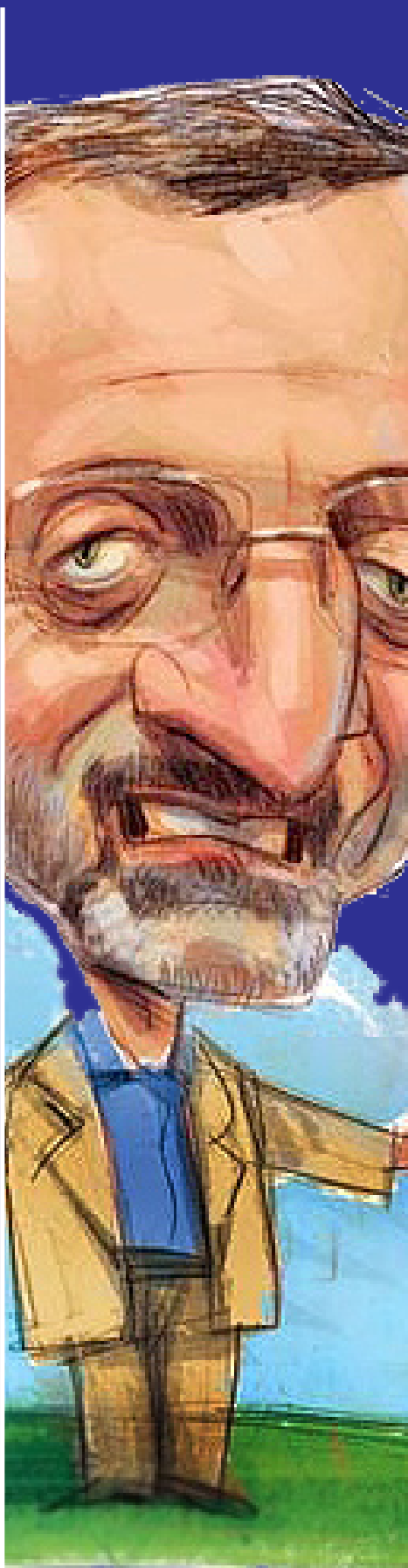


زریافان رفت



شهر ماهنامه ای اسلام

اولین ماهنامه خبری - تحلیلی ایثار و شهادت

الشهداء الشهيرة للإسلام

Monthly martyrs of Islam

سال اول - شماره یک مهرماه ۱۳۹۲ - قیمت ۲۰۰۰ تومان

تیربارچی که وزیر شد



صیاد شیرازی ترور نشد!



۲۵۰۰ شهید از عراق طلب داریم

گزیده ای از بیانات امام خمینی (ره) در مورد خانواده شهدا و جانبازان



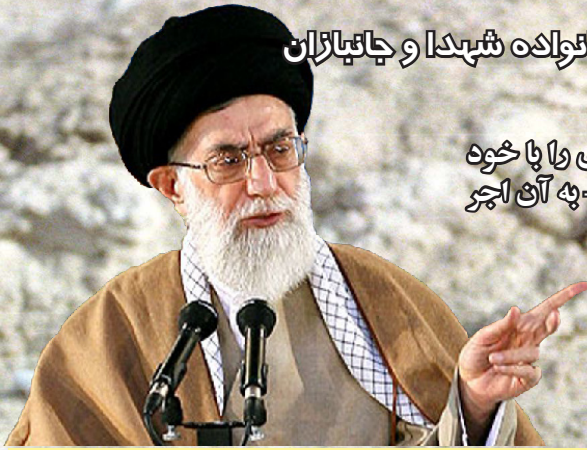
بنیاد شهید بایستی همه توان و نیرو و نشاط و امکانات را در خدمت رفاه مادی و معنوی و اخلاقی خانواده‌ی شهدا قرار بدهد. این، اصل است. این اصل باید در همه‌جا مورد توجه قرار بگیرد؛

امام خمینی (ره) بنیاد شهید را افضل همه بنیادها دانسته و گفته است: بنیاد شهید از همه بنیادها افضل است برای اینکه شهید از همه افراد افضل است. ارزش هر خدمتی موافق ارزش آن کسی است که برایش خدمت می‌کنیم. خدمت در بنیاد شهید در راس خدمتهاست. شما که خدمت به شهید می‌کنید و بنیاد شما که بنیاد شهید است قدر این بنیاد را بدانید و قدر این خدمت را بدانید. خدمت شما به آنها خدمت به نبی اکرم است، خدمت به انبیاست.

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران در مورد جایگاه خانواده شهدا گفته است: درود خداوند بر خانواده‌هایی که با صبر و شکیبایی و مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام، بزرگترین حماسه‌های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می‌کنند. مادران و پدران و فرزندان و همسران این شهدا، چون قهرمانان صدر اسلام به شهادت اینان افتخار می‌نمایند و چون کوهی در مقابل حوادث ایستاده‌اند. کدام تحولی بالاتر از اینکه پدران و مادران و همسران شهیدان ما از فراق عزیزان خود شکوه نمی‌کنند ولی غبطه و حسرت دوری از قافله شهدا را بر زبان دارند. خانواده‌های شهدا تا همیشه تاریخ، این مشعلداران راه اولیا، افتخار روشنائی طریق الی الله را به عهده گرفته‌اند. کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیلی معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضا شده است.



گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری در مورد خانواده شهید و جانبازان



جانبازان ما، هم از نعمت زندگی برخوردارند و هم عضو شهیدی را با خود همراه دارند و هم - اگر تقوا و احسان را در عمل رعایت کنند - به آن اجر عظیم و باورنکردنی می‌رسند. قدر این نعمت را بدانید.

بنیاد شهید بایستی همه توان و نیرو و نشاط و امکانات را در خدمت رفاه مادی و معنوی و اخلاقی خانواده‌ی شهدا قرار بدهد. این، اصل است. این اصل باید در همه‌جا مورد توجه قرار بگیرد؛

یاد شهیدان نباید در جامعه ما از ذهنیت‌ها خارج شود. شهیدان را باید زنده نگه داشت. یاد شهیدان را باید گرمی بدارید و زنده نگه دارید؛ در همه استان‌های کشور این معنا وجود دارد. بیست و سه هزار شهید استان خراسان بزرگ - شامل سه استان کنونی یکی از برجسته‌ترین و بزرگترین رقم‌های افتخارآفرین است. نگذارید غبارهای فراموشی که عمداً گاهی این غبارها را می‌خواهند بر روی این خاطره‌های گرمی بپاشند و قرار بدهند روی این خاطره‌های گرمی را بگیرد؛ زنده نگه دارید. مسئولان هم بایستی این کار را بکنند؛ مسئولان بنیاد شهید هم موظفند؛ مسئولان دستگاه‌های دیگر دولتی و عمومی هم وظیفه دارند. خود خانواده‌ها هم در محیط‌هایی که شعاع نفوذ و سلطه آنهاست، این کار را انجام بدهند. از نام شهید و از افتخار به شهید هرگز غفلت نکنید. تبلیغات عنادآمیز دشمنان سعی کرده‌اند که ارزشهای شهید را بتدریج کم کنند و در مواردی به ضد ارزش تبدیل کنند! این در کشور ما اتفاق افتاد؛ این سعی انجام گرفت؛ البته خنثی شد. اما عده‌ای این قدر وقاحت ورزیدند که نام شهدا و اصل شهادت را زیر سؤال ببرند.

یک‌وقت در مورد جانبازها فکر می‌کردم که به نظرم رسید گاهی فضیلت آن‌ها از شهدا هم بیشتر است. جانباز کسی است که بعد از آن‌که قسمتی از بدنش را در راه خدا داد و عضو یا اعضای شهیدی را با خودش همراه کرد و در بقیه مدت زندگی و عمرش هم متقی و شکرگزار بود و عمل صالح انجام داد، خدای متعال در مورد این‌گونه از مجروحین جنگ در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لَِّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا اَجْرَ عَظِيمٍ». کلمه‌ی «عظیم» در پایان این آیه شریفه، قابل تأمل است. جانبازان عزیز باید قدر این موقعیت را - اگرچه با سختی مواجهند - بدانند. من می‌دانم که شما سختی می‌کشید. محرومیت از پا و دست و نخاع و چشم و سلامتی، برای شما که در دوران جوانی بسر می‌برید و می‌توانستید سالم باشید، سخت است. هیچ پاداش بزرگ و خوبی را بدون سختی به انسان نمی‌دهند. شما خیال نکنید که انسان بدون تحمل سختیها ممکن است به اجرهای عظیم برسد؛ خیر، چنین چیزی نیست؛ «افضل الاعمال احملها»: با فضیلت‌ترین کارها، سخت‌ترین و دشوارترین آن‌هاست. در مقابل این سختی‌ای که تحمل می‌کنید آن اجر عظیم را به شما می‌دهند.





شهر ماهنامه اسلامی

ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی شهدای اسلام
سال اول - شماره اول - شهریور ماه ۱۳۹۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: کبری احمدی

تحت نظارت: هیئت خانواده شهدا و ایثارگران

سرمدییر: سید هادی کسائی زاده

دبیر تحریریه: مهدیه محمدی

صفحه آراء: سید هادی کسائی زاده

اعضای تحریریه: سامیه امینی - فاطمه کامکار - فاطمه سادات کبایی - سوگل نورمحمد -

فائزه صفی آریان - زهرا مرتضایی - زهره مقدسی - امیرمسعود کاظمی

فهرست:

- ۴ حکایت از مدیریت زریبافان
- ۸ ثابت کن جانبازی
- ۱۲ پارلمان (گزارش فراکسیون ایثارگران)
- ۱۶ گفتگو با فرزند شهید صیاد شیرازی
- ۲۲ گفتگو با مدیر گروه حماسه و دفاع شبکه یک سیما
- ۲۴ گفتگو با وزیر ارشاد دولت دهم
- ۳۱ گفتگو با جانباز فلافل فروش
- ۳۴ گفتگو با فرمانده کمیته جستجوی مفقودین
- ۳۶ گزارش از دفاع مقدس در رسانه های کشور
- ۴۰ آقای رئیس و ۱۰ قفل بسته بنیاد شهید

آدرس: تهران - خیابان کارگر جنوبی - خیابان آذربایجان -
پلاک ۲۱۰

تلفکس: ۶۶۵۷۶۲۸۲
ارتباط مستقیم با سردبیر: ۰۹۱-۱۸۵۸۷۴۷
پست الکترونیکی: shohadayeislam.ir@gmail.com
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۰۴۰۴۰

سخن نخست



سید هادی کسایی زاده

بی وفایی به اینارگران ...

۲۵ سال از جنگ تحمیلی می گذرد، وضعیت رسیدگی به جانبازان و خانواده شهدا و قربانیان جنگ تحمیلی با وجود قوانین کامل و رهنمودهای رهبری هنوز در وضعیت نامناسب است. بسیار جای تاسف دارد که والدین شهدا بدون پرستار و حمایت به حال خود رها شده اند. جای تاسف دارد که حقوق همسران شهید پاسدار با همسران شهید بسیجی یک میلیون تومان تفاوت دارد. بسیار تاسف دارد که هنوز قربانیان شیمیایی سردشت پزشک معالج ندارند. تاسف باید خورد برای ۴۰۰ هزار جانباز شیمیایی که همچنان به دنبال اثبات جانبازی هستند و برای مادرانی گریست که برای کمک به جبهه ها روانه جنگ شدند و حالا بدون سند و مدرک غریبانه شهید می شوند. به راستی دولت ها چه گلی به سر جامعه اینارگری زده اند؟ مجلس چه کرده است؟ نظارت ها در چه سطحی بوده است؟ چند بار رئیس بنیاد شهید را برای پاسخگویی به مجلس فراخوانده اند؟ رسانه ها چه کرده اند؟ و صدها سوالی که پاسخ آن مشخص و معلوم است. حالا در این گیر و دار حرف از جنگ اقتصادی، جنگ نرم، جنگ رسانه، جنگ برای جلوگیری از قاچاق و مواد مخدر و غیره به میان می آید. چگونه می توان با عقبه نه چندان خوب حمایت از اینارگران جنگ تحمیلی سربازان را متقاعد کرد که کشور از شما حمایت می کند! این سوالی است که فرزندان اینارگران برای نخستین بار مطرح کردند. فرزندان اینارگرانی که شاهد ذره ذره آب شدن پدرانشان بعد از سال ها جنگیدن برای کشور بودند. هر چند بسیار دیر شده است ولی شاید بتوان تمامی نقص ها و کمبودها و بی مسئولیتی های گذشته را جبران کرد. این گره به دست مدیران جدید بنیاد شهید، مجلس و دولت گشودنی است. به راستی نگذارید پیشکسوتان جهاد و شهادت در پیچ وخم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.

همه چیز با یک یا علی شروع شد ...

یا علی اول: ساماندهی گلزارهای شهدا

عبارت بالا فارغ از اینکه دنیایی از اتفاقات، رخدادها، غم ها و شادی ها را به همراه خود داشت برای ما نقطه آغاز راه بود. راهی که هدف آن پیش از هر چیز رضای خدایی بود که حق را آفرید و بعد از آن خشنودی دل رهبران که مطالبه حق را به ما آموخت و سپس دیدن شادی یک جامعه با نام جامعه اینارگری که دامان مادران شهدا و دستان پدران شهدا و صدای سرفه های جانبازانش تمام هویت ماست .

اینکه ساماندهی گلزار شهدا چه بود را نمی خواهم در این مقاله بگنجانم چرا که حرف زیاد است و زمان کوتاه اما همه چیز به اینجا ختم شد که جوانانی از دل همان جامعه ای که اشاره شد بر خاستند تا از نابودی یادگارهای پدران و برادرانشان... نه شاید بهتر است بگویم جوانمردان کشورشان جلوگیری کنند و نتیجه آن هر چه شد و اگر صندلی کسی اندکی لرزید ؛ اگر خشم و عتاب مسئولی چهره مان را خط خطی کرد اما از سال ۱۳۸۷ تاکنون افتخارمان خادمی شهداست .

یا علی دوم : پایگاه خبری شهدای ایران

شاید روز اولی که قلم بر دست گرفتم تا اولین خبر را در رسانه ای که نامش مزین به شهداست بنویسم دستم می لرزید ... آنقدر می لرزید که کنایه دیگران را بیشتر می شنیدم اما لرزش دستم از جهالت کار نبود بلکه از بزرگی نامی بود که برایش قلم نزده بودم .

آنقدر در کودکی دوران دانشجوییم غرق شده بودم که «سین» سوپر مارکت کوچه مان را نیز سیاسی می خواندم اما آنروز فهمیدم که اگر عمری به دنبال سیاست بازی بپیمایم همه اش تمام شد و دروازه بزرگ اینار و شهادت با هزاران هزار معمای بی جواب باز شده است تا شاید من یکی از پاسخگوهای آن باشم و اینگونه شد که برای اولین بار بدون حمایت هیچ نهادی آنقدر قلم زدم و دغدغه های جامعه اینارگری را گفتم که حالا دیگر سین های سیاست را اینار ترجمه می کنیم .

یا علی سوم : جشنواره فعالان سایبری اینار و شهادت

وقتی راهی را آغاز می کنی که هدفش زنده نگه داشتن یاد و خاطر شهدا و جانبازان است ؛ اگر دستت خالی از تهی هم باشد باید دستگیری کنی و گرنه از مرام شهدا دور شده ای . این شد که با دستهای پر از خالی سراغ جوانانی رفتم که از شهر و روستا به امید شادی روح شهدا و دل های جانبازان در فضای سایبر می جنگیدند . ما جز اینکه رهروان شهدا را دور هم جمع کرده و اندکی مشوقشان باشیم کاری نکردیم . هر چه بود اینان مهمان سفره با برکت شهدا بودند. و اینگونه بود که در میان همه ی حضور مسئولین کشوری و لشگری و دوربینهای عکاسان و خبرنگاران از این خوشحال بودیم که یک گام در مسیر شهدا بر داشته شد.

یا علی چهارم: ماهنامه شهدای اسلام

در ادامه مسیر باز هم بدون هیچ پشتوانه مادی راه را ادامه دادیم تا به مدد شهدا و در راستای برقراری ارتباط بیشتر با جامعه اینارگری و آشنا کردن مردم با اخبار ، اطلاعات ، دغدغه ها و موانع جانبازان و اینارگران قلم بزنیم . اما اینبار می خواهیم همان گونه که از شهدای گرانقدر کشور عزیزمان می گوئیم شهدای جهان اسلام را نیز معرفی کنیم . چرا که اگر دغدغه ای هست دغدغه اسلام است . اگر شهیدی هست فارغ از خاک ؛ شهید راه امامت و ولایت است و این شد که جامعه اینارگری مان را جهان اسلامی کردیم تا راه شهادت طلبی و اینار زنده بماند و این تحفه ای شد تا با نام « شهدای اسلام » به حسین بن علی سرور شهیدان جهان اسلام تقدیم گردد.

ما در راهی که برگزیدیم آنگونه می ایستیم که همت و باکری ایستادند: آنگونه می جنگیم که چمران جنگید و آنگونه می رویم که آوینی رفت. ما را نه تهمت ها از بین می برد نه تهدید ها آسیبی می رساند نه از سختی راه می ترسیم و نه از جیب پر از تهی واهمه داریم چرا که :

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم
موجبم که آسودگی ما عدم ماست

یا علی پنجم ... این راه ادامه دارد

کبری احمدی

۶ حکایت از مدیریت «زری بافان» ...

۱

ماجرای حذف خبرگزاری حیات و بایکوت خبری رسانه ها

مسعود زریبافان در همان روزهای نخست فعالیت خود در بنیاد شهید به غیر از فعالیت های فوتبالی و مسئولیتی که در باشگاه استقلال تهران داشت برای اینکه تحت فشار رسانه ها قرار نداشته باشد اقدام به خود زنی کرد. اخراج ۲۰ خبرنگار خبرگزاری حیات (وابسته به بنیاد شهید) و نیمه تعطیل کردن این رسانه آب پاکی را روی دست خبرنگاران ریخت. بعد برای گمراه کردن ذهن رسانه ها نخستین نشست خبری با حضور خسروآبادی مدیر روابط عمومی بنیاد، کلید خورد و حاشیه های این نشست موجب شد تا مسعود زریبافان و کل تیم رسانه ای بنیاد شهید با رسانه ها و خبرنگاران خداحافظی کنند. البته خبرنگاران خبرگزاری حیات از بنیاد شهید شکایت کردند تا حق و حقوقشان را بگیرند. در این میان باز هم مسعود بنیاد شهید آرام و قرار نداشت و از حاشیه سازی ها علیه خودش بیمناک بود برای همین اقدام به انتشار نشریه حیات کرد. نشریه ای که بودجه کلانی برای چاپ و انتشار آن نیاز بود. نکته جالب این است که در نشریه حیات تنها بیانات مقام معظم رهبری گنجانده شده بود که قطعا معظم له راضی نیستند که رسانه بزرگ بنیاد شهید به جای پرداختن به موضوع ایثارگران به مواردی دیگر را پردازند. مقام معظم رهبری بارها و بارها تاکید کردند که نباید از خانواده های ایثارگر غافل شد ولی مسعود زریبافان با این اقدام خود ثابت کرد که از فرمایشات رهبری تنها انتشار آن را در دستور کار خود قرار داده است.

۲

توهین و هتک حرمت به زریبافان در نماز جمعه تهران

زریبافان مامور ویژه برای فعالیت های انتخاباتی

در جریان انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری، رسانه ها نوشتند: مجتبی ثمره هاشمی و مسعود زریبافان برای ساماندهی فعالیت های انتخاباتی و تبلیغاتی دولت در خصوص انتخابات شورای شهر مامور شده اند و وظیفه انتخاب کاندیداهای مطلوب و مناسب را بر عهده دارند. این دو همچنین موضوع تخریب عملکرد شهرداری تهران را هم برعهده داشتند. نکته جالب این است که زریبافان در حالی فعالیت های سیاسی خود را با جدیت دنبال می کرد که وظیفه سنگین رسیدگی به وضعیت خانواده شهدا و ایثارگران را بر عهده داشت!

خردادماه سال ۹۰ بود. طبق روال هر هفته در نماز جمعه تهران، مسعود زریبافان، رئیس بنیاد شهید وقت؛ نامه های مردمی به ویژه خانواده های شهدا را گرفته و گویا مورد بررسی قرار می داد. نماز جمعه این هفته تهران برای زریبافان حال و روز دیگری داشت. رئیس بنیاد شهید اسبق زمانی که برای گرفتن نامه های مردم به میان جمعیت رفت با اعتراض بانویی که احتمالا از خانواده های معزز شهدا بوده است مواجه گردید و نکته قابل تأسف اینجاست که زریبافان به جای همدردی با وی که به نامه های مکررشان پاسخی نداده بود و به این خانم بی احترامی و کرد به حدی که این خانم، زریبافان را مورد ضرب و شتم قرار داد و زریبافان فقط پا به فرار گذاشت. بعد ها مشخص شد این زن همسر یک جانباز بوده است. با این حال ماجرای کتک خوردن زریبافان در نماز جمعه تهران تا سال ها مورد بحث اهالی رسانه قرار داشت و نام زریبافان را در سایت های جستجو با این رخداد گره زد.

۳

روزگار سخت محافظ محسن رضایی

غلامحسین کاهکش اسکورت یا همان محافظ محسن رضایی در دوران دفاع مقدس بوده است. این جانباز اعصاب و روان که چندین سکتة قلبی و مغزی را پشت سر گذاشته است این روزها در خانه ای ۴۰ متری در محله نواب تهران زندگی می کند. نکته جالب این است که بعد از انتشار چندین گزارش از این جانباز تاکنون محسن رضایی سراغی از این جانباز و محافظ نگرفته است. جانباز کاهکش به همراه همسر دوم و ۸ فرزندش زندگی سختی را می گذرانند. همسر این جانباز می گوید: از بانک بنیاد شهید وام گرفته ایم و تاکنون حدود چندین میلیون بهره بانکی دادیم! آیا واقعا یک جانباز با این وضع و احوالات باید به بانک نزول و بهره بدهد؟



آزادگان هشت سال دفاع مقدس همچنان به دنبال حقوق



۲۴ سال قبل وقتی آزادگان با افتخار پا به خاک میهن گذاشتند انتظار دریافت پاداش و هدیه نداشتند ولی وظیفه هر دولت و کشوری است که به پاس قدردانی از ایثارگری های رزمندگان، جانبازان و آزادگان خدمتاتی را به آن ها ارائه کند. به همین منظور در تاریخ ۱۳ آذرماه سال ۱۳۶۸ قانونی در مجلس شورای اسلامی با عنوان قانون حمایت از آزادگان تصویب شد که در ماده ۱۳ آن آمده است: مدت اسارت برای عموم آزادگان اعم از این که قبل از اسارت در دستگاهها شاغل بوده و یا بعد از اسارت شاغل شوند، با تمایل آنان به ازای هر یک سال اسارت دو سال به عنوان سابقه خدمت رسمی و مرتبط تلقی می شود و دستگاه ذی نفع موظف است کسورات بازنشستگی را در قانون بودجه سال بعد پیش بینی و به صندوق های بازنشستگی ذی ربط پرداخت کند.

امروز با گذشت حدود ۲۴ سال از تصویب این قانون، آزادگان همچنان پیگیر حقوق قانونی خود هستند. این مشکلات موجب شد تا آزادگان در جلوی نهاد ریاست جمهوری و بنیاد شهید تجمع کنند. رسانه ای شدن خواسته آزادگان تا جایی پیش رفت که رئیس جمهور دستور دادند این مبلغ پرداخت شود ولی نحوه پرداخت آن از طریق واگذاری سهام امکان پذیر شد که باز هم مورد اعتراض آزادگان قرار گرفت. طبق اخبار موثق، مسئولان مالی بنیاد بدون توجه به مصوبه قانونی دولت مبنی بر پرداخت سیدی از سهام سودده و قابل فروش شرکت های پتروشیمی خلیج فارس؛ نیروگاه های زاگرس و دماوند و شرکت راه آهن جمهوری اسلامی بابت مطالبات معوقه ایثارگران به طرز شک برانگیزی مصرانه تصمیم گرفته اند تا به جای پرداخت ترکیبی از سهام در اختیار، سهام نا مرغوب نیروگاه زاگرس و دماوند را که هیچ خریداری در بازارهای بورس کشور ندارد، اختصاصا بابت پرداخت معوقات ماده ۱۳ به آزادگان داده شود و باز هم آزادگان به حقوق خود دست نیافتند.

مسعود ؟



مسعود زریبافان زاده سال ۱۳۳۶ در تهران رییس سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران و معاون رئیس جمهور در دولت محمود احمدی نژاد بود. وی دارای مهندسی عمران و کارشناسی ارشد شهرسازی و برنامه ریزی شهری است. می گویند با محمود احمدی نژاد باجناب است ولی این موضوع چند باری تکذیب شده است.

مسعود زریبافان که قبل از ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد عضو شورای شهر تهران در دوره دوم بود، در زمان انتخابات نهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۴)، مسئولیت ستاد مردمی حمایت از احمدی نژاد را بر عهده داشت. پس از انتخابات ریاست جمهوری علاوه بر عضویت در شورای شهر تهران به عنوان دبیر هیئت دولت نیز منصوب گردید. چندی بعد با مصوبه مجلس مبنی بر ممنوعیت اشغال چند پست توسط کارکنان دولت، ناچار به استعفا شد و پس از شکست در انتخابات دور سوم شوراها (که به عنوان کاندیدای ائتلاف رایحه خوش خدمت بود)، ریاست مجمع باشگاه دولتی استقلال را در دست گرفت.

زریبافان در دولت دهم، به جای حسین دهقان به عنوان معاون رئیس جمهوری و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران منصوب شد و پس از چندی، از ریاست مجمع باشگاه استقلال کناره گیری کرد.

بی وفایی بهشت زهراى تهران به مادران شهدا



قصد نداریم خدمات بهشت زهراى تهران را در سالهای اخیر زیر سوال ببریم چرا که اقدامات خوبی انجام داده اند. از تخریب خانه ننه علی تا عدم نگهداری مناسب از یادگاری های شهدا در تابلهای نصب شده در قبور و برخی موارد دیگر... ولی در این میان یک بی وفایی جزئی رخ داده و آن این است که مادران شهدا برای شستشو و آب دادن به گلپای قبور از داشتن آب لوله کشی محروم هستند و باید مسافتها راه بروند و با دبه آب بیاورند. لذا از مسئولان سخت کوش بهشت زهراى تهران درخواست می شود که از تانکرهای آب به تعداد کافی در قطعات شهدا استفاده شود.



افزایش ۱۰ برابری شکایت از بنیاد شهید

نماند که بنیاد شهید به عنوان تنها متولی حقوق و حمایت از ایثارگران اقداماتی را در حد توان خود انجام داده است که بیشتر فرهنگی (انتشار کتاب، ایجاد سایت، تولید نرم افزار و...) بوده است ولی حتما اجرای قوانین و صرف بودجه های کلان توسط این سازمان یا نوع مدیریت آن به نحوی نبوده است که در حد و شأن و منزلت ایثارگران هشت سال دفاع مقدس باشد. این بی توجهی ها موجب شده تا جانبازان، آزادگان و سایر ایثارگران دست به دامان دستگاه قضایی شوند و دیوان عدالت اداری تنها مرجع رسیدگی به شکایت مردمی از دستگاه های اجرایی مانند بنیاد شهید است. هر چند بر اساس رای دیوان عدالت اداری دیگر جانبازان برای موضوع حقوق خود نباید به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند ولی حجت الاسلام محمد جعفر منتظری رئیس دیوان عدالت می گوید: شکایت از بنیاد شهید ۱۰ برابر شده و علت آن بدهی های بنیاد شهید به جانبازان است. اگر بنیاد شهید بدهی هایش را بپردازد شکایت ها کاهش می یابد. از رئیس دیوان پرسیدم که جانبازان می گویند دیوان طرف بنیاد شهید را می گیرد که گفت: این چنین نیست زیرا ما تنها حکم می دهیم. ما می گوئیم بروید در بودجه سالانه خود این معوقات را بگنجانید. البته این را باید بگویم که مسئله بدهی های بنیاد شهید یک میلیارد و دو میلیارد نیست بلکه خیلی کلان است. ولی داستان حقوق جانبازان و معوقه ها و بنیاد شهید مانند کف دست است، پولی نیست که بدهند.

امروز حدود ۸۵۰۰ روز از پایان جنگ تحمیلی می گذرد. بدیهی است که هر ایرانی توقع دارد تا بازماندگان جنگی پیروز را در جایگاه مطلوب اجتماعی و معیشتی مشاهده کند. ارزش گذاشتن به بازماندگان جنگ، رزمندگان، جانبازان، آزادگان و خانواده های شهدا می تواند این فرهنگ را در جامعه نهادینه کند که دفاع از کشور، تبعیت از فرمان ولی فقیه، ایثار و از خودگذشتی غیر از اجر معنوی موجب ارزش ها و پاداش های دنیوی هم هست. زیرا هر دولتی با هر دین و آیین و مذهبی به قهرمانان کشور احترام می گذارد و خدمات مطلوبی را به آن ها ارائه می کند. حال بیایم با هم رسانه ها را در بخش دفاع مقدس تنها در این سالهای اخیر ورق بزنیم. من تنها به تیرها اشاره می کنم و به محتوای گزارش ها و مصاحبه ها کاری ندارم زیرا تیر عصاره ای از کل متن گزارش و گفت و گو است. «زندگی جانباز در خودرو»، «زندگی جانباز افغانی در حمام متروکه»، «اعتراض هزاران آزاده به دلیل پرداخت نشدن حقوق هشت سال اسارت»، «تحصن یک جانباز در مقابل درب بنیاد شهید»، «۶۴ روز زندگی جانباز شیمیایی با خانواده اش در جنگل»، «پدر شهیدی که آرزویش داشتن حمام است»، «اعتراض خانواده شهدا مبنی بر بی حرمتی به قبور شهدا»، «داروهای چینی، تهدیدی برای جانبازان شیمیایی»، «برای تامین داروهایم خانم را فروختم»، «شکارچی تانک های عراقی دارو ندارد»، «روز جانباز برای ما مرده است»، «تنها آرزویم مرگ است» و صدها تیر تلخ دیگر... البته ناگفته

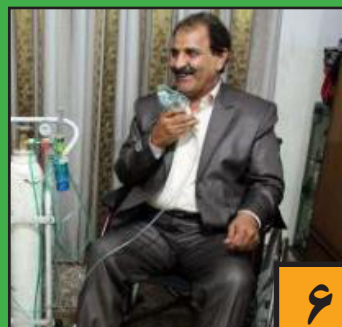


انتصابات عجیب تیم زیربافان در سازمان اقتصادی بنیاد شهید دولت جدید!

دکتر روحانی در حالی کار خود را در دولت شروع کرده است که هنوز پرونده هایی جنجالی از دولت احمدی نژاد، هر روز خبرساز، می شود. بر اساس آخرین گزارش ها یکی از این پرونده های خبرساز ماجرایی انتصاب ۳۰ تن از نزدیکان، نمایندگان مجلس و فرزندان شهدا توسط محمد رضا اسکندری، رییس سازمان اقتصادی کوثر در هیات مدیره شرکت های تابعه این سازمان است که زیر مجموعه بنیاد شهید محسوب می شود.

سنگر ساز بی سنگر در نوبت پیوند ریه

جانباز عباس کمالی هم قطع نخاع است و هم جانباز شیمیایی و اعصاب و روان یعنی این که روزگار خوشی ندارد. همسرش را تازه از دست داده و با دخترش مهدیه در خانه ای ورثه ای در نزدیکی کوه بی بی شهربانوی تهران زندگی می کند. این جانباز که حقوق چندانی از بنیاد شهید دریافت نمی کند تنها ۴۰ درصد دارد!!! با این حال هر وقت سراغی از او می گیریم با همان حس و حال آرامی که دارد می خندد و می گوید: خدا را شکر... حالا وضعیت ریه این جانباز به حدی رسیده که باید به سرعت پیوند ریه کند. نام عباس کمالی در لیست پیوند ریه بیمارستان است.





پرونده ای برای «مسعود زریبافان»

تلویزیونی برخی نمایندگان را به تخلف مالی و سوءاستفاده از منابع بنیاد شهید در زمان حضور در این سازمان متهم کند. او در این برنامه تلویزیونی، سابقه مدیریتی برخی نمایندگان مجلس را زیر سوال برد: «این افراد از مدیران سابق بنیاد هستند که به علت سهل انگاری ها و تخلفات فراوان از سمت مدیریت در بنیاد برکنار شده اند و یکی از آن ها بدون این که شش ماه قبل از ورود به مجلس از سمت خود در بنیاد استعفا دهد، در رقابت های انتخاباتی شرکت کرده و این یک تخلف انتخاباتی است.»

حالا غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، عضو هیات تحقیق و تفحص از بنیاد شهید، علیه رییس این بنیاد در دادسرای ویژه کارکنان دولت طرح شکایت کرده و قرار است همه مستندات را به مراجع قضایی ارائه دهد: «برای من یک حق حقوقی و قانونی برقرار است که نسبت به این بداخلاقی ها که از دولت قبل به ارث مانده، پیگیری داشته باشم.» زریبافان حتی مدعی شد که مصاحبه های جعفرزاده و تلاش های هیات تحقیق و تفحص به علت مخالفت بنیاد در انتقال او به دانشگاه گیلان و با انگیزه های شخصی است. جعفرزاده ایمن آبادی در همین زمینه می گوید: «مسعود زریبافان به دنبال طرح شکایت چند نماینده به دادگاه احضار شده است.» وی با بیان اینکه «زریبافان در برنامه ای در شبکه خبر، اسم من را آورده و تهمت ها و توهین هایی را به یک نماینده مجلس وارد کرده» از این پیگیری خبر داده بود. زریبافان به دنبال آغاز طرح تحقیق و تفحص مجلس از بنیاد شهید، در یک برنامه تلویزیونی، صفت ها و اتهام هایی را به برخی نمایندگان مجلس منتسب کرد.

مسعود زریبافان، در این مدت ارتباط خوبی با حلقه اول مدیران دولت احمدی نژاد داشت. وی جایی درباره اسفندیار رحیم مشایی گفته بود که مشایی دایم الذکر و اهل توسل است و او را ۳۰ سال است که می شناسد و رفاقت دیرینه ای با او دارد. در این میان هنوز موعد دادگاه «محمود احمدی نژاد» فرا نرسیده که خبر می رسد بازجویی از معاون اول دوران ریاست جمهوری وی آغاز شده و هنوز چند روزی از این خبر فاصله نگرفته ایم که پای مسعود زریبافان، رییس بنیاد شهید هم به دادگاه باز می شود. شاید این تازه آغاز راه باشد و در آینده شاهد تداوم روند رسیدگی های قضایی باشیم، آن هم دولتی که به زعم مسوولانش، پاک ترین و قانونمندترین دولت تاریخ ایران بوده و با وجود این، در روزهای پایانی حضور در قدرت، حتی از برداشتهای مجرمانه میلیاردی - به تعبیر ترکان - دست بردار نبوده است.

تیم تحقیق و تفحص مجلس به هنگام انجام وظیفه خود متوجه سرخ هایی از اختلاس در بنیاد شهید شدند و اعلام این موضوع از سوی یکی از نمایندگان، موجب ناخرسندی مسعود زریبافان، رییس سازمان بنیاد شهید شد. زریبافان از مدیریت فوتبال و ریاست مجمع باشگاه فرهنگی ورزشی استقلال تهران به بنیاد شهید آمد و سال های حضورش در این سازمان، سال های تلخی برای اغلب خانواده شهدا، ایثارگران و جانبازان بود تا جایی که حالا چند هفته ای است مدام گروهی از خانواده شهدا برای اعتراض به معوقه های خود، مقابل درب شمالی بهارستان تحصن می کنند. ناخرسندی زریبافان از نمایندگان مسئول تحقیق و تفحص موجب شد تا در یک برنامه

دانشجویان شاهد دیگر نگران نباشند



دکتر «حسین شهرکی پور» مدیر کل آموزش عالی بنیاد شهید اعلام کرده است: دانشجو دیگر کار به دانشگاه ندارد چه پیام نور چه علمی کاربردی چه دانشگاه آزاد، از طریق تفاهم نامه ای که بنیاد شهید در استان ها با دانشگاه ها برقرار میکند، دانشجو فقط یک معرفی از دانشگاه به بنیاد شهید می گیرد، بنیاد شهید اسامی را در ستادهای شاهد تایید میکند. به مرور زمان که شهریه از سوی بنیاد شهید به استان ها تخصیص پیدا می کند، آنها نیز با دانشگاه ها تسویه حساب می کنند. هر عزیزی اگه الان مراجعه کنه به بنیاد شهید و بحث تسویه حساب باشد، بحث تسویه حساب رو انجام می دهند، اگر هم بحث ادامه تحصیل باشه ام مشکلی نداره.

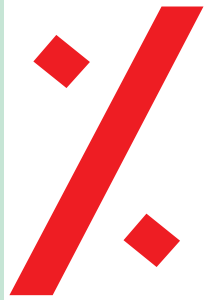
ثابت کن جانبازی ...



کبری افسری: تاریخ شهادت شهریورماه ۱۳۹۲

روزگاری که ایران در آتش دفاع از خاک و آرمان هایش عاشقانه می سوخت کبری افسری هم خود را به پشت جبهه رساند. کار در انبارهای بزرگ، شست و شوی لباس سربازان و رزمندگان، بسته بندی مواد غذایی، همکاری با لجستیک و پشتیبانی جنگ در کارنامه این مادر بزرگ بود. بعد از جنگ سرفه هایش شروع شد و پزشکان بنیاد شهید فهمیدند که قربانی سلاح شیمیایی شده است. کبری افسری این بار هم خودش جانباز شیمیایی بود و هم سه فرزندش که در خط مقدم می جنگیدند. کبری قصه ما رفت تا برای تشکیل پرونده جانبازی اش اقدام کند. به او گفتند برو ۴۰ شاهد بیاور تا اثبات کنی جانباز هستی!!! سالها رفت و آمد تا اینکه دیگر ریه هایش از کار افتاد. روزهای آخر زندگی اش به شلنگ اکسیژن اتاقش بسته بود. تا این که بعد از سال ها تحمل درد و رنج جانبازی بدون اینکه نام شهید را برای او لحاظ کنند به دیار حق شتافت. کبری افسری هم مانند بسیاری دیگر از جانبازان بدون درصد برای ما شهید است.

جان بازی



بودند که با عشق و امید و جوانمردی از شهر و دیارشان دفاع کرده بودند. شاید پایان قصه برای کودکان و نوجوانانی که گوش می‌دادند تلخ باشد. به راستی کودکان چه نتیجه‌ای از این قصه می‌گیرند. نمی‌دانم بهتر است به قصه واقعی بپردازیم. ۲۳ سال از جنگ تحمیلی می‌گذرد ولی هنوز رزمندگان زیادی سال‌هاست که به دنبال اثبات مجروحیت‌ها و جانبازی خود هستند. این درحالی است که جامعه بر این باور است که آن‌ها تحت پوشش خدمات دولتی بوده و همانند تمام کشورها از دلاوری‌ها و رشادت‌هایشان قدردانی می‌شود و هیچ مشکلی ندارند. در این میان جانبازان قطع نخاع و قطع عضو که مجروحیتشان مشهود است وضعیت بهتری دارند ولی جانبازانی که دچار عوارض شیمیایی و اعصاب و روان هستند اثبات جانبازی شان بسیار سخت و دشوار است. آنان باید برگه‌های متعددی را برای اثبات جانبازی به کمیسیون‌های بنیاد شهید ارائه کنند. نکته قابل تأمل این است که تعدادی از جانبازان شیمیایی و اعصاب و روان توسط پزشکان متخصص و مورد امین بنیاد شهید تشخیص داده می‌شوند که علت مجروحیت‌شان استنشام گاز خردل یا موج انفجار است ولی کمیسیون‌های پزشکی نظریه پزشک را کافی نمی‌دانند و از جانباز مدارک دیگری طلب می‌کنند.

بر اساس این گزارش مسعود زریبافان رئیس سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران در روزهای آخر مسئولیتش اعلام کرده بود که بنیاد شهید روشی را ابداع کرده تا بدون هیچ اشکالی تشخیص دهند فرد در جنگ مجروح شده یا خیر! زریبافان از راه‌اندازی سیستم جدید و مطمئن احراز شهادت یا مجروحیت خبر داده و گفته: سیستم کارتکس در زمان ریاست من انجام شد و ما هم آن را رسانه‌ای نکردیم این است که هر کسی که در زمان جنگ به بیمارستان اعزام می‌شد به مرکزی اطلاع می‌دادند که شخص مورد نظر مثلاً ساعت ۹ آمده و به این دلیل در این بیمارستان پذیرش شده است. ما هم این اطلاعات کارتکس را با کار گذاشتن چندین اپراتور و تحت نظر و دوربین‌های امنیتی که مبادا اپراتورها دست در پرونده‌های الکترونیکی کردیم و درحال حاضر بهترین مدارک ما همین‌ها هستند مهندس زریبافان گفت: در واقع این کارتکس‌ها حاوی اطلاعاتی از قبیل نام و نام خانوادگی و تاریخ مجروحیت و نوع و چگونگی مجروحیت و بیمارستان پذیرش کننده است.

زریبافان در پاسخ به این سؤال که درحال حاضر تعداد قابل توجهی از ایثارگران به خاطر نقص در مدارک، پرونده‌هایشان مسدود شده گفت: هر کسی خواست برای مسدود شدن پرونده اش مراجعه کند و ما پیگیری می‌کنیم. اگر ادعاش درست نبود دلیل اشتباهش را می‌گوئیم و اگر درست بود که اصلاح می‌کنیم و از هیچ چیز بی تفاوت نمی‌گذریم.

و کلاً برای رد ادعای افراد توضیح کامل می‌دهیم تا توجیه شوند. سیستم ما از اول الکترونیکی نبوده و پرونده‌ها به صورت برگه‌های کاغذی بوده و الان هم بایگانی هستند و اگر کسی مدعی جانبازی باشد ما می‌دهیم کمیسیون نظر بدهد. رئیس بنیاد شهید می‌گوید: یکی از بزرگ‌ترین کارهایی که کرده‌ایم همین جمع‌آوری کارتکس‌هاست که حاوی اطلاعات ثبت شده از رزمندگان است که می‌توان با یک تماس تلفنی و مراجعه به مخزن اطلاعات الکترونیکی به اطلاعات آن دسترسی سریع و آسان پیدا کرد.

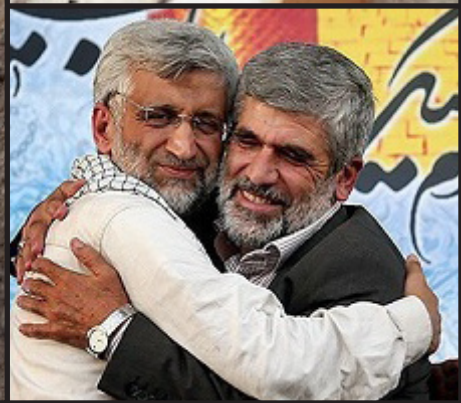
هر چند این اقدام بنیاد شهید در سکوت مطلق رسانه‌ای حائز اهمیت است ولی در این میان چند سوال مطرح می‌شود. اول اینکه آیا در آن بحبویه جنگ تمام بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های صحرایی مشخصات مجروحان را ثبت کرده‌اند؟ آیا اسناد به دست آمده آمار واقعی جانبازان جنگ را نشان می‌دهد؟ اگر رزمنده‌ای در عملیات یا پاتک یا استراق سمع و تخریب مجروح، موج گرفته و شیمیایی شده باشد و اصلاً به بیمارستان هم مراجعه نکرد باشد تکلیفش چیست؟ گفته‌های رئیس سابق بنیاد شهید در حالی است که بیش از ۴۰۰ هزار جانباز همچنان به دنبال اثبات جانبازی خود پله‌های بنیاد شهید را بالا و پایین می‌روند.

سید هادی کسایی زاده: پس از گذشت ۲۵ سال از جنگ تحمیلی بنیاد شهید می‌گوید روشی ابداع کرده تا تشخیص دهد رزمندگان در جنگ مجروح شده‌اند یا اینکه دروغ می‌گویند! روشی که به گفته رئیس سابق بنیاد شهید در سکوت مطلق خبری اختراع شده است.

یکی بود یکی نبود. روزی و روزگاری دشمنی به شهری آزاد و آباد حمله کرد. پیر و مراد شهر از جوان‌ها و دلاوران خواست تا از شهر و دیارشان دفاع کنند و آن‌ها همه به عشق رهبرشان و دفاع از شهرشان راهی نبرد با دشمن شدند. پایان نبرد پیروزی شهر بود و شکست دشمن، ولی تلفات جنگ بسیار زیاد. عده‌ای جان خود را از دست دادند و عده‌ای اسیر و گروهی هم مجروح شدند. قرار شد از خانواده کشته‌های جنگ حمایت شود و به مجروحان هم رسیدگی کنند ولی قهرمانان شهر آن قدر مرام داشتند که حتی دنبال ثبت اسمشان در لیست قهرمانان نرفتند. سال‌ها گذشت و حال مجروحان جنگ بدتر و بدتر شد. وضعیت به نحوی شد که گروهی از مجروحان تصمیم گرفتند برای دوا و درمان زخم‌های کهنه و رسیدگی به اوضاع و احوالشان سری به مراکز دولتی بزنند. آن‌ها بر این باور بودند که هنوز دوران، همان دوران پیروزی است و به همان اندازه به آن‌ها احترام می‌گذارند. ولی وقتی وارد شدند مسئول رسیدگی به مجروحان جنگ گفت: بفرمائید چه می‌خواهید؟ گفتند هیچ! ما از مجروحان جنگ هستیم. زندگی بر ما فشار آورده و می‌خواهیم حداقل هزینه دوا و درمان و اگر هم شد برای اهل و عیالمان کاری از دستتان بر می‌آید انجام دهید. مسئول رسیدگی به مجروحان شهر لبخندی زدند و گفتند: ما از کجا بدانم شما راست می‌گویید. بروید مدرک یا شاهی بیاورید که در جنگ بوده‌اید. مجروحان از صحبت‌های مسئولان متعجب شده و به دنبال مدرک روانه شهر شدند. پس از ماه‌ها جست‌وجو توانستند

مدارکی به دارالحکومه بدهند که ثابت می‌کرد آنها در جنگ حضور داشتند. مسئول رسیدگی به مجروحان شهر رو به مجروحان کرد و گفت: این مدارک ثابت می‌کند شما در جنگ حضور داشتید ولی ثابت نمی‌کند که مجروح شده‌اید. پس از گفته‌های مرد برخی مجروحان ناامید شده و به خانه بازگشتند.

برخی دیگر برای اثبات مجروحیت روانه شهر شدند و گروه اندکی هم گفتند این کار شما نامردی است و ما از حقمان نمی‌گذریم. آری این مجروحان همان جوانانی



هنوز تعداد زیادی از جانبازان و قربانیان جنگ با مشکلات روزمره زندگی دست و پنجه نرم می کنند و تأثیرات جنگ بر پیکره برخی شهرها معلوم است. بر اساس این گزارش در هشت سال جنگ عراق علیه ایران بیش از ۳ میلیون یعنی عراقی و رزمندگان ایرانی کشته و زخمی شدند که تعداد قربانیان عراقی ۲ میلیون و قربانیان ایرانی حدود یک میلیون ثبت شده است. این آمار در حالی است که محسن رفیق دوست وزیر سپاه در دوران جنگ تحمیلی می گوید: حدود ۲ میلیون نفر در دوران دفاع مقدس در جنگ حضور داشتند که شامل سربازان، نیروهای رسمی نظامی، کسبه، دانشجویان، دانش آموزان، بسیجیان و نیروهای مردمی بودند. بر اساس آمارهای رسمی از بنیاد شهید، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس و برخی نهادهای مسئول آمار شهدا بر اساس سن، شغل و نحوه شهادت اعلام شده است:

این آمار نشان می دهد که بیش از ۸۰ درصد شهدای جنگ را جوانان تشکیل داده بودند.

آمارها نشان می دهد از ۲۱۲ هزار پدر شهید تنها ۷۰ هزار نفر در قید حیات هستند در حالی که نسل جدید انقلاب هنوز نتوانسته است با آرمان های شهدا و دوران دفاع مقدس ارتباط برقرار کند. آرمان هایی که بخش بزرگی از آن در دل پدران و مادران شهید و جانبازان جنگ تحمیلی جای گرفته است.

سید هادی کسایی زاده: جمهوری اسلامی ایران از شهریور ماه سال ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷ به دلیل تجاوز دولت عراق به خاک ایران در گیر و دار با عراق در جنگ بود، به نحوی که هشت سال جنگ عراق علیه ایران را به عنوان یکی از فاجعه های بزرگ جنگی تاریخ بشری در قرن بیستم عنوان می کنند، چرا که در این جنگ ارتش عراق از مواد شیمیایی علیه شهروندان ایرانی و مرز نشینان سردستی استفاده کرد. در تاریخ ثبت شده است که این جنگ را جنگ تحمیلی نامیدند چون

آغازگر آن رژیم بعث عراق به رهبری صدام بود. هر چند که سازمان ملل عراق را به عنوان متجاوز جنگی اعلام کرد ولی

تعداد شهدای متاهل: ۵۵۹۹۶ نفر

تعداد شهدای مجرد: ۱۵۵۲۵۹ نفر

شهدای زیر ۱۴ سال:	۷۰۵۴ نفر
شهدای ۱۵ تا ۲۳ سال:	۱۵۲۶۸۱ نفر
شهدای ۲۴ سال به بالا:	۵۳۵۲۰ نفر

شهدا در درگیری با دشمن	۱۵۵۰۸۱ نفر
شهدا در حملات به شهرها	۱۶۱۵۴ نفر
شهدادر حوادث متفرقه	۲۱۷۰۳ نفر

غریبان شهید می شوند؟ چرا وضعیت برخی از آسایشگاه های جانبازان اعصاب و روان و قطع نخاع مناسب نیست؟ چرا جانبازان باید خودشان به دنبال اثبات جانبازی باشند؟ چرا مدارس شاهد از فرزندان جانبازان هزینه دریافت می کند؟ چرا بخشی از داروی جانبازان شیمیایی شامل بیمه نمی شود؟ چرا هنوز بسیاری از شهرها و مراکز دولتی و غیردولتی برای عبور و مرور جانبازان مناسب سازی نشده است؟

چرا سینما و تلویزیون در به تصویر کشیدن زندگی ایثارگران بعد از جنگ سکوت کرده اند؟ چرا وضعیت خانواده ایثارگران پایش نشده و برخی کوتاهی ها بی پاسخ مانده است؟ چرا هنوز قانون جامع ایثارگران اجرایی نشده است؟ حالا در کنار تمامی این سوالات بنیاد شهید کشور اعلام کرده است که از ۲۱۲ هزار پدر شهید تاکنون ۱۴۲ هزار پدر شهید دارفانی را وداع گفته و میهمان فرزندان شان شده اند و هم اکنون تنها ۷۰ هزار پدر شهید در قید حیات هستند. این آمار در حالی است که در یک ماه گذشته ۱۷۰ پدر شهید دیگر فوت کردند. پدران شهیدی که به تنهایی می توانند هر یک به عنوان یک وزارتخانه فرهنگی و آموزشی در تربیت نسل جدید انقلاب ایفای نقش کنند.

پیر ریتر رئیس سابق نمایندگی کمیته صلیب سرخ جهانی در ایران که چندی پیش ماموریتش به اتمام رسید اعلام کرده است که تعداد رزمندگان و شهدای مفقودی ایران در خاک عراق حدود ۱۱ هزار نفر است که تعداد مفقودی های دولت عراق در جنگ علیه ایران و کویت بیش از ۷۰۰ تا یک میلیون نفر گزارش شده است. به گزارش شهدای اسلام؛ هم اکنون بیش از ۳۲ سال از آغاز جنگ تحمیلی و ۲۴ سال از پایان جنگ تحمیلی می گذرد و هنوز آثار این جنگ هشت ساله در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور نمایان است. از جانبازان شیمیایی سردستی گرفته که هنوز معطل پزشک متخصص هستند تا ویرانه های خرمشهر و سوسنگرد و آلودگی خاک شلمچه و میادین مین در ایلام غرب و نقاط مرزی کشور. حالا جدا از چالش های حمایت از قربانیان جنگ هشت ساله غفلت از ترویج فرهنگ ایثار و شهادت دغدغه مسئولان فرهنگی و اجتماعی کشور شده است. در سالهای اخیر سوالاتی مطرح شده که هنوز پاسخ صحیح و روشنی برای آنها از سوی مسئولان ارائه نشده است: چرا هنوز ده ها هزار جانباز جنگ تحمیلی بدون پرونده

پارلمان



مجلس
اولین اجلاس
مشورتی

ایشان گران

ایشان گران در عرصه تصمیم سازی

مجلس ایثارگران تعطیل است!

نفر توسط نماینده ولی فقیه در بنیاد، ۵ نفر از اعضای ایثارگر شورای سیاست‌گذاری طرح معتمدین معین بنیاد شهید و ۱۴ نفر از بین مدیران ایثارگر بنیاد که توسط رئیس بنیاد شهید معرفی شدند. بنابر اساسنامه، هر استان ۵ تا ۱۵ نماینده را به مجلس معرفی کرد و استانهای دارای ۵ نفر سهمیه باید یک نفر از هر گروه ایثارگری (والدین، همسر و فرزندان شاهد، جانبازان و آزادگان) و استانهای دارای ۱۰ نفر نماینده از هر گروه ایثارگری ۲ نفر و استانهای دارای ۱۵ نماینده ۳ نفر از هر گروه ایثارگری انتخاب می‌شدند.

ولی این مجلس بزرگ با این همه اهداف ارزشمند که می‌توانست تاثیر بسیار خوبی بر روند زندگی و حیات جامعه ایثارگری و ترویج فرهنگ ایثار داشته باشد ناگهان در فراموشی محو شد. مجلسی که محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور در نخستین اجلاس آن حضور یافت و اعلام کرد: از مجلس مشورتی ایثارگران می‌خواهم تا در عرصه های گوناگون تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی یار و همراه مدیران کشور باشد. مجلسی که شخص مسعود زریبافان به عنوان رئیس بنیاد شهید گفته بود ما مجلسی می‌خواهیم که به بنیاد شهید مشورت بدهد. بنیاد شهید می‌گوید باید اعضای مجلس ایثارگران را نماینده‌های معین که انتخاب خود بنیاد شهید باشد تعیین کند که این اقدام یعنی مجلس به سمت و سوی فرمایشی شدن می‌رود. به گفته کارشناسان، بنیاد برای کاهش هزینه‌ها و زینتی شدن مجلس قدم بر می‌دارد در حالی که اگر تمامی ایثارگران کشور همانند انتخابات مجلس در این مجلس ایثارگری کاندیدا شده و نماینده شوند اصل دموکراسی برقرار شده و به گفته بسیاری از صاحب‌نظران مجلس ایثارگری می‌تواند در آینده ای نزدیک هم رئیس بنیاد شهید را انتخاب کند و هم مسئولان و کارکنان خاطی را مورد پرسش قرار دهد اما شاید بتوان گفت که بنیاد شهید از قدرت این مجلس در آینده هراس دارد و نمی‌گذارد گامها به درستی برداشته شود.

همچنین بنیاد دوست دارد وارد فعالیتهایی مانند مجلس ایثارگری شود اما نگران ناظر بیرونی است و از این بیم دارد که فردا مجلسی را که برای ایجاد از آن حمایت کرده است به‌عنوان مخالفی جلوی قد علم کند. از طرف دیگر بنیاد شهید نیاز به فعالیتهایی از این دست دارد و به همین دلیل است که از یک طرف مخالفت می‌کند و از طرف دیگر دوست دارد این مجلس محقق شود. همین تصمیم‌گیری‌ها، روشن نبودن موضع و سردرگمی‌های بنیاد است که باعث شده ۹۰ درصد جامعه هدف از فعالیت‌های این ارگان گله داشته و اقدامات این ارگان رضایت آنها را به همراه نداشته باشد. گفتنی است فروکاستن نقش مجلس ایثارگران در حد یک نهاد وابسته و زیرمجموعه سازمانی بنیاد امیدهای جامعه ایثارگری به این مجلس را که می‌تواند در هیأت وقامت نهاد موثر در عرصه تصمیم‌سازی امور ایثارگران عمل کند کم رنگ می‌کند. با این وجود برخی از کارشناسان امیدوارند تا این گره کور این بار برای همیشه باز شود چرا که معطل کردن مجلس ایثارگری بیشتر به ضرر جامعه ایثارگران تمام می‌شود تا نهادهای دولتی. با تمام این حرف و سخن‌ها این سوال مطرح می‌شود که بنیاد شهید پاسخگوی مجلس شورای اسلامی نیست. کسی هم دلش برای مجلس ایثارگران و جانبازان نمی‌سوزد. مسئولی هم نمی‌آید بگوید خب مشکل بنیاد شهید و مجلس ایثارگران بر سر چیست و چرا مجلس معطل مانده است. حال باید پیدا کنیم پرتقال فروش را... البته نسیم خنکی از سوی بنیاد در حال وزیدن است که اعضای مجلس ایثارگری به آن خوشبین هستند. تنها کاری که رسانه از دستش برآمد این بود که مهمترین تحول در امور حقوقی، معیشتی، درمانی، فرهنگی، رفاهی و تسهیلاتی جانبازان که همان تشکیل مجلس مشورتی ایثارگران بود را واکاوی کرده و جزئیات آن را به اطلاع عموم و مسئولان کشور برساند. ناگفته نماند ممنوع المصاحبه بودن بسیاری از مسئولان هم از سوی مجلس ایثارگری و هم بنیاد شهید ما را در هر چه بهتر پرداختن به این مهم بازداشت ولی رسالت ما ایجاب کرد تا نهایت تلاش خود را برای شفاف‌تر شدن این پرونده انجام دهیم.

خبرنگار متعجب از اقدامات مسئولان می‌شود!!! یادش بخیر روزی که در خبرها دیدم نخستین اجلاس مجلس شورای مشورتی ایثارگران با حضور ۲۳۵ نفر از ایثارگران افتتاح می‌شود؛ با تعجب پیگیر خبر شدم که بیستم این مجلس ایثارگران با این تعداد انبوه چه مجلسی است که بنده و امثال بنده که هم در عرصه رسانه و خبر فعال هستیم و هم در فعالیتهای اجتماعی مربوط به جانبازان و معلولین حضور داریم، از آن بی‌خبریم. به‌راستی این مجلس چگونه تشکیل شده و افراد آن چگونه از سراسر کشور انتخاب و در تهران دورهم جمع شده‌اند؟ اصلا هدف از این تشکیلات با این وسعت چیست؟ و اینکه چرا بسیاری از افراد ایثارگر و جانباز که در زمینه پیگیری حقوق جانبازی و ایثارگری فعال هستند از کم و کیف آن بی‌اطلاع یا کم‌اطلاعند و چرا به این مجلس دعوت نشده‌اند؟ این چرا و هزاران چرا دیگر است که ماهیت و انگیزه مسئولین بنیاد شهید را برای تشکیل اینگونه تجمعات زیر سوال ببرد. ولی آنچه حائز اهمیت بود نفس وجود چنین مجلسی است که بسیار بجا و مبارک است و می‌تواند گامی بلند برای تحقق نیازمندی‌ها، خواسته‌های جامعه ایثارگری و کمک بزرگی به ترویج فرهنگ ایثارگری در جامعه باشد ولی به شرط آنکه نمایندگان منتخب ایثارگران در آن حضور داشته باشند.

ولی داستان این مجلس از این قرار است که مجلس مشورتی ایثارگران به توصیه مقام معظم رهبری و به دستور رئیس جمهور از سال ۸۷ فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرد و هدف آن رفع نیازها، مشکلات و موانع زندگی جانبازان و ایثارگران، مشارکت ایثارگران در تهیه و تنظیم قوانین و مقررات مربوط به جامعه ایثارگری و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، تقویت روحیه تعاون، همدلی و همکاری بین جامعه ایثارگری در جهت تحکیم خانواده بزرگ ایثارگران، بستر سازی برای استفاده از ظرفیت و توانمندیهای خانواده بزرگ ایثارگران در تحکیم ارزش‌های انقلاب اسلامی و بنیان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و توسعه کشور، بهره‌گیری از نظرات ایثارگران در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و تامین نیازها و ارتقای منزلت اجتماعی ایثارگران و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات و مصوبات مرتبط با ایثارگران در تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور بود.

همچنین این مجلس قرار بود در مباحث مربوط به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت اعلام نظر مشورتی داشته باشد و در مورد مسائل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ایثارگران، ارائه راهکارهای مناسب در باره چگونگی ایفای نقش موثر ایثارگران در عرصه‌های مختلف جامعه و توسعه کشور، هدایت تشکلهای مختلف ایثارگران، ارتباط و تبادل تجربیات با مجامع مشابه داخل و خارج کشور وارد شود. در این مجلس افراد انتسابی هم وجود داشتند که شامل یک

ف مثل ... فراکسیون ایثارگران

گزارش از: مهدیه محمدی

که معمولاً بی پاسخ می ماند و یا با آمدن یکی از نمایندگان در میان معترضان و دادن وعده ها و قولهای همیشگی، اعتراض آنها در نقطه خفه شده و کاری از پیش نمی برد.

فراکسیون و کمیسیون هایی که دستی در کار دارند

علاوه بر دو فراکسیون تخصصی مرتبط با حوزه ایثارگری، کمیسیون های بهداشت، اجتماعی، امنیت خارجی، بودجه و تلفیق از جمله کمیسیون هایی هستند که می توانند در زمینه حل مشکلات مربوط به جامعه ایثارگری قدم بردارند.

کمیسیون بهداشت در حالی می تواند بحث رسیدگی به مشکلات و عدم وجود درمانگاهها و بیمارستانهای تخصصی، مشکلات درمانی، کمبود داروهای جانبازان را رسیدگی کند که حتی یک جلسه و یک ساعت از جلسات خود را تا کنون به این مهم اختصاص نداده است. از سویی دیگر با توجه به تحریمات دارویی و تجهیزاتی یکی از گروههایی که لطامات زیادی از این مسئله می بینند، جانبازان هستند که توجه چشمگیری به آنها نمی شود. کمیسیون امنیت خارجی هم در رابطه با حوزه ایثارگری، بحث غرامت را در پیش دارد که تا به امروز هیچ قدم خاصی برای دریافت این هزینه انجام نداده است و بروجردی، رئیس این کمیسیون هم در این باره گفته است: هنوز شرایط دریافت غرامت جنگی از عراق فراهم نشده است. با توجه به اینکه بارها روسای دو مجلس ایران و عراق و همچنین نمایندگان این پارلمان با هم دیدار داشته اند، جای خالی گفتمان دو کشور در مورد پرداخت غرامت جنگی از سوی عراق به ایران حس می شود.

بودجه ای که مشکلات را حل نکرد

کمیسیون بودجه هم یکی از کمیسیون های تاثیر گذار بر حل مشکلات جامعه ایثارگری است چرا که اختصاص بودجه برای یک جامعه هدف خاص نیاز به دفاع تمام قد از حقوق آن گروه دارد. در همین رابطه طبق بودجه سال ۹۲، بانک مرکزی موظف است به صد هزار نفر از جانبازان بیست درصد (۲۰ درصد) و بالاتر با اولویت درصد جانبازی، آزادگان، خانواده شهداء (همسر، والدین و فرزندان)، ایثارگران با حداقل دو و نیم سال حضور در جبهه، فرزندان جانبازان هفتاد درصد (۷۰ درصد) و بالاتر و وراثت تحت تکفل جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵ درصد) و بالاتر و وراثت تحت تکفل آزادگان متوفی فقط یک فقره تسهیلات مسکن براساس قوانین مربوطه و برابر قانون الزام بانکها به پرداخت تسهیلات به وراثت جانبازان و آزادگان متوفی مصوب برای خرید یا ساخت مسکن بدهد.

علاوه بر این بانک مرکزی موظف است از طریق بانکهای عامل به ایثارگرانی که دارای مسکن نامناسب یا ناتمام می باشند و در سنوات گذشته از تسهیلات مسکن کمتر استفاده کرده اند فقط برای یک بار با معرفی بنیاد شهید و امور ایثارگران، مابه التفاوت وام قبلی و یا با فک رهن و تسویه از یک فقره وام مسکن در قالب تسهیلات ساخت با همان وثیقه قبلی و یا وثیقه جدید پرداخت کند که متأسفانه این بند از بودجه در مورد بسیاری از ایثارگران عملی نشده است و بسیاری از آنها در شرایط نامناسب زندگی می کنند. همچنین در این قانون آمده است، افراد و رزمندگانی که در دوران دفاع مقدس و حوادث زمان انقلاب اسلامی دچار آسیب جسمی، روحی و روانی شده اند ولی صورت سانحه و مدارک بالینی همزمان را ندارند، با معرفی یگانهای اعزام کننده و نهادهای متولی توسط کمیسیون احراز بنیاد شهید و امور ایثارگران و با نظر کمیسیون پزشکی، جانبازی آنها مورد تأیید قرار می گیرد و متناسب با میزان جانبازی آنها تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار می گیرند متأسفانه این بند از قانون بودجه هم در مورد بسیاری از رزمندگان عملی نشد.

با توجه به اینکه ۴۴ درصد جمعیت نمایندگان مجلس نهم عضو جامعه ایثارگری هستند، خروجی فعالیت های آنها به هیچ وجه قابل قبول نیست و امید است حداقل در اندک فرصت باقی مانده از پایان عمر مجلس نهم، شاهد اقدامات موثر در حوزه ایثارگری از سوی نمایندگان باشیم.

فراکسیون یا همان جناح، گروهی است که درون حزب یا یک تشکل سیاسی تشکیل می شود و اعضایش در زمینه چگونگی اجرای برنامه ها و سیاست های کلی آن حزب یا سازمان، نظریات و عقاید خود را بیان می کنند. در مجالس قانون گذاری، جناح پارلمانی تحت عنوان فراکسیون به گروه های نمایندگان «احزاب» اطلاق می شود.

یکی از فراکسیون های نهمین دوره از مجلس شورای اسلامی، فراکسیون ایثارگران است که با عضویت ۱۳۰ نفر از نمایندگان مجلس یکی از بزرگترین فراکسیون ها است. رنگ و بوی ایثارگری به همین جا ختم نمی شود و در این دوره از مجلس ۱۲۳ ایثارگر حضور دارند که از این تعداد ۱۲ نفر فرزند شهید و حدود ۶۲ نفر جانباز و دیگر نمایندگان هم ترکیبی از همسر و والدین شهدا و آزادگان و خواهر و برادر شهید هستند. با توجه به این که قرار است توجه به مشکلات جانبازان و جامعه ایثارگری در اولویت فعالیت های جمهوری اسلامی قرار گیرد، دو فراکسیون شاهد و ایثارگری در مجلس ایجاد شده است.

لاله افتخاری نماینده تهران، غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی نماینده رشت، ضرغام صادقی نماینده شیراز، فتح الله حسینی نماینده قصر شیرین، محمد دهقان نماینده طبرق و چناران و مجتبی رحماندوست نماینده تهران، امیرآبادی نماینده قم و امیر خجسته نماینده همدان به عنوان اعضای هیات ریسه فراکسیون ایثارگران و اسماعیل کوثری به عنوان رئیس فراکسیون انتخاب شدند.

هر چند که این فراکسیون جامعه مخاطب زیادی دارد و مشکلات و دغدغه های بسیاری در جامعه ایثارگری وجود دارد اما حداقل از آغاز مجلس نهم، بررسی و ارزیابی خاصی در قالب قانون از میان صحبت های اعضای این فراکسیون استخراج نشده است و پس از گذشت ماهها از مفتوح شدن پرونده قانون خدمات ایثارگری، هنوز این قانون سرانجام دقیقی پیش روی خود ندارد.

تجمع هایی که در نقطه خفه می شوند

از همان روزهای آغاز به کار نهمین دوره از مجلس شورای اسلامی، درب شمالی هرم تصمیم گیری شاهد تجمع های گروه ها و قومیت های مختلفی بود. یکی از گروه های همیشه معترض جانبازان و یا آزادگان هستند که هر از چند گاهی، وقتی از همه جا نا امید می شوند دست به دامن نمایندگان خود در خانه ملت می شوند، دست به دامن شدن هایی

ایثارگران؛

نباید به فراکسیون مراجعه کنند



اسماعیل کوثری در گفتگو با ماهنامه شهدای اسلام در خصوص آخرین وضعیت اخبار فراکسیون ایثارگران گفت:

کار مهم فراکسیون ایثارگران بحث مطالبات ایثارگران بود که به دلیل کمبود بودجه، علیرغم

اینکه مصوبه داشت اما هیچ پرداختی صورت نگرفت اما خوشبختانه پس از مدتها و به دنبال رایزنی های انجام شده توسط رییس مجلس و نمایندگان، این پرداختی ها و مشکلات قبل از بسته شدن بودجه ۹۳ حل شد. وی افزود: قرار بود بدهی ها و معوقات جامعه ایثارگری طبق بودجه ۹۲ پرداخت شود که متأسفانه در دویخش واریز و سپس متوقف شد و خوشبختانه در این هفته اخیر قرار است از سر گرفته شود. وی در خصوص این صحبت که بسیاری از اعضای جامعه ایثارگری، فراکسیون ایثارگران را کم کار دانسته و منتقدان هستند، شما چه پاسخی به انتقادات می دهید، گفت: به هیچ وجه دنبال آن نیستیم در حوزه ایثارگری مطالبی را مصوب کنیم که عملی نشود و اعضای فراکسیون ایثارگران به دنبال جار و جنجال نیستیم. کوثری افزود: وقتی طرح تصویب شده اجرا می شود روحیه مثبتی در بین نمایندگان ایجاد می شود اما وقتی پای جار و جنجال و علنی کردن طرح هایی که هنوز به اتمام نرسیده است، مطرح می شود جو منفی بر فراکسیون حاکم می شود.

رییس فراکسیون ایثارگران مجلس نهم در پاسخ به منتقدان هم گفت: فراکسیون ایثارگران به هیچ عنوان مدعی نیست به همه مشکلات رسیدگی کرده است اما باید بگویم مواردی که لازم و ضروری بوده و نیاز به عملیاتی شدن داشته است، دنبال شده است. وی درباره آخرین وضعیت تحقیق و تفحص مجلس از تخلفات بنیاد شهید هم گفت: با توجه به اینکه خود من یکی از دنبال کنندگان این طرح بودم باید بگویم تخلفات بنیاد شهید به آن شدتی که برخی ها گفتند، نبوده است با این حال این تخلفات تا حدی درست است و تحقیقات بیشتر در حال تکمیل شدن است و پس از آن می توان اعلام نظر قطعی کرد.

رییس فراکسیون ایثارگران در خصوص مهم ترین اقداماتی که رییس جدید بنیاد شهید باید انجام دهد، اظهار داشت: بهترین کار و البته فوری ترین کاری که رییس جدید باید انجام دهد، همان تسویه و پیگیری پراخت طلب هایی است که جامعه ایثارگری از بنیاد شهید دارد.

وی در پاسخ به این سوال که هر هفته ایثارگران بسیاری دست به دامان نماینده های مجلس می شوند، در هفته چند مراجعه کننده به فراکسیون ایثارگران دارید؛ گفت: ایثارگران نباید به فراکسیون مراجعه کنند مگر اینکه پیشنهاد خاصی داشته باشند با این حال باید بینیم که این درخواست عزیزان شدنی است یا خیر و منابع بودجه ای در این راهگشایی ها و پذیرش ها تاثیر گذار است.

نخستین نامه فراکسیون ایثارگران به حسن روحانی



شهدای اسلام: پس از آن که گروهی از ایثارگران در شهریورماه سال جاری برای دومین بار در اعتراض به سلب حق قانونی و قطع حقوقشان به مجلس شورای اسلامی رفتند، فراکسیون ایثارگران مجلس با تنظیم نامه ای خطاب به رئیس جمهور خواستار ادامه پرداخت حقوق حالت اشتغال ایثارگران شد. متن کامل نامه فراکسیون ایثارگران مجلس به دکتر روحانی به این شرح است: رئیس جمهور محترم، بدینوسیله به استحضار عالی می رساند: قانون نظام جامع خدمات رسانی به ایثارگران آخرین لایحه ای بود که در روزهای پایانی ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی (۱۱ مرداد ۱۳۸۴) به مجلس ارائه شد و پس از هفت سال گردش کار بین مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام سرانجام در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۲ برای اجراء به دستگاه های ذیربط ابلاغ شد.

در تبصره ۲ ماده ۳۹ این قانون آمده است: «حقوق حالت اشتغال جانبازان و آزادگان از کار افتاده کلی موضوع مواد ۳۸ و ۳۹ این قانون در صورت اشتغال در دستگاه های موضوع بند الف ماده ۲ این قانون قطع می گردد.» این درحالیست که جانبازان و ایثارگران مشمول قانون حالت اشتغال از سال ۱۳۷۲ تا اول سال ۱۳۹۲ حقوق حالت اشتغال را دریافت می کرده اند و از ابتدای سال جاری نیز دستگاه های مربوطه حقوق حالت اشتغال را قطع نموده اند. (بدلیل اینکه بصورت حقوق مکتسبه درآمد است)

اینک که اصلاح این تبصره در دستور کار صحن علنی مجلس قرار گرفته، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به اعلام موافقت جنابعالی و یا هیئت محترم دولت مبنی بر ادامه پرداخت حقوق حالت اشتغال ایثارگران و یادگاران هشت سال دفاع مقدس اقدامات مقتضی را معمول دارند تا با مخالفت شورای نگهبان به استناد اصل ۷۵ قانون اساسی مواجه نشود.

ضمناً برادر جانباز جناب آقای مهندس جعفرزاده (سخنگوی محترم فراکسیون ایثارگران) را جهت پیگیری موضوع خدمتتان معرفی می نمایم.

یادآوری می شود از آنجائیکه این حقوق در طول بیست سال گذشته پرداخت می شده است بار مالی جدیدی برای دولت ایجاد نمی شود و بدیهی است قطع این حقوق در ماه اولیه دولت تدبیر و امید طبیعتاً به مصلحت آن دولت محترم نمی باشد.

محمد کوثری؛ رئیس فراکسیون ایثارگری مجلس شورای اسلامی.

ادعای محافل غربی؛



صیاد شیرازی ترور نشد!



برسد که به نفع کشور ما، خانواده های شهدا و منافع ملی باشد و همچنین عوامل ترور محکوم شوند و به صورت قانونی به جزای خود برسند.

به دنبال پیگیری چه مسائلی در پرونده ترور شهید صیاد هستید؟

ما به دنبال این هستیم که اولاً این اتفاق را به عنوان ترور بدانند زیرا هنوز این مساله به عنوان ترور پذیرفته نشده است. و مساله دیگر اینکه عناصر ترور شناسایی و دستگیر شوند و بعد مسائل حقوقی که باید انجام شود از جمله غرامتی که باید پرداخت شود و آسیبی که به نظام وارد کردند باید بررسی شود. رسیدگی به پرونده هایی که هنوز مبهم هستند و پاسخ به سوالاتی که به صورت ملموس باید انجام شود هم از دیگر خواسته های ما به شمار می رود. ما همچنان پیگیر هستیم اما نمی شود زمان دقیقی را برای رسیدن به نتیجه نهایی تعیین کرد.

برخورد شما با عاملین ترور پدرتان چگونه خواهد بود؟

برخورد ما باید همان برخورد قانونی باشد و اینکه طبق قانون اسلامی با تمام عوامل ترور و پشت پرده آن برخورد شود، تا در آینده کسانی که به عنوان دشمنان بوده و در فکر ضربه زدن به نظام متوجه عواقب اقدامشان بشوند. باید مراقب باشیم که چنین اتفاقاتی در کشور نیفتد و به یک امنیتی برسیم که در آرامش به اهدافمان برسیم.

با توجه به اینکه شما کارشناس روابط بین الملل هستید چه اقداماتی را در تسریع روند پیگیری انجام داده اید؟

در این زمینه بنده تا آنجایی که امکانش بود چه در دانشگاه و چه در مجموعه های امنیتی که با آنها مرتبط بودیم و یا اگر در قشر مردمی امکان این بود که صحبتی شود و حضور داشته باشیم و حتی در کنگره ها و مجموعه های مختلف در داخل و خارج از کشور حضور داشته ام. و تا آنجایی که در توان و وظیفه بنده بود، تلاشم بر این بوده که دفاع از منافع این شهدا به نحو احسن انجام شده و هم از اهداف و آرمان های نظام، امام و ولی امر مسلمین، همواره یاد شود و توجه ویژه ای بر این هدف شود.

محافل بین المللی همکاری های لازم را داشته اند؟

محافل بین المللی به خصوص کشورهایی که در این زمینه مسئولیت اساسی دارند معمولاً آن طور که باید همکاری نمی کنند و ضعیف عمل می کنند. اما در این میان کشور های عدم تعهد علاقمند هستند که در این زمینه فعالیت هایی انجام شود که نتیجه درخوری داشته باشد. که دیگر چنین مشکلاتی نداشته باشیم تا بتوان در عرصه سیاسی یک فضای سالم و منطقی منافع کشور را دنبال کنند. جو حاکم ما در جهان این است. یعنی ما می توانیم شاهد این باشیم که فضای جهانی ما به سمت یک فضای منطقی می رود و کشورهای قلیلی هستند که به دنبال مسائل غیر منطقی و منافع غیر علمی و یا سیاسی هستند. در این زمینه کشور ما الحمدلله در دسته آن کشورهایی هست که در زمینه درست و عاقلانه پیش می رود، لازم به ذکر است که سیاست خارجی ما فعال و پویا هست که منافع ملی ما

امیر سپهبد علی صیاد شیرازی فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای عالی دفاع در بامداد ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ به وسیله عوامل مسلح مجاهدین خلق در پوشش رفتگر، مقابل درب منزل مسکونی اش واقع در تهران و در برابر دیدگان فرزندش کشته شد. او در روزهای قبل از مرگش قصد فاش کردن برخی از اسرار دوره جنگ را داشت. ماهنامه شهدای اسلام در گفتگویی با پسر شهید صیاد شیرازی آخرین وضعیت پرونده این شهید در دادگاه فرانسه را جویا شده است. مهدی صیاد شیرازی فرزند شهید سپهبد علی صیاد شیرازی متولد ۱۳۶۰ و کارشناس روابط بین الملل است. وی رسیدن به اهداف نظام و اسلام ناب را دغدغه ی خود می داند و بیشتر وقت خود را در این راه و همچنین ارزش های دفاع مقدس وقف کرده است.

از اهدافی که شهید صیاد دنبال می کردند، بگویید؟

پدرم همانند همه شهدای والا مقام و کسانی که تمام زندگیشان در راه مجاهدت و رضای خدا بود، از اول انقلاب تا لحظه شهادتش سعی کردند در خدمت اهداف نظام جمهوری اسلامی و پیرو خط ولایت بودند و تمام تلاششان برای جلب رضایت خدا، رهبر و امام زمان (عج) بود. در این راه با تمام وجود زحمت کشیدند هم قبل از دفاع مقدس و هم در دوران هشت سال دفاع مقدس که خاطرات بیشماری از حماسه های ایشان در مسئولیت های مختلفی که بر عهده داشتند به خصوص در پست فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و همچنین در بازرسی ستاد کل نیرو های مسلح و جانشینی ستاد کل نیروهای مسلح از جمله خدماتی ارزنده ای بوده که ایشان به ارمان آورده اند، و کما کان ۱۴ سال که از شهادت ایشان می گذرد همچنان یاد و خاطره ایشان و اهدافشان زنده است که مایه افتخار و مباهات برای همه ما هست.

دشمنان نظام هم هدفشان این بود تا بتوانند عناصری که برای نظام موثر هستند، شخصیت های شایسته ای که در خدمت نظام هستند را مورد هدف قرار دادند و با خیال آنکه بتوانند با عمل ترور آنها را از اهدافشان باز دارند، اما نتوانستند و ما شاهد آن هستیم که بعد از گذشت سالها پس از جنگ، نظام با تمام توان در خدمت اهداف اسلامی و انقلابی پیش می رود. که تمام این هدفها به آرمانهای حضرت امام، مقام عضمای ولایت و اهداف اسلام ناب بر میگردد تا اینکه کشور ما کشوری اسلامی باشد که تمام اهداف اسلامی در آن تحقق یابد و علاوه بر این ها با الگویی اسلامی کشوری پیشرفته در تمام عرصه ها داشته باشیم

روند پیشرفت پرونده شهید صیاد شیرازی در فرانسه به کجارسیده است؟

کماکان پرونده ترور شهید در ایران، عراق و فرانسه در حال پیگیری هست. اما جواب قانع کننده ای مبنی بر درخواست ما داده نشده و این موضوع به مجموعه حقوقی فرانسه بر میگردد و اینکه آنها معمولاً با اهداف و منافع خودشان مسائل را دنبال می کنند که هنوز جواب مثبتی به ما داده نشده است کما اینکه در بسیاری از پرونده های تروری که مربوط به شخصیت های نظام می شوند چنین مشکلی را در سطح بین الملل داریم و جواب مناسبی که در خور شان نظام باشد را نمی دهند. البته این بدان معنا نیست که مسئولین امنیتی ما تلاش و پیگیری نکرده باشند، ما شاهد زحمات این عزیزان هستیم و خودمان هم به عنوان خانواده شهید پیگیر پرونده پدرمان و همچنین ۱۷ هزار شهید ترور هستیم. در شهریور ماه کنگره ای ملی تشکیل شد که بتواند به عنوان نماد ویژه ای از این شهدا نام برده شود تا با محکوم کردن تروریست و صدور بیانیه، مظلومیت این شهدا در سطح بین الملل به صورت تفهیم رسانه ای به نمایش گذاشته شود. ما امیدوار هستیم که این اقدامات به نتایج مثبتی

جمع آوری روایت و سخنان فرماندهان اسلام دستور کار موسسه فرهنگی شهید صیاد شیرازی

زهره قائمی که در سال ۱۳۷۸ مسئولیت عملیات ترور شهید علی صیاد شیرازی را برعهده داشت یکی از منافقین به هلاکت رسیده در درگیری اخیر اردوگاه اشرف است. این زن خائن به ایران همراه با همکیشانانش عمری را در بدبختی و جهنم خیانت به کشورش گذراند و در میان همفکران و حامیان به انتخاب ها، تصمیم ها و زندگی رقت انگیزش، از جمله: شکنجه و تیر خلاص زدن به بسیجی ها افتخار می کرد و با وجود نوکری و مزدوری برای صدام و خنجر از پشت زدن به رزمندگان ایران در دوران دفاع مقدس، ادعا می کرد قهرمان مردم ایران است.



فرهنگی خوبی انجام شود و شاید کمتر فعالیتی صورت گرفته باشد، به خصوص در مورد فرماندهان و شهدای شاخصی که واقعا موثر برای نظام بوده اند. بنابراین تمام تلاشمان این است که بتوانیم کار فرهنگی مناسبی که در خور و شان نام پدرمان باشد و هم اینکه بتواند اثر گذاری مثبت در جامعه هنری و افکار عمومی ما داشته باشد انجام دهیم.

را دنبال می کند و باید به همین خاطر از مسئولین در عرصه امنیتی و بین المللی تشکر و قدردانی کرد. خود ما هم تا آنجایی که توانسته ایم در یک چهارچوب درست و منطقی سعی بر همکاری های لازم در داخل و هم در ارتباط با خارج از کشور را داشته ایم.

چه مشکلاتی در انجام فعالیت های موسسه فرهنگی صیاد بوده است؟

با کمبود امکانات و میزان وسیعی که داریم فعالیت ها به سمت خوبی پیش می رود، البته این به آن معنا نیست که نقصی در کار نباشد اما روند کار رو به رشد است و ما همچنان در زمینه های مختلف فعالیت می کنیم. و دست کمک می خواهیم از تمام مسئولین و حتی قشر مردمی، برای کمک در هر زمینه ای که می توانند، از جمله کمک فکری، اقتصادی، فرهنگی و هر کمکی که در توانشان هست و ما از آنها استقبال خواهیم کرد.

ارتباط شما با بنیاد شهید به چه صورت است؟

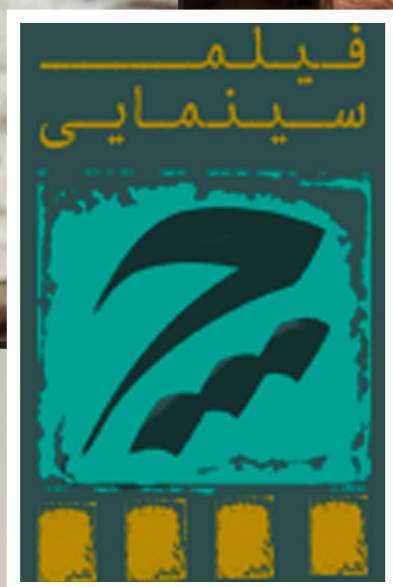
با بنیاد شهید ارتباط داریم حتی از بدو مجوز تشکیل این مجموعه و کماکان این ارتباط برقرار هست. از حمایت هایشان و نقطه نظرات و حتی کمک اقتصادی در مجموعه استفاده کرده ایم و طبیعتا با بنیاد شهید در ارتباط هستیم به دلیل اینکه بنیاد هم به لحاظ قانونی و هم به صورتی که در حیطه وظایف اش حمایت از موسسه ها و مجموعه هایی که اهداف مشخصی را دنبال می کنند وجود دارد. در پایان باید بگویم که با نام گذاری سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از جانب مقام معظم رهبری ان شاءالله شاهد آن باشیم و همچنان که شاهد حماسه سیاسی از جانب مردم و دیگر اقشار در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ بوده ایم شاهد حماسه اقتصادی نیز باشیم تا بسیاری از مشکلات اقتصادی در بخش های مختلف حل شود تا ما شاهد پیشرفت مسائل معنوی و مادی در کشورمان باشیم که ان شاءالله تمام برنامه هایی که نظام ما ترسیم کرده و برای آن برنامه ریزی شده به سرانجام برسد. به خصوص هدفهایی که در چشم انداز بیست ساله نظام ترسیم شده به سرعت کشور ما موفقیت های زیادی را به دست آورد. و همچنین تشکر می کنم از شما و ماهنامه شما و همچنین مسئولینی که در این ماهنامه فعالیت می کنند، ان شاءالله که موفق باشید.

در مورد فعالیت های موسسه فرهنگی شهید صیاد شیرازی توضیح بدهید؟

موسسه فرهنگی ما مدت زمان کوتاهی است که تشکیل شده، اما قبل از آن یک گروه پژوهشی فعالیت هایی را درباره پدر انجام دادند و اسناد و مدارک قابل توجهی را گردآوری کرده اند و به جمع آوری مصاحبه هایی با هم رزمان شهید پرداخته اند و در این زمینه توانسته ایم مجموعه های فرهنگی و حتی هنری از جمله عکس و فیلم تهیه کنیم. در موسسه فرهنگی هم بر اساس آن کار پژوهشی سعی کردیم که چارت سازمانی و طرح موسسه ای را به صورت مکتوب تدوین کنیم که کماکان در بخش های آن از صاحب نظران مشورت می گیریم، مخصوصا اشخاصی که در ارتش یا پدر بنده در ارتباط بوده اند و تلاشمان بر این است که کار جدیدی را دنبال کنیم و از کار کلیشه ای به دور باشیم. به همین خاطر موسسه فرهنگی هنری صیاد شیرازی طرحی را دنبال می کند که بیشتر درباره این است که ما بتوانیم احادیث و روایت های یک سری از فرماندهان دوران ائمه اطهار را جمع کرده و تدوین کنیم و همچنین استفاده از سخنان صاحب نظران مذهبی تا زمان حضرت مهدی در چهارچوب کار قرار خواهد گرفت.

در مورد شهدای ترور هم فعالیت فرهنگی انجام می شود؟

در مورد خود پدر و شهدایی که به نوعی در این زمینه لازم هست که کار



«چ» هجدهمین اثر ابراهیم



چمرانی است مسلمان، ایرانی، مدافع اسلام و از عاشقان امام خمینی (ره)، چمرانی که مرد اضداد است، مردی چندبعدی، مرد چهارفصل، عارف عملگرا، انقلابی درونگرا، چریک رؤف و روشنفکر مردمی، چمرانی که ژنرال نیست، مقامش جز با شهادت نشان نمی گیرد، شهیدی که صاحب سلوک است و این شهیدان می میرند قبل از آنکه می رانده شوند، چمرانی که متعلق به همه نسل ها و سلیقه هاست و همه فارغ از سن و جنس و مقام می توانند از اتوبانش بگذرند، چمرانی که یک گزاره است، یک نشانه و یک آدرس.

عرب نیا؛ چمران حاتمی کیا

عرب نیا که روزگاری سوپر استار سینما بود و بیشتر نقشهایی با مضمون قهرمان سالاری را ایفا می کرد، این بار نیز نقش یک قهرمان دیگر را بازی میکند. او در فیلم «چ»، نقش مصطفی چمران را بر عهده دارد. عرب نیا علاوه بر بازی در نقش چمران، برای این پروژه حاشیه هایی را نیز رقم زد. اتفاقات و اختلافاتی که در جریان تولید فیلم افتاد، عرب نیا را مجبور کرد تا در سکانس پایانی فیلم حاضر نشود. با غیبت عرب نیا در سکانس پایانی فیلم چ چمران گفته می شود یکی از عوامل فیلم که مسئول بالا و پایین بردن دوربین فیلمبرداری است جای عرب نیا در سکانس پایانی بازی می کند و بدل بازیگر فیلم چمران شده است. پس از حاشیه هایی که در حین تولید فیلم اتفاق افتاد، این فیلم در حال حاضر در مرحله ساخت موسیقی توسط فردین خلعتبری است و در کل همه از خوب از کار درآمدن فیلم صحبت میکنند، نکته جالب این فیلم در مورد زمان پایان یافتن ساخت فیلم «چ» این است که این فیلم قرار بود در جشنواره سی یکم فیلم فجر به نمایش درآید که میتوان فهمید که شاید این امر تنها تبلیغی برای دیده شدن فیلم بوده است.

بازیگران فیلم «چ» چمران

فیلم چ بازی فریبرز عرب نیا، سعید راد، بابک حمیدیان، مریلا زارعی، مهدی سلطانی، اسماعیل سلطانیان، مژگان خالقی، رضا نوری، امیر رضا دلاوری، خسرو شهواز پیام لاریان ساخته شد.

ابراهیم حاتمی کیا از کارگردانهای بزرگ سینمای ایران که در کارنامه خود ساخت فیلمهایی با مضمون دفاع مقدس را دارد و تقریباً ادای دین خود را به سینمای دفاع مقدس انجام داده است. با این حال وی ساخت فیلم «چ» در مورد زندگی شهید چمران را یکی از دغدغه های خود می دانست و در آخر هم به این مهم دست پیدا کرد.

اگر چه ساخت فیلم چمران با مشکلات خاصی که بیشتر آن به فراهم کردن امکانات برای ساخت فیلم برمی گشت، ولی در آخر و با صبر و مقاومت حاتمی کیا این فیلم به سرانجام رسید. فیلم «چ» هجدهمین فیلم سینمایی پر حاشیه حاتمی کیا است، حاشیه را نباید همیشه منفی تعبیر کرد، بلکه حاشیه دار بودن در مورد برخی از فیلم ها به پربیننده بودن، انتقادات و ارزیابی های منتقدان و یا دریافت جایزه باز میگردد.

داستان فیلم «چ» بخشی از زندگی شهید چمران را روایت میکند و دو روز و دو شب از زندگی شهید را به تصویر می کشد، حاتمی کیا در این فیلم از روز بیست و پنجم تاروژ بیست و هفتم مرداد در سال ۱۳۵۸ را روایت می کند. ابراهیم حاتمی کیا در سایت فیلم چ درباره فیلم شهید چمران اینگونه می نویسد: چمرانی که ما دوست داریم،

گفتگو

شروع کار از کجا بود؟

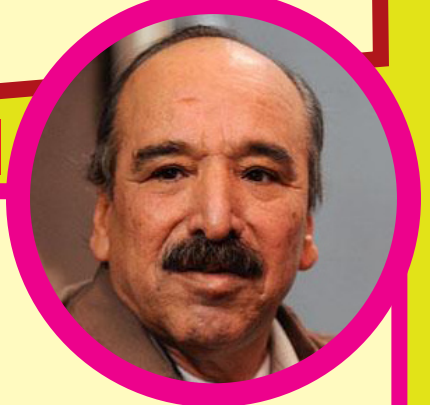
شروع فیلم برداری در محل پناه بود که با گروه در آنجا مستقر شدیم و کار کلید خورد، یک سکانس هم بنده در تهران بازی کردم، در مورد نقشی که بازی کردم باید بگویم که نقش کوتاهی بود و سعی شده که از نظر گریم و لهجه متفاوت باشم.

نقش شما در این فیلم چیست؟

بنده در نقش یک شخصیت کرد هستم به نام نظیف که به عنوان راهنمای دکتر چمران ایفای نقش می کنم. در واقع این فیلم ۴۸ ساعت از زندگی دکتر مرتضی چمران را نشان می دهد که ایشان در این مدت در محاصره قرار می گیرد و نظیف به عنوان راهنما و بلد راه به ایشان کمک می کند. نظیف به عنوان یک شخصیت ساده و روستایی هست که وظیفه خود می داند به دکتر چمران در این شرایط کمک کند، هرچند که هیچ شناختی نسبت به چمران ندارد. قسمتی از دیالوگ بنده موقع آشنایی با چمران این است: وارد اتاق می شوم و می گویم دکتر چمران کیه؟ او دم که بیرمش فرمانداری...

کار با حاتمی کیا چه طور است؟

روش حاتمی کیا به این صورت است که ابتدا نصف روز نقش ها تمرین می شوند، زوایای دوربین مشخص می شوند سپس با آمادگی قبلی، بازیگر شروع به ایفای نقش می کند. فیلم نامه در دل کار تمرین می شود و با آن متنی که قبلاً خوانده شده کمی متفاوت می شود، به دلیل اینکه ممکن است در طول فیلم برداری فیلم نامه کمی تغییر کند و به صورت ثابتی نباشد، یعنی به این شکل که بارها امکان تجدید نظر و امکان بازنویسی در فیلم نامه وجود دارد تا اینکه کار آن طوری پیش رود که کارگردان می خواهد.



دکتر چمران کیه؟...

خبرنگار ماهنامه شهدای اسلام گفتگویی را با اسماعیل سلطانیان یکی از بازیگران فیلم چ انجام داده است. هر چند این گفتگو کوتاه است ولی باید این نکته را گفت که عوامل فیلم فعلاً قصد گفتگو ندارند.

چه طور شد که به بازی در این فیلم دعوت شدید؟

حاتمی کیا از دوستان قدیم هستند، بنده افتخار بازی گردانی در فیلم های دیده بان، وصل نیکان و مهاجر ایشان را داشته ام و شاید همین آشنایی دیرینه باعث شد که ایشان به بنده پیشنهاد همکاری بدهند و من هم بدون هیچ مکشی دعوت ایشان را پذیرفتم.

دفاع مقدس

به سبک رسانه ملی



یکی دیگر از فیلم های به یاد ماندنی و تاثیر گذار در حوزه جنگ، فیلم سفر به جزایه



ملاقلی پور ساخت این فیلم - مجموعه را از سال ۷۳ آغاز کرد و در نهایت در سال ۷۶ آن را به تلویزیون و سینما سپرد. «سفر به جزایه» عنوان مجموعه ای بود که بر اساس دو فیلم «سفر به جزایه» و «نجات یافتگان» ساخته شد. سریال داستان گروهی گردشگر بود که به مناطق جنگی می روند و هر یک از آنها از زمان جنگ داستانی در ذهن دارند. در واقع «سفر به جزایه» سعی داشت با بررسی موضوعات جنگ و رویدادهای آن روزگار، برخوردهای انسان هایی را که ناخواسته دچار جنگ شده اند را تحلیل کند؛ یک تحلیل جامعه شناسانه و روان کاوانه که با آدم های قوام یافته و شخصیت های مستحکم کاملاً درخشید و همین نکته سنجی، این فیلم را به اثری ماندگار در حوزه دفاع مقدس تبدیل کرد.



ورود طنز به آثار دفاع مقدس

شاید وقتی اسم طنز در آثار تلویزیونی جنگ شنیده می شود همه به یاد اخراجی ها بیفتند اما ورود به طنز تنها در این فیلم سینمایی دیده نمی شود، سالها قبل با ساخت سریالهایی همچون لیلی با من است و بهترین تابستان من، استارت به تصویر کشاندن نمای دیگری از جنگ هم زده شد. دو اثری متفاوت که تا به امروز هم مخاطبان بسیاری به یادش می افتند.

در همان سالهای ابتدایی جنگ بود که برخی از هنرمندان، خبرنگاران و فیلمسازان قلم و دوربین به دست راهی جبهه های جنوب شدند و از لحظات و عملیات های رزمندگان خبر و فیلم تهیه کردند. مستنداتی که برخی از آنها تا به امروز باقی مانده اند و تعدادی از آنها هم همچنان پراکنده و رو به از بین رفتن هستند. اگر شروع جنگ و روزهای آغازین برنامه سازی را در خاکریزهای جنوب و شهرهای جنوب جست و جو کنیم، سهم رادیو و تلویزیون را در برنامه سازی های خبری و مستند سازی ها می بینیم. مستندهایی که بی شک خلافتان و هدفمندترین آن ها مجموعه «روایت فتح» بود؛ مجموعه ای که با متن هایی شاعرانه خشونت جنگ را به عرفان و کشف و شهود پیوند می زد و با عرفان و عشق حال و هوای خط مقدم را منعکس می کرد. با این حال در همان آغاز سال های ۶۰ گروهی با نام «جنگ» در شبکه یک سیما با جمع آوری، تنظیم و تدوین آثار تصویری اقدام مستند هایی را در این حوزه به تصویر کشیدند.

این گروه که پس از جنگ و از سال ۱۳۷۹ تاکنون با نام گروه «حماسه و دفاع مقدس» به فعالیت هایش ادامه داده است و در قالب برنامه های گزارشی، مستند - نمایشی و نماهنگ سعی کرد برنامه سازی جنگ را در دهه ۶۰ به عهده بگیرد. در کنار این گروه در سال ۶۵ نیز با فرمان امام (ره) گروه شاهد به عنوان یکی از گروه های برنامه ساز در معاونت سیما تأسیس شد؛ گروهی که با تهیه و ساخت فیلم سینمایی، سریال، فیلم داستانی کوتاه، نیمه بلند و ده ها مجموعه مستند در کنار گروه جنگ آنتن شبکه های یک و دو را از مضمون جنگ و به تصویر درآوردن رشادتهای رزمندگان خالی نگذاشت. ابراهیم حاتمی کیا و زنده یاد رسول ملاقلی پور دو جوان پر شور در حوزه فیلم سازی، جزء اولین نفراتی بودند که با حضور در جبهه، آثار تلویزیونی خوبی را راهی تلویزیون های سیاه و سفید آن دوران کردند.

مانور فیلم سازان در ضعیف نشان دادن دشمن

پس از پایان جنگ و فروکش کردن تب و تاب حاصل از آن، همان طور که انتظار می رفت رویکرد برنامه سازان تغییر کرد. برنامه های جنگی برخلاف گذشته که حالتی تبلیغی و توده ای داشت به شکلی مفهومی و محتوایی تبدیل شد. مستند «روایت فتح» یکی از همین آثار بود که اگر چه در ادامه منطقی خود بار نوستالژیک فضای جبهه را حفظ می کرد اما با پرداختن به موضوعاتی چون یافتن پیکرهای شهدا در جبهه به مقوله ای روی آورد که می توان از آن به آثار و تبعات بعد از جنگ و مشکلات بعد از جنگ تعبیر کرد.

یکی از رویه های نادرستی که در سالهای پس از جنگ شدت گرفت، هدف قراردادن برخی از واقعیت ها و حقایق جنگ بود، در این سبک حقایق و واقعیت های جنگ و ارزش های حاکم بر آن با سبک خوار شمردن دشمن و منفعل و کودن نشان دادن آنها در آمیخته می شود که این دور از حقایق جنگ هشت ساله ما بود، چرا که دشمن ما قوی بود و مسلح و جوانان ما با اتکا به عرق ملی و دینی شان با آنها مقابله می کردند.

با این حال در همان سالهای پس از جنگ هم سریال های به یاد ماندنی از جمله «گل پامچال»، «لیلی با من است»، «سفر به جزایه» و «خاک سرخ» پخش شد و مخاطبان بسیاری هم جذب کرد.



اولین سریالی که به شکل مستقل دوباره جنگ روی آنتن شبکه یک رفت، سریال «گل پامچال» بود. این اثر در سال ۱۳۷۰ توسط محمدعلی طالبی ساخته شد و در همان سال هم به عنوان محبوب ترین سریال سال شناخته شد. این سریال آوازی دختری جنوبی به نام لیلا را در اولین روز جنگ به تصویر می کشد.

دیدن نام ابراهیم حاتمی کیا بر سر هر سریالی مخاطب را کنجکاو می کند. این را خود حاتمی کیا هم می دانست و بیشتر از همه خود او مشتاق بود که در تلویزیون اثری جنگی را به نمایش بگذارد. این سریال یعنی سریال خاک سرخ که در ابتدا «لیلا و جنگ» نام داشت، داستانش درباره یک زندانی سیاسی به نام ایرج بود که با پیروزی انقلاب آزاد می شود.



او هنگام دستگیر شدنش دخترش لیلا را گم می کند و همواره در ذهنش به دنبال او بوده است. از سوی دیگر هم زمان با شروع جنگ و عروسی لیلا در تهران، او متوجه می شود که پدر و مادر واقعی اش در خرمشهر زندگی می کنند و به دنبال آن ها می رود، اما این جست و جو هم زمان با ویرانی خرمشهر و مهاجرت خانواده لیلا از خرمشهر است. این سریال به قلم مسعود بهبهانی نیا و تهیه کنندگی ایرج محمدی در سال ۷۹ ساخته شد و در دهه ۸۰ روی آنتن شبکه یک رفت. داستانی جذاب به همراه بازی بازیگران سینما از جمله پرویز پرستویی، لاله اسکندری، مهتاب کرامتی، بهناز جعفری و... و کارگردانی حاتمی کیا و نگاه خاص او به جنگ نام این سریال را در زمره سریال های مهم و با اعتبار جنگی قرار داده است.



در این یکی دو سال گذشته هر چند که از تعداد آثار تلویزیونی فاخر در این حوزه کم شده است اما هنوز مجموعه های خوبی را می توان در میان سریال ها و آثار ناشیانه ای که به دفاع مقدس می پردازد، پیدا کرد. از جمله این معدود آثار می توان به سریال شوق پرواز که به داستان زندگی خلبان شهید عباس بابایی و همچنین مستند روزهای آخر زمستان که زندگی شهید حسن باقری را به تصویر می کشد، اشاره کرد.

بازگشت اسرای ایرانی سوژه مناسب و درخور توجهی برای برنامه سازان بود. علیرغم ساخت فیلم های کوتاه و مستنداتی درباره آزادگان و رنج هایی که آنان در اسارت دیده اند سریال هایی هم قصه خود را به این موضوع اختصاص دادند که در این میان «بازگشت پرستوها» به شکل مستقیم محوریت آزادگان را دربرداشت. ابوالقاسم طالبی این سریال را در سال ۷۶ برای شبکه دو سیما ساخت که در سال ۷۸ روی آنتن رفت.



گفته می شد طالبی فیلمنامه این سریال را مبتنی بر خاطرات و مصاحبه های آزادگان نوشته بود. کتایون ریاحی، داوود رشیدی، رسول توکلی و سیاوش طهمورث از جمله بازیگران این سریال بودند.

همچنین سریال سیمرغ یکی از زیبا ترین و به یاد ماندنی ترین سریال هایی است که تا کنون در حوزه دفاع مقدس ساخته شده است. طرح به تصویر درآوردن زندگی دو خلبان شهید، شیرودی و کشوری از مدت ها قبل در گروه شاهد کلید خورده بود، اما از سال ۷۵ تا ۷۹ که این سریال روی آنتن رفت، مشکلات فراوانی برای ساخت این سریال با کارگردانی حسین قاسمی جامی به وجود آمد. با این حال این سریال توانست با انتخاب بازیگران مناسب - محمد جوزانی در نقش شهید شیرودی، و سیدجواد هاشمی در نقش شهید کشوری و علی محمد طالبی در نقش شهید چمران - سیمای واقعی و زندگی رشادت آمیز این دو خلبان را ثبت کند. «سیمرغ» در زمان پخش، به دلیل موسیقی مناسب، فیلم نامه منسجم و قصه ای روان و واقع گرایانه با استقبال مواجه شد؛ سریالی که می توانست آغازگر راهی برای به تصویر درآمدن چهره واقعی و ملموس سرداران جنگ باشد، اما این اتفاق نه در گروه شاهد و نه در شبکه های دیگر رخ نداد.

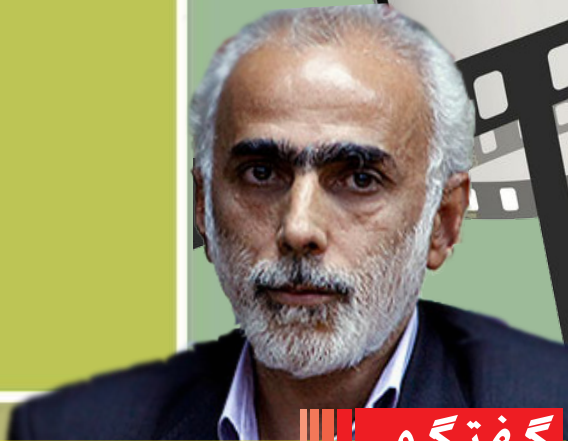


«خوش رکاب ۲» ساخته علی شاه حاتمی سریالی طنزگونه بود که به دلیل پخش مناسبتش در نوروز ۸۲ توانست نظر بسیاری را به خود جلب کند. این سریال که به مدد بازی های طنزآمیز محمد کاسبی، مجید صالحی و اصغر نقی زاده توانست مرز بین جدی و شوخی را در فضایی جنگ روایت کند، داستان راننده کامیونی به نام «آقای» بود که با علاقه ای که به کامیونش به نام خوش رکاب داشت با مأموریتی که برای ارسال کمک به رزمندگان در جنگ داشت درگیر می شود. در واقع «خوش رکاب» نمادی از تعلقات دنیوی تقی بود که بعدها به مدد حضور در جنگ به عشقی ملی تبدیل می شود.



این مجموعه پنجاه قسمتی که ساخت آن در گروه حماسه و دفاع شبکه یک سیما پنج سال طول کشید، یکی از افتخارات این شبکه در حوزه دفاع مقدس بود. مجموعه ای به کارگردانی و نویسندگی مسعود جعفری جوزانی که وقایع سیاسی اجتماعی سه دوره از تاریخ را در سال های ۱۳۰۰، ۱۳۲۰ و ۱۳۶۰ بررسی کرد. ادامه دار بودن انقلاب و جنگ و مقاومت در ایران از دوره میرزا کوچک خان جنگلی و مبارزه با متفقین تا جنگ هشت ساله پیام اصلی این سریال بود.

با این حال بخش سوم این سریال که مربوط به فتح خرمشهر بود و صحنه های جنگی بی نظیری را در سریال ثبت کرده حائز اهمیت است. ضمن اینکه آوردن تصاویر مستند از عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر هم ویژگی دیگری به این مجموعه عظیم تاریخی و سیاسی بخشید. «در چشم باد» قصه خانواده ایرانی را از دوره قیام میرزا کوچک جنگلی تا فتح خرمشهر با حضور جمع زیادی از بازیگران از جمله سعید نیکپور، پارسا پیروفر، اکبر عبدی، کامبیز دیرباز، لاله اسکندری و... به تصویر کشید.



گفتگو

خواهد داشت و همچنین مستندات فرماندهان جنگ و مشخصات شهدا را برای تولید خواهیم داشت.

از کارشناسان خارجی هم استفاده می کنیم

حبیب والی نژاد در پاسخ به این سوال که آیا برای ساخت فیلم های دفاع مقدس از کارشناسانی که در این زمینه فعالیت دارند هم استفاده می کنید، گفت: بله، ما برای ساخت فیلم های دفاع مقدس زحمت زیادی می کشیم، و تمام سعی مان این است که بتوانیم قبل، بعد و در حین کار از کارشناسان داخلی و خارجی بهره مند شویم و معمولاً از نویسندگان، تهیه کنندگان به نسبت موضوع و سیاست های سازمان برای کار کارشناسی استفاده می کنیم، در همین رابطه نشست هایی با کارشناسان خارجی در بحث عملیات ها و نوع فرماندهی عملیات ها انجام می دهیم.

وی افزود: معمولاً در نشست هایی که ترتیب می دهیم در مورد ساخت فیلم ها بحث و تبادل نظر می کنیم و معمولاً کارگردان هایی که شروع به ساخت فیلم می کنند ابتدا در مورد شهید تحقیقات کاملی را انجام می دهند از جمله: مصاحبه با خانواده های شهدا، همزمان آنها، نوع عملیات ها، فرماندهی ها و خیلی موارد دیگر.

والی نژاد اظهار داشت: برای مثال برای ساخت فیلم شهید باقری، مهدویان یک سال و نیم در مورد زندگی شهید تحقیق کرد و در واقع زمانی که می گوئیم ساخت فیلم ۲ سال طول کشیده به معنای آن است که بیشتر وقت این زمان برای تحقیق صرف شده است. وی در رابطه با هدف اصلی گروه حماسه دفاع شبکه یک که تهیه مستندات و مستند سازی است، توضیح داد: مستند سازی و تهیه مستندات مشکلات خاص خودش را بر می دارد، و سختی و تلاش در ساخت این مجموعه ها به خاطر این است که فیلمی که ساخته می شود به گفت و گو و خاطره ختم نشود و همچنین از نظر محتوایی کیفیت بالایی داشته باشد، تا بازده آن جذب مخاطب کند.

گروه حماسه و دفاع مقدس شبکه یک سیما، گروهی است که با طرح ابعاد گوناگون موضوعات دفاع مقدس، نهضت های اسلامی در قالبهای مختلف و در جهت حفظ تعمیق فرهنگ و ارزشهای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برنامه تولید می کند. این گروه تا به امروز مستندات، برنامه ها و فیلم های تلویزیونی بسیاری از زندگی شهیدان شاخص، عملیات ها، خانواده شهدا و جانبازان را ساخته است.

حبیب والی نژاد مدیر گروه حماسه دفاع شبکه یک در همین زمینه در گفتگو با ماهنامه شهدای اسلام درباره تولیدات این گروه که به تازگی پخش خواهند شد گفت: مستند «تدارکات سنگر» به تهیه کنندگی و کارگردانی محسن قیصری پخش خواهد شد، که در این مستند از فیلم های آرشیوی جنگ که تا به حال دیده نشده استفاده شده است و در مورد شیوه های رفع نیاز آذوقه جبهه و رزمندگان صحبت هایی شده است و در همین زمینه کنگره شهدای پشتیبانی و تدارکات تشکیل شده است.

وی افزود: به دلیل استقبال مخاطبین پخش مجدد زندگی شهید حسن باقری را در هفته دفاع مقدس خواهیم داشت. همچنین یکی دیگر از برنامه هایی که به زودی پخش خواهد شد فتو رمان «نورالدین پسر ایران» است که تولید این انیمیشن با تجربه بیشتری نسبت به ساخت فتو رمان «دا» صورت گرفته است.

والی نژاد گفت: پژمردگان امت با محوریت کردهای مبارز و حوادث تروریستی در حال تولید است، علاوه بر این مستند از انوشیه تا خرمشهر به تهیه کنندگی نورانی پور در ۱۵ قسمت ۲۰ دقیقه ای آماده پخش است.

مدیر گروه حماسه دفاع شبکه یک در مورد پخش مجله حماسه گفت: سری جدید این مجله با ۸ خاطره گویی ادامه

• به دنبال جمع آوری فیلمهای مردمی از جبهه هستیم • سوژه ناب می خواهیم • استفاده از کارشناسان خارجی برای فیلم های حماسه



جمع آوری مستندات خارج از سازمان دشوار است

وی خاطر نشان کرد: برای جمع آوری مستندات زمان زیادی را صرف می کنیم، که این کار بسیار مشکل است، زیرا اطلاعاتی که به دست می آوریم به سختی بدست می آیند، خیلی از مستنداتی که به صورت فیلم وجود دارند خارج از صدا و سیما می باشند و برای تهیه این مستندات وقت و هزینه زیادی صرف می شود، حتی بسیاری از این فیلم ها، عکس ها، وصیت نامه ها در حال از بین رفتن هستند و احتیاج به بازسازی دارند. مدیر گروه حماسه شبکه یک تصریح کرد: از جمله فیلم هایی که با مستندات جمع آوری و پخش شده اند فیلم های فرمانده هان، تام کت سرگذشت خلبان های اف ۱۴، جانبازان شیمیایی، مجموعه مجله حماسه و خیلی موارد دیگر بوده است. والی نژاد در پاسخ به این سوال که کدام یک از فیلم های پخش شده، بیشتر مورد پسندشان واقع شده است گفت: در واقع ما حکم پدر را داریم و نمی توانم بگویم کدام یک را بیشتر می پسندم، این را باید از مخاطبان پرسید.

آرشیو فیلم های دفاع مقدس، همت جمعی می خواهد

مدیر گروه حماسه و دفاع شبکه یک در مورد جمع آوری آرشیو فیلم های دفاع مقدس می گوید: آرشیو گردآوری فیلم های به جا مانده از دوران دفاع مقدس روحیه جمعی همه ارگان ها و سازمان ها و حتی مردم را می طلبد، گروه حماسه و دفاع شبکه اول در حال حاضر در حد توانایی خود و با حمایت و پشتیبانی سازمان و آرشیو مرکزی، جمع آوری این فیلم ها را انجام می دهد.

وی ادامه داد: تا آنجا که بتوانیم فیلم ها و مستندات را به صورت سوپر هشت و شانزده میلیمتری و دیجیتال تبدیل خواهیم کرد. در رابطه با اطلاع رسانی و جمع آوری فیلم های خارج از سازمان نیز هنوز آن طور که باید اطلاع رسانی عمومی انجام نشده است، اما قصد داریم تا از کسانی که فیلم، مستند، عکس، صوت، مصاحبه و هر مدرکی که منابع آرشیوی دفاع مقدس را تکمیل می کند بخواهیم این اطلاعات را در اختیار ما قرار دهند تا از فرمت های قدیمی به فرمت جدید تبدیلشان کنیم و هر چه زودتر از، از بین رفتنشان جلوگیری کنیم.

به دنبال سوژه های ناب هستیم

والی نژاد در پاسخ به این سوال که ملاک شما برای انتخاب سوژه ها چیست، گفت: عموماً سعی می کنیم بعد از این همه سال خدمت در حوزه دفاع مقدس سراغ موضوعاتی برویم که کار نشده باشند و روی آنها کار تحقیقی و پژوهشی انجام شده باشد، منابع جمع آوری شده موسس باشد و موضوعی که می خواهیم کار کنیم موضوع کلیشه ای نباشد، و معمولاً کار بر روی موضوعات این چنینی بسیار سخت خواهد بود و وقت زیادی خواهد برد که البته کیفیت بالایی هم پیدا خواهد کرد.

وی در خصوص وظیفه گروه حماسه و دفاع مقدس رسانه ملی هم گفت: معمولاً در گروه های سازمانی کار به دست تهیه کننده است و ما بر روی طرح فعال و تولید طرحی که در دست هست به شکل موضوعی پیش می رویم و جلسات متعددی را برگزار می کنیم که کار به صورت مطلوب تولید شود. والی نژاد با اشاره به پخش مستند های شهدا اظهار داشت: مستند شهید باقری به عنوان یک اثر متفاوت پخش شد و قطعاً چنین مستنداتی تولید خواهد شد حتی با کیفیت بهتر، که البته لازم به ذکر است که این مستند ها عموماً شرایط خاصی را می طلبد، از جمله وقت، زمان، هزینه، حمایت ها، مستندات که البته از نظر من هزینه در درجه چندم قرار می گیرد.



تیربارچی کہ وزیر ارشاد شد



آقایان میناچی، دوزدوزانی، معادیخواه، محمد خاتمی، لاریجانی، میر سلیم، عطاالله مهاجرانی، احمد مسجد جامعی، حسین صفار هرنندی و بالاخره سید محمد حسینی ده وزیری هستند که پس از انقلاب اسلامی سکان هدایت وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر عهده دارند.

سید محمد حسینی یکی از ده مرد حوزه فرهنگ کشور که چهار سال وزیر این حوزه بود، با سایر وزاری فرهنگ کمی تفاوت دارد. او اهل جبهه و جنگ است، روزگاری را در جبهه کنار فرماندهان و همزمانش گذرانده است و به قول خود آنها دین بزرگی بر گردنش دارند.

وزیر پیشین فرهنگ با حضور در دفتر ماهنامه شهدای اسلام شرح داد و در مورد ناگفته هایش از هشت سال دفاع و چهار سال وزارت گفت.

چه مدت جبهه بودید؟

من در زمان جنگ تیربارچی بودم و از زمان عملیات ثامن الائمه و حصر آبادن در جبهه بودم، پس از آن هم در عملیات بیت المقدس و آزاد سازی خرمشهر حضور داشتم اما چون همزمان دانشجوی هم بودم هر از چند گاهی برای ادامه تحصیل باید به عقب بر می گشتم و با یک سری از همکلاسی هایم هر وقت که می توانستیم به منطقه می رفتیم. در عملیات والفجر، بدر و خیبر و کربلای ۵ و مرصاد در پایان جنگ حضور داشتم. پس از جنگ هم به عنوان مبلغ و کسی که کارهای تبلیغات دینی انجام می داد، خدمت می کردم.

شما دو سابقه دفاع در کارنامه زندگی خود دارید، دفاع در برابر دشمن و دفاع از فرهنگ و ارزشهای کشور، کدام یک سخت تر بود؟

دفاع در سالهای جنگ در اوج مظلومیت و غربت بود و شرایط کشور بسیار دشوار و حضور در جبهه، مصداق جهاد فی سبیل الله بود. با این حال طبق کلام امامان، حضور در جنگ جهاد اصغر است و جهاد فرهنگی جهاد اکبر و همیشه مداوم و پایدار است و پایانی ندارد.

در دوران وزارت، تا چه اندازه به حوزه دفاع مقدس توجه کردید؟

در این ۴ سال اخیر سعی کردم به سهم خودم توجهی به این حوزه داشته باشم و امیدوارم اقدامات انجام گرفته در این حوزه در آینده ادامه پیدا کند. از همان هفته اول مسئولیت خودم سعی کردم در بیشتر مراسم و یادواره های شهدا که در شهرستان های مختلف برگزار می شد، حضور پیدا کنم. علاوه بر این یکی از اولویت های کاری من این بود به آثار دفاع مقدس توجه شود.

شما تا چه حد در برابر تهاجم فرهنگی دفاع کردید؟

در مورد بحث تهاجم فرهنگی عده ای می گویند که توهم است و به واسطه همین نگرش ضرر هم دیدند چرا که این مسئله واقعیت دارد و مقابله با آن ضروری است. افرادی که این مسئله را توهم و امری غیر قابل قبول می دانستند، روزگاری سکان دار فرهنگ کشور بودند از جمله آقای مهاجرانی که در حال حاضر در غرب هستند. با این همه جنگ نرم بسیار دقیق و ظریف است. در این درگیری بسیاری از نیروها متوجه نیستند و نیروهای خودی همدیگر را می زنند و در برخی از موارد ما به هیچ وجه هم افزایی لازم را شاهد نیستیم. در جنگ آن زمان شناسایی دشمن راحت تر از جنگ نرم فعلی است و متناسب با همین مسئله وظیفه خطیر همه ما مقابله با چنین روشهایی است و ما هم اقداماتی را در وزارت فرهنگ انجام

دادیم. همواره با کسانی که مخالف حفظ ارزشهای اسلامی کشور هستند مخالف بودم، به خصوص با آقای مهاجرانی. یادم هست که در مجلس پنجم زمانی که نماینده بودم، در استیضاح ایشان با صراحت شرکت کردم و مخالفت با عقاید وی را هم مطرح کردم. به طوری که کار به جایی رسید که برخی از دوستان به من گفتند با این نطق ها دوره بعد نماینده نمی شوی و برخی ها هم از فضا سازی علیه من در حوزه انتخابیه ام هشدار دادند.

از دوران قبل از وزیر شدنتان بگویید؟

با تعدادی از وزاری سابق فرهنگ همکاری هایی را داشتم، تا قبل از اینکه آقای لاریجانی وزیر فرهنگ بشود به من میدان نمی دادند اما بعد از وزارت، روزی برای معرفی برخی از مسئولان نزد ایشان رفتم که همانجا گرفتار شدم و آقای لاریجانی مرا به سمت ریزن فرهنگی منصوب کردند. با آقای صفار هرنندی هم از قبل آشنا بودم و از هم همزمانم در جبهه بودند. با این حال دوره وزارت من در این چهار سال پویایی و تحرکی را به همراه داشت.

در دوران مسئولیت شما برخی از نهاد ها متوقف شد و حاشیه هایی را هم به همراه داشت، در این خصوص بگویید؟

یکی از مشکلات ما این بود که به دلیل کمبود بودجه نهاد توقیف می شد، با این همه در برخی از بنیاد ها با توجه به مشکلاتی که وجود داشت اقدامات خوبی انجام شد. در مورد خانه سینما هم که باید بگویم «ولش کنید».

شما پیش از این اعلام کرده بودید که ظرفیتهای فراوانی در حوزه فیلم دفاع مقدس داریم و می توانیم هزاران فیلم تاثیر گذار در این حوزه بسازیم، این وعده را تا چه حد عملیاتی کردید؟

بیان هزاران فیلم در حوزه دفاع مقدس واقعا یک شیطنت رسانه ای بود و من گفته بودم ده ها فیلم. با این حال ما توان و انگیزه و همچنین امکانات ساخت فیلم های خوب در این حوزه را داشتیم و در این مدت هم آثار سینمایی خوبی ساخته شد که به عنوان مثال، شور شیرین یکی از آنها بود.

در مورد فیلم های توقیفی در حوزه دفاع مقدس بگویید؟

فیلم نامه ها و آثاری به دست ما می رسید که توسط یک شورا ارزیابی می شد و در گاهی اوقات داشتیم فیلم نامه هایی که در این حوزه مطرح شدند اما چون کیفیت و محتوای مناسبی نداشتند، رد شدند. سعی کردیم اگر فیلمی جنبه روشنگری داشت و از محتوای خوبی برخوردار بود دفاع کنیم و به آن مجوز بدهیم که فیلم قلاده های طلا یکی از این نمونه هاست و اگر حمایت ما نبود پس از ساخت اصلا اکران نمی شد. در گذشته داشتیم فیلم هایی که به اسم دفاع مقدس و جنگ بود اما علیه جنگ کار می کرد و سعی می کرد جنگ را به عنوان عامل بدبختی نشان دهد با این حال باید بگویم که در این ۴ سال مورد این چنین به هیچ وجه نداشتیم و تنها آثاری بودند که اگر یک عبارت یا سکانسشان تغییر می کرد، مورد انتقاد هم قرار نمی گرفتند.

سوژه های دفاع مقدسی بود که خود شما پیشنهاد بدهید اما ساخته نشود؟

بله، به عنوان مثال در سفری که به مکه داشتم با محل شهادت شهدای فاخر آشنا شدم، پس از بررسی و آشنایی بیشتر با این شهدا نحوه شهادت و زندگی این شهدای صدر اسلام را برای ساخت فیلم پیشنهاد دادم که عملی نشد. علاوه بر این

تاسیس شد ما از معاونت حقوقی رییس جمهور استعلام گرفتیم اما تا آخرین روزهای کاری خبری نشد و جوابی به ما ندادند به همین خاطر در ماههای پایانی عمر دولت دهم جلسه نداشتیم.

اگر دوباره به سمت خودتان باز گردید چه فعالیت های ناتمامی در حوزه دفاع مقدس را کامل می کنید؟

یکی از فعالیت هایی که می تواند تفکر سازی کند، الگوسازی از سرداران و شهدای شاخص است. علاوه بر این بحث سبک زندگی شهدا فعالیت بسیار ارزشمندی است که نیاز به توجه دارد، از سویی بحث ایثار شهادت موضوعی فرامرزی است و ما حتی می توانیم شهدای شاخص کشورهای دیگر را هم معرفی کنیم. همچنین شهدای صدر اسلام هم نیاز به معرفی ویژه در قالب آثار هنری دارند.

نظرتان را در مورد اسامی زیر اعلام کنید:

محمود احمدی نژاد: رئیس جمهوری کوشا و فعال بودند که توانستند حلقه بسته مدیریتی را از بین ببرند و نیروهای جوان تر را وارد کشور کنند با این حال نقدهایی هم به عملکرد ایشان وارد است.

مسعود ده نمکی: فرد موفق در عرصه فیلم سازی است و توانسته رکورد جذب مخاطب را در کارنامه خود ثبت کند و ای کاش امثال ایشان هم بتوانند مخاطب بیشتری را در

سینما جذب کنند.

فیلم دموکراسی تو روز روشن: این فیلمی بخشی داشت در مورد شهدا که اگر حذف می شد خیلی بهتر بود و انتقادات کمتری را هم به همراه داشت. این بخش در واقع غفلت سازندگان در مورد فرهنگ شهادت را نشان می داد.

کتاب دا: کتاب ارزشمندی است که تبلیغات زیادی هم برایش صورت گرفت و امید است به اندازه چاپهایی که داشت مخاطب هم داشته باشد.

شاه آبادی: در کار خود موفق بود و توانست وظیفه خود را انجام دهد.

پرویز پرستویی: ایشان بازیگر موفقی هستند و یک فیلم هم ساخته بودند که مجوز اکران نگرفت و به همین دلیل همیشه از ما گله می کردند.

کمیسیون فرهنگی مجلس: متأسفانه چون فرهنگ در کشور ما جایگاه واقعی ندارد کمیسیون فرهنگی هم بحث هایی را به همراه دارد با این حال اعضای خوبی در این کمیسیون هستند.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، اگر نکته ای هست بفرمایید.

برای شما و تمام کسانی که در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و زنده نگاه داشتن نام آنها قدمی برمی دارند آرزوی توفیق دارم.

برخی از سوژه ها هم به علت مشکلات مالی تبدیل به فیلم نشد که از جمله آنها می توانم به درخواست کارگردان فیلم شور شیرین برای ساخت فیلمی از زندگی شهید شوشتری و همچنین درخواست آقای شورجه برای ساخت فیلم شهید احمد قمی اشاره کنم.

از فیلم های سینمایی که طی سالهای اخیر در این حوزه ساخته شد دفاع می کنید؟ به نظر شما کدام دلنشین بود؟

همانطور که گفتم ساخت این فیلم ها در اولویت بود برای مثال فیلم چمران در زمانی ساخته شد که ما از نظر بودجه مشکلاتی داشتیم اما خود بنده تأیید کردم که هزینه این فیلم از جایی به جز سازمان سینمایی تأمین شود تا ساخته شود. علاوه بر این فیلم های خوبی از جمله شور شیرین و نفوذی را در این سالها داشتیم که زیبا و پرمحتوا بودند.

نظر شما در مورد خبرگزاری دفاع مقدس چیست؟

حدود ۲۵ خبرگزاری در این چند وقت اخیر مجوز دریافت کردند که اجازه به کار آنها قطعی نیست و مشروط است و باید امکانات و حدود لازم را برای ادامه کار داشته باشند.

یکی از خاطرات شما در مجلس به روزی بر می گردد که از نمایندگان کارت زرد گرفتید و نتوانستید از آثار سینمایی ساخته شده دفاع کنید، در خصوص آن روز توضیح می فرمایید؟

گاهی عملکرد برخی از افراد را به حساب ما می گذاشتند برای مثال تذکرات متعددی از میکروفن مجلس در مورد انتقاد از عملکرد صدا و سیما خطاب به وزیر فرهنگ خوانده می شد که من در همین زمینه نامه ای را به آقای لاریجانی ارسال کردم مبنی بر اینکه هیئت رئیسه ارزیابی را در مورد نطق ها و تذکرات داشته باشد تا نکته ای که در مورد یک وزیر نیست، خطاب به او خوانده نشود. در دوره ای که دعوای سیاسی زیاد است گرفتن کارت زرد، مسئله مهمی نیست چرا که من استیضاح خودم را بعید نمی دانستم.

از عملکرد دولت دهم در این زمینه راضی بودید؟

یادم هست در دوران دوم خرداد زمانی که قرار بود چند تن از شهدای گمنام در مسجد بلال دفن شوند، اما برخی از وابستگان به دولت با اعتراض به این کار اعلام کردند که این تدفین ممکن است به محیط زیست آسیب برساند، به نظر من همه اینها بهانه ای بود تا فرهنگ شهادت و ایثار کمرنگ شود. ما هم می توانستیم بی تفاوت باشیم اما سعی کردیم با ترویج این فرهنگ ادای دین کوچکی داشته باشیم.

دیر خانه ایثار و شهادت که در وزارتخانه شما دایر شد به کجا رسید؟

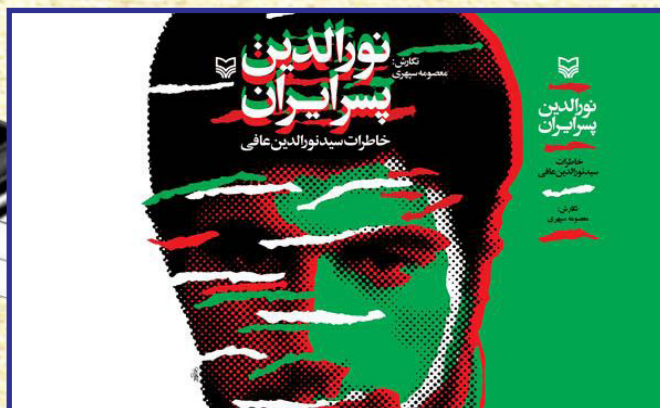
ماهانه یکبار جلسه شواری ترویج فرهنگ ایثار و شهادت داشتیم با این حال از زمانی که شورای مشابهی در بنیاد شهید



حال موسیقی دفاع مقدس خوب نیست

هفته دفاع مقدس دلیلی استوار شد برای برپایی جشنواره‌ها، همایش‌ها، کنسرت‌ها و نوشتن مقالات و انجام مصاحبه‌ها و خلاصه هر آنچه که به این واقعه عظیم و عزیز، مربوط می‌شود. هشت سال دفاع بی‌امان، برای حراست از هر آنچه که میراث معنوی و مادی این سرزمین پهناور است، واقعه‌ای است بزرگتر از آنچه که فکرش را می‌کنیم. روشن بود که در چنین هنگامه‌ای بزرگ و پر اهمیت، مهمترین وظیفه هنر و هنرمند، در هر رشته‌ای، توجه به این واقعه، الهام گرفتن از ابعاد مختلف آن و آفرینش آثاری در ارتباط با آن، می‌بایست باشد. از حق نباید گذشت که حجم عظیمی از آثار هنری، در رشته‌های گوناگون، در این هشت سال (۱۳۶۷-۱۳۵۹) و بعد از آن، خلق شد. بیش از همه در شعر و قصه و سینما و کمتر از همه در حوزه معماری. چرا که ماهیت روایی، عاطفی و ظرفیت‌های تصویری سه هنر اول، بیش از دیگر هنرهاست. مضافا اینکه قابلیت‌های تبلیغی - رسانه‌ای نیز دارد. موسیقی در این بین، از اهمیتی خاص برخوردار شد و جایگاهی پیدا کرد که تا به حال در هیچ مقطعی از تاریخ سیاسی ایران - حتی دوره انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی - پیدا نکرده بود. موسیقی، زبان رسای مردم شد، در همت عالی‌شان، برای دفاع از سرزمین مقدسشان و ناگهان، آثار فراوانی در این زمینه خلق شدند. آثاری که با یک تقسیم‌بندی کلی، به سه دسته تقسیم می‌شوند: قطعات ویژه ارکستر سمفونیک، کارهای مخصوص ارکستر مختلط و آثار بدون ساز و ارکستر (نظیر نوحه‌های جاویدان حاج صادق آهنگران و حاج حسین فخری و ...). هیچکس نمی‌تواند انکار کند که قطعات زیبای آهنگسازان عاشق ایران و مردم ایران، چه عواطف نیرومندی را سامان داده و چه خاطره‌های فاخر و با عظمتی در دل تاریخ و مردم به جا گذاشته است. خلاصه هنری آنها، چه نوازندگان و خوانندگان ارکستر سمفونیک زیر سقف استودیوهای ضبط و چه نوحه خوانان شاعر و عاشق در میداین پر گرد و خاک شهرهای جنگ زده و جبهه‌های نبرد از یاد مردم رفتنی نخواهد بود. اما آن همه شور و شوق و عاطفه و نیروی خلاقه، چند سالی پیش نباید و حداکثر تا اوایل دهه ۱۳۷۰ تداوم داشت. شاید دولت‌های وقت، لازم نمی‌دیدند که روی خاطرات جنگ تبلیغ کنند و نوسازی را ارجح بر همه امور می‌دانستند. در حالی که در هر جای دنیا، هر چیزی جای خود را دارد. هم پاسداشت خاطره و هم تلاش برای بازسازی. هنوز در روسیه آثار صوتی به یاد نبردهای دوره جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-۱۳۱۸) تولید می‌شود. هنوز تولید موسیقی‌های رزمی و انقلابی در عرصه‌های فرهنگی ملت فلسطین، کوره‌ای گرم و سوزان دارد. متأسفانه کم‌اعتنایی به آن همه فخر و شجاعت و ایثار، در ما بیش از دیگر ملل دیده می‌شود. رسانه‌ها موسیقی دفاع مقدس را فراموش کردند. نوحه خوان‌هایی اصیل چون صادق آهنگران و حسین فخری به گوشه انزوای خود نشستند و استعدادی چون غلام کویتی پور، رو به حوزه موسیقی پاپ مردم پسند آورد! آهنگسازان خلاق و خوش‌قریحه‌ای که برای دفاع مقدس کارها کرده بودند و نیز قدر و منزلتی ندیدند. بعضی از آنها با حقوقی اندک بازنشسته شدند. بعضی دیگر کار حرفه‌ای را کنار گذاشتند و تنی چند هم متأسفانه دار فانی را وداع گفتند.

دست آخر چه نتیجه‌ای گرفتیم؟ تاسف و تهی دستی. نه آرشو منظم و مطمئنی از آن همه قطعات زیبای ضبط شده داریم، نه پارتیتورهایشان در جایی محافظت می‌شود، نه حتی دو واحد درسی ناقابل در دانشگاه برای شناخت آن می‌گذارند. نه از هنرمندان تشقدیر و تجلیلی در خور و شایسته شده و حتی آن قطعات پخش هم نمی‌شوند! بیشترشان حتی تولید برای حامل‌های صوتی هم نشده‌اند. تنها اثر تحقیقی موجود در این زمینه، از تنها مورخ موسیقی عصر دفاع مقدس، سید علیرضا میرعلی تقی، نیمه کاره مانده و در گنجینه خاک می‌خورد! آیا دیگر ملل هم با میراث تاریخی - هنری خود این چنین می‌کنند؟



فتو رمان‌های دفاع مقدس در راهند

علی تقی پور، تهیه‌کننده فتو رمان دا، می‌خواهد این بار به سراغ کتاب نور الدین، پسر ایران برود و به قول خودش نا پختگی‌های روایت تصویری را در مورد کتاب نور الدین جبران کند. وی در همین زمینه به خبرنگار ماهنامه شهدای اسلام می‌گوید: کار اقباسی که در مورد کتاب دا انجام گرفت، یک کار تجربه نشده‌ای بود که نا پختگی‌های خاص خودش را نیز به همراه داشته است. بنابراین قطعا فتو رمان نورالدین پسر ایران پخته‌تر و با تجربه بیشتری ساخته شده است.

تقی پور با اشاره به اینکه هنوز کتابهای پر مخاطب در حوزه دفاع مقدس، وجود دارند، گفت: در میان کتاب‌هایی که در چند سال اخیر منتشر شده اند کتاب‌هایی چون دا، پای که جا ماند و نورالدین پسر ایران از جمله کتاب‌های پر فروش و پر مخاطب دفاع مقدس بوده اند که طیف مخاطب خود را در قالب نوشتار و کتاب پیدا کرده اند. این تهیه‌کننده سریالهای تلویزیونی در خصوص ضرورت ساخت فتورمان‌های حوزه دفاع مقدس، اظهار داشت: اشتیاق و بازده مخاطب بر آن شد تا کاری نو در حوزه سینمای اقباسی صورت گیرد. از جمله اقداماتی که صورت گرفت فتو رمان یا انیمیشن دا بود که مخاطبان خاص خود را جذب کرده و ادامه‌ی این فعالیت به صورت حرفه‌ای تر امید آن را دارد که طیف گسترده‌تری از مخاطبان را مورد توجه خود قرار دهد. به گفته علی تقی پور استقبال مخاطبان و رسانه از فتو رمان دا باعث شد تا کتاب نورالدین پسر ایران را نیز به همین شکل به نمایش در بیاورد. وی ادامه داد: دلیل انتخاب این کتاب برای رسانه‌ای شدن، ویژگی‌های خاص این کتاب، از جمله محتوا، نوع نوشتار و میزان جذب مخاطب بوده است. تهیه‌کننده فتو رمان نورالدین پسر ایران تصریح کرد: تنظیم این مجموعه تلویزیونی حدود ۴ ماه به طول انجامید که مدت زمان پخش این مجموعه ۳۰ قسمت ۱۵ دقیقه‌ای است.

گفتنی است، کتاب نورالدین پسر ایران خاطرات سید نورالدین عافی نوشته معصومه سپهری است: پسری شانزده ساله از اهالی روستای خنجان در حوالی تبریز در آذربایجان شرقی که حضور دفاع مقدس را در گردان‌های خط‌شکن لشکر ۳۱ عاشورا به عنوان نیروی آزاد، غواص و فرمانده دسته و در جبهه‌های مختلف تجربه کرده و بارها مجروح شده است. وی اظهار داشت: تدوین کار، تکنیک، اجرا و محتوا بسیار متفاوت با کار قبلی است، و از نظر تکنیکی تمام اتفاقاتی که در این مجموعه افتاده، یک هارمونی و تصویر خوشایندی را برای مخاطب ایجاد کرده است.

این فعال رسانه‌ای با اشاره به تفاوت‌های فتو رمان دا و نور الدین پسر ایران، گفت: تصمیم داشتیم این مجموعه همانند دا به طور کامل و در ۱۲۰ قسمت نمایش داده شود. تجربه قبلی ما بر آن داشت تا برای جذب مخاطب فقط بخشی از کتاب را روایت کنیم به صورتی که فتو رمان نورالدین پسر ایران به ۳۰ قسمت تبدیل شده است. وی در خصوص کاهش قسمت‌های تولیدی فتو رمان نور الدین پسر ایران، تصریح کرد: یکی از دلایل کم کردن قسمت‌های این مجموعه با هدف کتاب خوانی صورت گرفته است تا فرهنگ کتاب و کتاب خوانی درصد بالایی افزایش پیدا کند و مخاطب ترغیب به خواندن خود کتاب شود. تقی پور گفت: این کار با حمایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و مدیر گروه حماسه و دفاع شبکه یک بوده است. کارگردانی این مجموعه بر عهده میثم حسینی است. وی فتو رمان نور الدین پسر ایران را نقطه مقابل کتاب دا عنوان کرد و افزود: این مجموعه نقطه مقابل کتاب دا است، به طوری که کتاب دا خاطرات یک خانم را به تصویر می‌کشید، بنابراین از گویندگان سینمایی خانم استفاده کردیم، در حالی که فتو رمان نورالدین پسر ایران خاطرات یک رزمنده آقا می‌باشد، که از گویندگان سینمایی مرد و همچنین فرزندان شهدا استفاده کرده ایم.



حکم افطار مرد افغانی...

شعر: سید هادی کسای زاده

چای و خرما و لقمه ای از نان
حکم افطار مرد افغانی
ته راهرو، بنفشه چهار
تخت پنجم کنار انباری

بوی وایتکس و الکل و ادرار
جای عطر و گلاب و بوی بهار
نه سلامی و دود اسپندی
گویی اینجاست سرزمین زوال

آسایشگاه سالمندان است
نام این جای خشک و بی احساس
موزه عبرت فراموشی
انتهای شقاوت انسان

در کنار هزار سالمند غریب
مردی از جنس عشق می بینی
کهنه سرباز روزهای نبرد
سرد و نابینا و زشت می بینی
وقتی از عشق با او می گویی
یاد روزهای جنگ می افتد
یاد میدان مین و رمز یا زهرا
یاد ترکش به چشم می افتد

دست من را برای یک لحظه
کهنه سرباز پیر می گیرد
با صدای ضعیف در گوشم
قول چای و سیگار می گیرد

سالهاست به انتظار علی
کنج ویرانه دلش یتیم شده
کل ایران مسجد کوفه است
ابن ملجم کجاست دیر شده

آی فرماندهان بی سیمی
اینها یک سرباز اسیر شده
خواب بر چشم دولتی جرم است
وقتی یک شهروند غریب شده

می نویسم به پاسداشت قلم
این خبر را اگر چه دیر شده
تیتیر فردای روزنامه عصر
جانباز غریب شهید شده

تو شهید خواهی شد...

خبر رسید که جنگ است، زود راهی شد
هوای روضه به سر داشت، قتلگاهی شد

و عشق در به درش گشت و گشت دنبالش
دوید پشت سرش عشق هم سپاهی شد

به جرم این که چرا زنده مانده، از آنسو
خبر رسید اخیرا که دادگاهی شد

گذشت فصل زمستان و آخر قصه
دوباره نقل، همان نقل روسیاهی شد

تو هم قطار رفیقان رفته ات هستی
و من که مطمئنم تو شهید خواهی شد

زمانه خواست تو را ماضی بعید کند



شعر از: محمد سعید میرزایی

زمانه خواست تو را ماضی بعید کند
ضمیمه فقر و غنا بکند شهید کند

شناسنامه درد تو را کند تمدید
تو را اسیر زمین مدتی مدید کند

درون بغچه عطرش نشد که دختر باد
سپیده دم گل زخم تو را خرید کند

زدست خیمه بر این باغ ابری از اندوه
که رد پای تو را نیز ناپدید کند

زمانه بافت لباس عزای قامت تو
که خود تهیه اسباب روز عید کند

زمانه خواست که در خانگاه تاول ها
تو را مراد کند درد را مرید کند

کنون زمانه شاعر چه از تو بنویسد
خدا نصیب غزل مصرعی جدید کند

خدا نخواست فقط از تو سر بگیرد... خواست
که ذره ذره تمام تو را شهید کند



گفت و گوی سایت شهدای ایران با طاهره بنی اسدی؛ رهبری گفتند جنگ هنوز تمام نشده است

گفتگو

طاهره بنی اسدی فعال سیاسی و نویسنده کتاب های تحریفات و فلسفه سیاسی عاشورا، جنگ ۳۳ روزه لبنان، سید شهدای اهل قلم شهید آوینی و چندین کتاب دیگر، در مصاحبه ای با پایگاه خبری شهدای ایران به توضیح تالیفات خود پرداخت و گفت: در کتاب شهدای اهل قلم؛ ابعاد شخصیتی و تفکر حماسی را به قلم در آوردم که این کتاب سال پیش در انتشارات نور بخت به زیر چاپ رفت.

وی در مورد کتاب دیگرش اظهار داشت؛ در کتاب جنگ ۳۳ روزه لبنان؛ به بحث سرنگونی شارون و اینکه فلسطین و جریانات لبنان چگونه شکل گرفت و حماسه هایی که رقم زده شد پرداختم همچنین به مقاومتی که لبنان حاصل شد نتیجه چه اقدامات و فعالیت هایی بود اشاره ای داشتم. بنی اسدی در ادامه به بیداری اسلامی و مسئله الگو برداری سایر کشور های جهان از انقلاب اسلامی اشاره کرد و بیان کرد: سال ۸۴ که جناب آقای دکتر احمدی نژاد رئیس جمهور شد، توانستند بار اول نام امام زمان را در سازمان ملل که مقر دشمن هست بیاورند و از تمام آرمان ها و ارزش های اسلامی دفاع کنند و این لرزه ای بود بر پیکر تمام دشمنان اسلام. وی در ادامه توضیحات کتاب خود افزود: مقاومت های ایجاد شده در کشور های اسلامی نشان دهنده الگو برداری از مقاومت مردم ایران در ۸ سال دفاع مقدس است در واقع کشور ما ام القرای جهان بود و توانست محور تصمیم گیری در خاورمیانه بشود، تا زمانی که ما روی فرهنگ ایثار و شهادت باقی بمانیم می توانیم احساس رشد و بالندگی داشته باشیم.

طاهره بنی اسدی در سخنان خود به بیان ریشه کلمات شهید و شهادت پرداخت و افزود: فلسفه شهادت از نظر کلمه بسیار ژرف و عمیق است همانطور که خداوند در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره احزاب می فرماید: برخی از مومنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمان خود با خداوند پایدار هستند و ایستادگی می کنند؛ حتی در شرایط خیلی سخت تا در راه لقا الله، به شهادت برسند. به همین خاطر اختلاف بزرگی بین مرگ و شهادت می بینیم، چرا که شهادت به سختی به دست می آید و نعمتی است که هر کسی به آسانی به آن فیض نایل نمی شود، کسی هم که بخواهد شهید شود مراتب بسیار سختی را در پیش رو دارد.

مصادق آن خیلی از شهدای دوره دفاع مقدس هستند و همچنین جانبازان به خصوص جانبازان شیمیایی که وضعیت مرگ تدریجی دارند و هر روز هر کدامشان پرپر می شوند و تقدیم نظام می گردند. وی در ادامه سخنان اش به زندگی سخت و دشوار جانبازان اشاره کرد و گفت: با توجه به اینکه هیچ امکاناتی در اختیارشان قرار نگرفته است، از خود گذشتگی، ایثار و منافع دنیوی را به منافع اخروی ترجیح می دهند و به دنبال هدف والاتری هستند. این گونه افراد به دنبال تفکر آرمان گرایی، اسلام خواهی، عدالت خواهی، رفع فقر، محرومیت و ظلم ستیزی بودند. وی در ادامه بیان کرد: خود بحث شهادت از چند رکن اساسی برخوردار است، از مهم ترین آن در راه خدا بودن، فی سبیل الله و خالصانه

در مسیر قدم برداشتن است؛ شهادت یک هدف مقدس است. در حال حاضر در بسیاری از کشور ها جنگ و جنایت رخ می دهد، اما آنها چون هدف والا و مقدسی ندارند و بیشتر بحث تجاوزگری و منفعت های مالی پیش می آید دیگر در آنجا شهادت هیچ معنایی ندارد. اما در کشور ما و سایر کشور های اسلامی به خاطر فرهنگ عاشورایی تفکر شهادت هنوز معنا دار و در جامعه جاری است و انشاء الله این حرکت ها همه منتهی به ظهور آقا امام زمان شود. ما همه باید سربازی در مسیر ولایت باشیم و جان و مال و ناموس را فدای حفظ و صیانت از اهداف و آرمان های نظام کنیم.

بنی اسدی به جایگاه شهدا در نزد خدا اشاره کرد و گفت: قرآن کریم در مورد شان و مقام شهید فرموده است: گمان نکنید که کسانی که در راه خدا کشته می شوند مردگان اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند و روحشان هم چنان زنده است. زمانی که ما سر قبور شهدا حاضر می شویم از روح آنها باید استعانت طلبید؛ به لحاظ این که آن ها می توانند ما را شفاعت کنند، اینکه ما به سر قبور می رویم و از آنها برای حل مشکلات مان کمک می خواهیم به این علت است که روحشان همچنان زنده است و مشکلات ما را می بینند و خیلی از مسائل را دریافت می کنند.

در خاطرم هست بعد از جنگ خیلی از پاسداران به نزد مقام معظم رهبری رفتند و از شهید نشدنشان ناراحت بودند: رهبر تعبیر بسیار زیبایی کردند و فرمودند: هنوز جنگ تمام نشده؛ جنگ نرم شروع شده و تنها، شیوه مبارزه تغییر کرده، سلاح ما می تواند فکری و قلمی باشد، هنوز باید مبارزات را ادامه بدهیم.

وی در پایان گفت: امید است انشاء الله پرچم عدالت خواهی و ظلم ستیزی که در ایران برپا شده به دست خود امام زمان برسد و امیدوارم ما توانسته باشیم در این بیداری نقشی داشته باشیم تا مسلمان های دیگر کشورها را به صحنه مقاومت دعوت کنیم و برای آرمان های اسلامی همه تلاش کنیم، اگر در هر برهه زمانی جانبازی شهید می شود و ما هر سال چند بار میزبان شهدای تازه تفحص شده هستیم خواست خداوند است که از فرهنگ شهادت جدا نشویم و یادمان نرود و همگان بدانند فرهنگ پایداری و مقاومت همچنان زنده است.



جانباز فلافل فروش...

مصمم شدم دیگر خودم را زیر تیغ جراحی نگذارم و وقت کشی نکنم باید سریعتر به جبهه می رفتم منم پا به پای هم رزمی هایم می جنگیدم اما با یک چشم، وقتی مرخص شدم با خوشحال خواستم وسایلم را جمع کنم و به طرف جبهه برم که دیدم تمام وسایلم را دزدیده اند. البته بعد از عمل جراحی که در تهران انجام شد باز با اصرار من را به آلمان فرستادند. در بیمارستان آلمان هم سه ماه بستری شدم. اما بعد از عمل های مکرر نتیجه بر آن شد که چشمم باید تخلیه شود. بعد از تخلیه چشم چپم به ایران برگشتم اما هنوز حس رفتن به نبرد دشمن از سرم نیفتاده بود. وضع گوشم هم خراب بود مویی که من را گرفته بود به گوشم هم زده بود داشتم شنوایم را هم از دست می دادم. اما به یاری خدا مشکل شنوایی ام حل شد اما گاهی هنوز مویی که در گوش و سرم می آید حال و هوای آن زمان را برایم تداعی می کند.

بعد از مجروحیتتان باز هم به جنگ رفتید؟

بله اما این دفعه در آبادان بودم در کمک های مردمی شرکت می کردم. زیرا که دیگر مرا اعزام نمی کردند.

چه سالی ازدواج کردید؟ سال ۱۳۷۱ با دختری از دیار همدان که اصالتا کرد بودند اما در آبادان زندگی می کردند ازوداج کردم.

وقت خواستگاری شما جانباز بودید. رفتار خانواده همسر و خود همسر تان با شما چطور بود آیا مورد سرزنش قرار نگرفتید؟

همسر من از خانواده ای بسیار متدین و با غیرتی است. اتفاقا وقتی فهمیدن من جانباز در راه اسلام و ناموسم هستم بقیه خواستگاریهای را که داشت را به راحتی کنار زدند و نظر همسر را جویا شدند. همسر هم با خانواده اش هم عقیده بود و می گفت حتی اگر به جای یک چشم دو دست و دو پا هم نداشتید من با شما ازدواج می کردم چرا که غیرت مرد برایم مهم است.

الان مشغول چه کاری هستید؟

به دلیل هزینه های بالای زندگی و خرج و مخارج خانه و بچه هایم که دانشجوی و دانش آموز هستند از آنجایی که حقوق جانبازیم کفاف هزینه های زندگی ام را نمی دهد، در مغازه ای شاگردی می کنم و فلافل درست می کنم.

آیا شغل دیگری برای شما چه قبل چه الان پیدا نشد؟

چرا یک بار همان زمان بعد از جنگ رئیس بنیاد جانبازان آبادان من را به شرکت نفت معرفی کرد. رفتم آنجا مصاحبه کردند و فرم هم پر کردم اما فقط در همین جا باقی موند خبری نشد. یک بار دیگر هم بنیاد پیشنهاد داد با چهار جانباز دیگر همکاری کنیم و مجوز پرورش میگو به ما بدهند اما باز هم به نتیجه ای نرسید. چند وقتی شاگرد مکانیکی بودم چند وقتی هم هست که فلافل می فروشم. کار عار نیست ما در راه خدا جان می دهیم و خدمت به خانواده هم خیلی کمتر از جهاد در راه خدا نیست. خانواده ام را دوست دارم و برایشان هر کاری می کنم حتی اگر مجبور باشم کارهایی خیلی کمتر از این انجام دهم. شاگرد بودن که کم نیست. تازه فلافل های من معروف هستند. فلافل هایم آبادانی هستند واسه خودتون.

چه انتظاری از دولت دارید؟

انتظار خاصی ندارم زیرا که من برای دل خودم و حفظ ناموس و دین و وطن جانباز شدم. اما دوست ندارم بچه هام بعد از درس خوندنشون بخوان بیکار باشن. اگه لطفی هست از من گذشته به بچه هام بکنند.

جانباز یا بهتر بگویم قهرمان وطن قصه ما می گوید: ابوالقاسم پاسلار هستم. متولد ۱۳۳۸ صادره از آبادان. با همسر و سه فرزندم زندگی می کنم. از سه فرزندم یکی پسر است کلاس اول راهنمایی و دو دخترم دانشجوی هستند. دختر بزرگم دانشجوی رشته مدیریت و دختر کوچکم دانشجوی رشته روانشناسی.

آقای پاسلار در حال حاضر کجای زندگی می کنید؟

با همسر و فرزندانم در منزلی در شیراز در بلوار کوی زهرا زندگی می کنیم. مساحت خانه ما ۷۰ متر است اما صمیمیت خانواده من هزاران متر.

چی شد که به شیراز آمدید؟

ما هم مثل اون دسته از آبادانی هایی که جنگ زده شدند و به شهرهای دیگه مهاجرت کردند سال ۵۹ بود که به همراه مادرم و سه خواهرم به شیراز آمدم. یادش بخیر همان سال ۵۹ بود که به جنگ حق علیه باطل اعزام شدم. حسی که برای رفتن به جنگ دشمن داشتم قابل وصف نیست اما در یک جمله کوتاه می تونم بگم که کسی یا چیزی جز دفاع از وطن و ناموس و خاکم مشوق من نبود.

از جبهه و جنگ بگوید چند بار به جبهه اعزام شدید؟

من سه بار به جبهه اعزام شدم اما در کرخه یا همان سبزه آب مجروح شدم. یکی از بهترین خاطره های من همین جانبازی در راه خدا و اسلام و وطنم هست. همون موقعی که اعزام شدم به خط مقدم برای جمع آوری مهمات. چهارم شهریور سال ۶۰ بود. طرفای ظهر بود که فرمانده به من دستور داد که با ماشین جیب به جلو برم و مهمات را جمع آوری کنم و ببارم. بدون چون و چرا سوار جیب شدم و توی ظهر گرمای آن زمان به طرف خط حرکت کردم. بدون دردسر رسیدم. سربازها که از قبل باهاشون هماهنگ شده بود مهمات را جمع آوری کرده بودند و سریع به داخل ماشین ریختند و دوباره من حرکت کردم. دیگه هوا رو به تاریکی می

رفت. توی راه دیدم گروبان ۳ با یک ماشین ایستاده و جلو منو گرفت. گفت منو هم با خودت ببر من راه را بلد نیستم. منم که ماشینم پر از مهمات بود هم جا نداشتم از به لحاظ امنیتی نمی توانستم این کار را انجام بدم گفتم با ماشین خود پشت سرم بیا فقط چراغ را روشن نکن که بد جایی هستیم به محضی که چراغ را ببینن زدنمون. اون هم سوار ماشینش شد و پشت سر من راه افتاد. مسافتی از راه را که رفتیم دیدم پشت سرم نیست من دیگه رسیده بودم پشت هفت تپه. ماشین را کنار گرفتم و پیاده شدم و بالای تپه رفتم دیدم جیب گروبان چپ کرده و چراغش هم روشن هست نور بالا. همون موقع بود که به طرف ما خمپاره زدند. ترکش اون خمپاره به چشم من اصابت کرد و گروبان هم به درجه رفیع شهادت نائل شد. وقت نداشتم اگه از خمپاره ها ماشینم آتش نمی گرفت حتما از بنزین هایی که داشت از ماشین گروبان خالی می شد آتش می گرفت. سریع با چشم زخمی سوار جیبم شدم و با یک دست رانندگی می کردم با یک دست چشمم را گرفته بودم. از چشمم داشت خون میامد و دیگه داشتم بی حال می شدم که رسیدم. فرمانده تا من را دید گفت چی شده اما من دیگه نای توضیح دادن نداشتم و بی هوش شدم. وقتی به هوش آمدم دیدم من را دارن با ۱۷ مجروح دیگر به طرف تهران می برند. اما خبر رسید که بیمارستانی تهران پر از مجروح هست و جایی برای مجروح دیگر نداریم باید می رفتیم اصفهان.

خلاصه من را به اصفهان رساندند و چشمم که آسیب دیده بود مورد عمل جراحی قرار گرفت. ۱۷ روز توی بیمارستان اصفهان بستری بودم. عمل چشمم نتیجه ای نداشت و من را به شیراز منتقل کردند از شیراز هم به تهران. در بیمارستان پارس تهران بستری شدم و دوباره چشمم را عمل کردند ایندفعه ۵ روز بستری شدم توی بیمارستان. بیتاب بودم تا زودتر مرخص شم و به جبهه برگردم. وقتی از این عمل هم نتیجه ای نگرفتم



که قابل توجه است، مدل دیگر این جنگ است که حمله با ابزار اقتصادی به اقتصاد کشور است. در اینجا دیگر ابزار نظامی نیست بلکه رویکرد نرم است، با این مدل می توان جنگ اقتصادی را حمله با استفاده از همه مولفه های قدرت اقتصادی کشور بر علیه قدرت اقتصادی کشور، به منظور تسلیم کشور هدف در برابر خواسته های مهاجم نام برد، یعنی این نوع جنگ، تحریم نیست، تحریم یکی از ابزارهای آن است که باید به آن نگاه کرد. امریکا یکی از کشورهایی است که از این روش در برابر جنگ با ایران استفاده می کند و درست به همین دلیل است که حوزه اقتصاد حوزه بسیار مهمی بوده و شاید تاثیر گذارترین حوزه هم محسوب شود.

نا امیدسازی مردم، ابزار جدید جنگ اقتصادی

سردار غلامرضا جلالی، فرمانده قرارگاه دفاع اقتصادی در همین رابطه می گوید: موضوع مهم در جنگ اقتصادی عملیات روانی است و معمولا در دو بعد هم جریان دارد. ناامید سازی مردم داخل کشور که یک محور عملیات اقتصادی است و بخش دیگر فضای بیرون از کشور که فضا سازی علیه کشور است. وی در خصوص استراتژی و عملیات هایی که دشمن در این

جنگ به کار می برد، گفت: یک حوزه جدی دیگر در بحث جنگ اقتصادی حوزه بانک است که این نیز حوزه های از جنگ اقتصادی است: برای مثال وقتی نظام بانکی بسته می شود، چه راه حل جایگزینی برای آن وجود دارد. رئیس سازمان پدافند غیرعامل راه حل های مقابله با جنگ اقتصادی را دو دسته تقسیم کرد و گفت: یک دسته راه حل ها سیاسی و دسته دیگر راه حل های اقتصادی است و معتقدیم باید هماهنگی بین این دو حوزه انجام گیرد. باید دیپلماسی دفاعی اقتصادی را در حوزه سیاست راه اندازی کرده و ادامه دهیم، از کاهش فشار شروع کنیم و با حل و فصل کردن مسائل از طریق سیاسی با همان سه

اصلی که در حوزه سیاست خارجی مطرح است، مصلحت، عزت و اقتدار کشور را حفظ کرده و تعامل کنیم.

نباید نسبت به حل و فصل مسائل از طریق سیاسی نا امید بود ولی زیاد هم نمی توان روی آن سرمایه گذاری کرد، زیرا آن ها نشان داده اند که راه حلی جزء عقب نشینی و دست برداشتن از ارزش ها و اعتقاداتمان نداریم. لازم به ذکر است، علیرغم همه تحریم ها و تمهیداتی که صورت می گیرد باید استراتژی های مقابله با این روش هم به کار برده شود. با توجه به اینکه تولید اولین موضوعی است که در لیست تحریم قرار می گیرد باید تحریم با تولید حل شود. این حل شدن باید با تولید ملی و نه گدایی دیپلماتیک حل کرد. متأسفانه برخی از سیاستیون، استفاده از روشهای دیپلماسی را راه حل برون رفت از بحران اقتصادی می دانند و معتقدند که با استفاده از یک دیپلماسی قوی و برقراری ارتباط با کشورهایی که ایران را تحریم کردند، می توان تحریم ها را حل کرد. این گفته ها در حالی مطرح می شود که این روش همچون جام زهری است که ایران در برابر جنگ اقتصادی مجبور به پذیرش آن است. با توجه به شرایط فعلی، عاقلانه ترین و منطقی ترین روش در قبال جنگ اقتصادی این است که برای جلوگیری از تحریم ها می توانیم لیست تحریم ها را استخراج و برنامه تولید داخل را براساس آن اولویت بندی کرده از تحریم ها برای تولید استفاده کنیم، فعالیتی که بسیاری از سیاستیون، دانشمندان و اهل علم و فن در کشور آن را به کار برده و نتایج خوبی را رقم زدند، که یکی از آنها خود کفایی در بسیاری از زمینه ها و از جمله انرژی، علوم پزشکی و هسته ای است.

تحریم علیه ایران، موضوعی که تا به امروز هر ایرانی کم و بیش درمورد آن اطلاعاتی را دارد و می داند در دهه های اخیر به ویژه در سالهای پس از جنگ، تحریم ها شدت گرفته است.

با این حال تحریم تنها به همین یکی دو سال اخیر ختم نمی شود و نخستین تحریم جامع سراسری علیه ایران در دوران معاصر، تحریم بریتانیا به منظور واکنش در برابر انتخاب دکتر محمد مصدق به وزارت بود که هدف ملی سازی صنعت نفت را دنبال می کرد. اولین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران هم در زمان نخست وزیری محمد مصدق و به منزله واکنش علیه ملی شدن صنعت نفت ایران صادر شد.

یکی دیگر از تحریم های مهم هم به سال ۱۹۸۰ بازمی گردد زمانی که آمریکا نیز در این سال تحریم های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تصرف سفارت آمریکا در تهران علیه ایران وضع نمود. در سال ۱۹۹۵، بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا اقدام به وضع تحریم هایی کرد که به موجب آن شرکت های نفتی آمریکایی از سرمایه گذاری در طرح های نفت و گاز ایران منع شده بودند. همچنین روابط بازرگانی با ایران نیز یک جانبه قطع شد.

گدایی دیپلماسی

جام زهر جنگ اقتصادی!!

در سالهای اخیر به دنبال شدت گرفتن اختلافات بین ایران و کشورهای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، دو قطعنامه تحریمی علیه ایران وضع شد.

قطعنامه هایی که تحریم ها را ساخت

این تحریم های شورای امنیت علیه ایران برگرفته از فصل هفتم منشور سازمان ملل هستند، که در آن صحبت از «تهدید و یا نقض صلح در جهان» به میان آمده است. اصل ۴۲ فصل هفتم این اجازه را می دهد که برای تضمین صلح، تصمیم های ویژه گرفته شود، حتی اگر احتیاج به متوسل شدن به نیروی نظامی باشد. پس از اعمال دور چهارم تحریم های شورای امنیت علیه ایران، کشورهای ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحریم های یک جانبه فراتر از قطعنامه تصویب شده را نیز علیه ایران اعمال کردند.

متناسب با تحریم ها و اعمال فشار از سوی کشورهای مخالف ایران صورت می گیرد، تحریم های اقتصادی علیه ایران هم شدت بیشتری گرفته است و رابطه اقتصادی برخی از کشورها با بازار اقتصادی ایران، شبیه به میدان جنگ است، جنگی اقتصادی که رزمندگان و استراتژی ها و حتی شهدای خاص خودش را دارد. گاهی دو کشور تلاش می کنند علیه یکدیگر فعالیت کرده به تمام مولفه های اقتصادی حمله شود و آن ها را تحت تاثیر قرار دهند که در این صورت جنگ اقتصادی انجام می گیرد، جنگ نظامی برای هدف اقتصادی را هم نوعی جنگ اقتصادی باید نامید مثل جنگ خلیج فارس که امریکایی ها جنگ نفت نامیدند، این جنگ برای تصاحب نفت و تسلط بر منافع نفتی بلند مدت شکل گرفت. نکته دیگری

جنگ نرم



ذبح‌الله تجری غریب آبادی (کارشناس تاریخ): تا سال ۱۹۴۵ میلادی غالب جنگ‌ها «جنگ سخت» بود. پس از آن با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و بلوک غرب، دور جدیدی از رقابت‌ها میان آمریکا و شوروی سابق آغاز شد که به «جنگ سرد» مشهور شد. جنگ سرد ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم بود که طی آن دو ابر قدرت در عین تهدیدهای سخت از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کردند. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پایان جنگ سرد کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می‌شود با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و... دست یافت که در ادبیات سیاسی جهان به جنگ نرم شهرت یافت.

جنگ نرم

این نوع جنگ از فروپاشی شوروی شروع و تاکنون ادامه داشته و متکی بر تهدیدات نرم و قدرت نرم فرهنگی و اجتماعی است. آمریکایی‌ها با استفاده از این نوع جنگ تاکنون موفق به تغییر چندین رژیم سیاسی در کشورهای مورد نظر شدند. انقلاب‌های رنگی که در چندین کشور بلوک شرق و شوروی سابق رخ داد، در واقع نمونه‌ای از جنگ نرم است. آمریکایی‌ها با استفاده از قدرت نرم موفق به تغییر رژیم‌های سیاسی در کشورهایی چون لهستان، گرجستان، چک اسلواکی، قرقیزستان، اکراین و تاجیکستان گردید. در تمامی این دگرگونی‌های سیاسی بدون استفاده از ابزار خشونت و صرفاً با تکیه بر قدرت نرم و ابزار رسانه، با تغییر در ارزش‌ها و الگوهای رفتاری از رژیم‌های سیاسی حاکم مشروعیت‌زدایی گردید و از طریق جنبش‌های مردمی و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی، قدرت سیاسی جابه‌جا شد.

جنگ نرم در قالب‌های مختلف مثل: انقلاب مخملی، انقلاب‌های رنگی (انقلاب نارنجی و...)، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای، با استفاده از ابزار رسانه‌ای (رادیو، تلویزیون، روزنامه و امثال آن) و... توانست نظام سیاسی بعضی از کشورها – مانند اوکراین و گرجستان – را تغییر دهد.

تعریف جنگ نرم

مفهوم جنگ نرم (Soft Warfare) در مقابل جنگ سخت (Warfare Hard) است و تعریف واحدی که مورد پذیرش همگان باشد ندارد.

«جان کالینز» تنورسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» می‌داند. ارتش ایالات متحده آمریکا در آیین رزمی خود آن را بدین صورت تعریف نموده است: «جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه‌های دوست است به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد.» با عنایت به تعاریف فوق، معروفترین تعریف را به جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه «قدرت نرم» نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی «پروفسور حمید مولانا» در سال ۱۹۸۶ در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین الملل» به آن اشاره کرده بود. با این وجود مهمترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال ۲۰۰۴، تحت عنوان «قدرت نرم: ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» منتشر نمود. بنابراین جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می‌دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال جنگ نرم است. به عبارت دیگر جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی می‌باشد. در علوم نظامی از واژه‌هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی استفاده می‌شود و در علوم سیاسی می‌توان به واژه‌هایی چون براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین اشاره کرد. در تمامی اصطلاحات بالا هدف مشترک تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر بدون استفاده از راه‌های نظامی است. در یک تعریف کامل‌تر می‌توان گفت، جنگ نرم یک اقدام پیچیده و پنهان متشکل از عملیات‌های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی توسط قدرت‌های

بزرگ جهان برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در کشورهای هدف است

اهداف جنگ نرم

- ۱- استحاله فرهنگی در جهت تأثیرگذاری شدید بر افکار عمومی جامعه مورد هدف با ابزار خبر و اطلاع رسانی هدفمند و کنترل شده که نظام سلطه همواره از این روش برای پیشبرد اهداف خود سود جست است.
 - ۲- استحاله سیاسی به منظور ناکارآمد جلوه دادن نظام مورد هدف و تخریب و سیاه نمایی ارکان آن نظام.
 - ۳- ایجاد رعب و وحشت از مسائلی همچون فقر، جنگ یا قدرت خارجی سرکوبگر و پس از آن دعوت به تسلیم از راه پخش شایعات و دامن زدن به آن برای ایجاد جو بی‌اعتمادی و ناامنی روانی.
 - ۴- اختلاف افکنی در صفوف مردم و برانگیختن اختلاف میان مقام‌های نظامی و سیاسی کشور مورد نظر در راستای تجزیه سیاسی کشور.
 - ۵- ترویج روحیه یاس و ناامیدی به جای نشاط اجتماعی و احساس بالندگی از پیشرفت‌های کشور.
 - ۶- بی‌تفاوت کردن نسل جوان به مسائل مهم کشور.
 - ۷- کاهش روحیه و کارایی در میان نظامیان و ایجاد اختلاف میان شاخه‌های مختلف نظامی و امنیتی.
 - ۸- ایجاد اختلاف در سامانه‌های کنترلی و ارتباطی کشور هدف.
 - ۹- تبلیغات سیاه (با هدف براندازی و آشوب) به وسیله شایعه پراکنی، پخش تصاویر مستهجن، جوسازی از راه پخش شب‌نامه‌ها و...
 - ۱۰- تقویت نارضایتی‌های ملت به دلیل مسائل مذهبی، قومی، سیاسی و اجتماعی نسبت به دولت خود به طوری که در مواقع حساس این نارضایتی‌ها زمینه تجزیه کشور را فراهم کند.
 - ۱۱- تلاش برای بحرانی و حاد نشان دادن اوضاع کشور از راه ارائه اخبار نادرست و نیز تحلیل‌های نادرست و اغراق آمیز.
- جنگ نرم به ابزارها و امکاناتی نیاز دارد تا بتواند به اهداف خود جامعه عمل پیوشاند.

برخی راه‌های مقابله با جنگ نرم

۱. گسترش دامنه و شمول فعالیت‌های فرهنگی.
۲. افزایش محصولات فرهنگی تأثیرگذار بر جامعه و جوانان.
۳. ایجاد راه‌های مشروع برای ارضاء نیازهای مردم.
۴. استفاده از دیپلماسی عمومی.
۵. استفاده از راهبردهای ویژه در مورد اقوام و اقلیت‌ها: اقلیت‌های جامعه اغلب به سبب داشتن احساس نابرابری، مستعد مخالفت و رزی علیه نظام حاکم هستند و دشمنان فرامنطقه‌ای یکی از میدان‌های فعالیت خود را در کشورهایی که دارای تنوع قومیت هاست، قرار می‌دهند.
۶. عملیات روانی متقابل: در مقابله با جنگ نرم نبایستی منفعلانه عمل کرد. عاملان تهدید نرم از انواع تبلیغات، فنون مجاب سازی روش‌های نفوذ اجتماعی و عملیات روانی به منزله روش‌های تغییر نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های جامعه هدف استفاده می‌کنند.

دفن غریبانه اجساد بی هویت جنگ در قبرستانی نا معلوم

آلودگی شیمیایی خاک در کمین گروه تفحص شهدا

عراقی ها ۵۵ هزار کشته گمنام در جنگ تحمیلی دارند

۲۵۰۰ شهید از عراق طلب داریم

ناگفته های
سر دار تفحص؛

دادیم، به هر میزان که پیشرفت داشته باشیم خانواده ها هم در جریان قرار می گیرند. ذکر این نکته ضروری است که ما همه شهدایی که دفن می کنیم نمونه ای از آنها را جدا کرده و نگه داری می کنیم به امید روزی که بتوانیم شناسایی کنیم. ارسال و استخراج دی.ان.ای از جسم سخت دشواری های خاص خودش را دارد چرا که ممکن است به دلیل تحریم ها ما برخی از موارد را نداشته باشیم یا این همه صلیب سرخ کمک هایی را از نظر تجهیزات به ما داشته است و ما پیشرفت های خوبی داشته ایم.

چه تعداد کشته عراقی در خاک ایران شناسایی کردید؟

عراقی ها حدود ۵۵ هزار گمنام دارند و این آمار به غیر از انهایی است که در جریانات داخلی کشته شدند. عراق ۳ برابر ایران تلفات انسانی در جنگ داشت و حدود ۶ هزار کشته در جنگ داشتند با توجه به این آمار تا امروز ما حدود ۱۵ هزار کشته عراقی را به این دولت تحویل دادیم و در حال حاضر هم که در خاک عراق مشغول شناسایی هستیم اگر جنازه ی یک سرباز عراقی را پیدا کنیم به آنها تحویل می دهیم. نکته قابل توجه این است که دولت عراق در زمان صدام برای شناسایی کشته های عراقی کار خاصی انجام نداد و حتی پس از آن هم که بر برخی از مناطق مسلط شدند باز هم میلی برای شناسایی نداشتند و نهایتاً هم طبق بخشنامه جدید دولت نوری المالکی، کشته های عراقی در جنگ با ایران شهید محسوب نمی شوند. اگر از یک بعد دیگر به قضیه نگاه کنیم متوجه می شویم که حقانیت شهدای ما در همین مسئله نهفته است چرا که عراقی ها کشته های جنگی خود را شهید نمی دانند.

ملاک شناسایی برای تشخیص جنازه یک شهید ایرانی از کشته عراقی چیست؟ ما داشتیم مواردی را که شهید ایرانی طی یک جابه جایی به جای کشته عراقی دفن می شود و یا بالعکس، در این رابطه توضیح بدید و اگر تشخیص ایرانی و یا عراقی بودن جنازه ممکن نبود، چه می کنید؟ اولاً نهایت تلاش خود را برای شناسایی به کار می بریم اما اگر شک کنیم که جنازه ای ایرانی است یا عراقی در این موارد استفسار داریم و طبق آن رفتار می کنیم. و طبق این مسئله ما دستور داریم بدون اطلاع کسی در قبرستان مسلمین و در جایی که فقط خودمان می دانیم این جنازه ها رو دفن کنیم و هیچ وقت هم در آمار شهدا قرارشان نمی دهیم و لازم به ذکر است از این موارد خیلی کم داشتیم و به ندرت اتفاق می افتند.

در مورد فیلم هایی که در رابطه با دفاع مقدس ساخته می شود، رضایت دارید؟ خود شما آیا سوژه ای در رابطه با تفحص به کارگردانان پیشنهاد داده اید؟

سوژه های بسیار ناب و تکان دهنده در رابطه با تفحص وجود دارد و خود من بارها این سوژه ها و ماجرای برخی از شهدا را برای فیلم سازان تعریف کرده ام اما استقبال آنچنانی ندیدم. خلاء اصلی در رابطه با فیلم های دفاع مقدس به حقیقت جنگ باز می گردد که برخی از افراد نسبت به آن بی توجه هستند و برای جبران این مشکل ما باید خلاء اطلاعاتی را حل کنیم. از سویی نگاه هنرمندان بیشتر نگاه اقتصادی است و میگویند حمایت نیست و حتی به نیروهای مسلح تهمت می زنند که مانعی برای سخت فیلم هستند که این مسئله درست نیست.

با توجه به اینکه آب و خاک منطقه همچنان آلوده به برخی از گازهای شیمیایی هستند، این مسئله چه مشکلاتی را برای اعضای تیم تفحص به وجود آورده است؟

با توجه به آلودگی هایی که همچنان در منطقه هست، عوارض پوستی یکی از مشکلات شایع است باین حال ما سعی می کنیم با رعایت نکات ایمنی و بهداشتی از تمهیدات لازم استفاده کنیم تا مشکلات حادث تری برای اعضای تیم های تفحص به وجود نیاید.

به تدریج برایشان تعیین و تکلیف می کنیم و تعدادی از شهدا را هم در هفته پایانی شهریور شناسایی کردیم که این اجساد مطهر در هفته اول مهر و همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس در شهر ها و استان های مختلف تظییع می شوند.

سردار سید محمد باقر زاده، اسمی که به موازات تفحص آن را می شناسیم. پس از جنگ هم همچنان در حال و هوای جبهه ها به سر می برد و بیشتر وقت خودش را هم در میان خاکریز ها و بین شهدا سپری می کند. او در گفتگویی از ناگفته های تفحص و خواسته هایش در این خصوص می گوید.

از سختی های تفحص بگوئید؟

از حضرت زهرا درس گرفتیم که اهل کتمان باشیم و قرار نیست همه سختی های تفحص را بگوئیم چرا که ثواب آن نادیده گرفته می شود، ثوابها در سختی ها است پس بهتر است صوابهایمان را ساییده نکنیم. علاوه بر این طرح مشکل، مشکلی را حل نمی کند. گاهی اوقات ما می خواهیم مشکلی را حل کنیم اما به مشکل اضافه می کنیم، همچنین بسیاری از موارد جنبه درون سازمانی دارد و بیان آنها صورت خوشی ندارد.

از بازتاب تشییع شهدا در رسانه ها راضی هستید؟

در دعوت اولیه به ذهن می آید کم لطفی صورت گرفت به خصوص در تشییع اخیر و این مسئله به خوبی در قالب تیزرهای تبلیغاتی نشان داده نشد. با این حال حضور خوب اعضای مجلس خبرگان در مراسم تشییع قابل توجه و تاثیر گذار بود. جای کار بیشتری داشت و تنها دو شبکه پنج و شش مراسم را پوشش دادند.

گاهی اوقات هیئت های مذهبی هم همسو با شما برنامه هایی را برای تشییع شهدا دارند، آیا این موازی کاری نیست؟

همین جا من انتقادی از هیئت های مذهبی دارم که گاهی اوقات موازی با ما برنامه هایی را برای خود تدارک می بینند. در همین مراسم های اخیر دیده شد که در برخی از مناطق تهران خودسرانه برنامه های تبلیغاتی برای تشییع شهدا پخش شد. ما از تمامی دوستان در هیئت ها توقع داریم که یک طرح و کار ملی را خراب نکنند و ما این برنامه متمرکز را با برنامه هیئت های مذهبی معاوضه نخواهیم کرد.

در دوره ای شاهد مخالفت با تدفین شهدا در دانشگاه ها بودیم، این مخالفت ها هنوز هم هست؟

خدا را شاکر هستیم که دیگر از این نوع مخالفت هایی که پیشتر در زمان اصلاحات می دیدیم، کمرنگ شده اند و دانشجویان و دانشگاهیان استقبال خوبی از این مسئله دارند به طوری که در حال حاضر ۱۵۰ دانشگاه در نوبت تدفین شهدا هستند و درخواست های خود را مطرح کرده اند. در رابطه با این مسئله ما با نوعی میل اقتناعی از سوی دانشگاهیان رو به رو هستیم و این مسئله به هیچ وجه اجباری نیست و به جایی رسیده ایم که رییس دانشگاه به ما می گوید وقتی شهیدی در دانشگاه من تدفین نشده است، احساس می کنم کمبودی در این محیط آموزشی وجود دارد.

چند درصد شهدا هنوز در غرب کشور مانده اند و تفحص در این منطقه انجام نشده است؟

۹۸ درصد کار در خاک خودمان انجام شده است و آن دو درصد باقی مانده هم به این دلیل نیست که نمی توانیم اجرا کنیم بلکه به این خاطر است که از لحاظ اطلاعاتی دسترسی لازم را نداریم و نتوانستیم کاری از پیش ببریم و گذشت زمان باعث شده اطلاعات درصدی از شهدا از دسترس خارج شوند.

چه تعداد شهید همچنان در خاک عراق هستند؟

بیشتر مشکل ما در تفحص شهدا مربوط به کردستان عراق است و ما حدوداً ۲۵۰۰ شهید از زمان جنگ از دولت عراق طلب داریم و بر اساس اطلاعات ما اغلب شهدا در مناطقی از جمله منطقه عمومی پنج وین و اطراف آن، اطراف سد دربندی خان، ماووت و شاخ شمیران باقی مانده اند.

برای شناسایی بهتر شهدا آیا بهتر نیست ما یک بانک اطلاعاتی از ژنتیک والدین شهدا داشته باشیم؟

بانک اطلاعاتی ضروری است اما نسبت همسر و فرزند شهید هم مهم است و امر شناسایی فقط منوط به والدین شهید نیست به هر حال این کار به تدریج در حال انجام و تهیه است اما دشواری های علمی خود را به همراه دارد. با این همه در حد قابل توجهی این اطلاعات جمع آوری شده است و ما از اهمیت راه مواردی را تشخیص

خبرنگار حوزه دفاع مقدس یعنی جیگر داشتن...

نه می شود نامش را درد و دل رسانه ای گذاشت و نه اینکه گفت خب اینطوری است دیگر و کاری نمی شود کرد. به قول برو بچه ها اینطوریه؟! بله واقعا اینطوری است یعنی اینکه خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی لینک و حوزه دفاع مقدس را از روی سایت جدیدش حذف کند. یا اینکه زریبافان رئیس سابق بنیاد شهید بیاید و در نخستین روزهای کارش خبرگزاری حیات وابسته به بنیاد شهید را در سه سوت حذف کرده و ۲۰ خبرنگار را اخراج کند. از طرفی باغ موزه دفاع مقدس مراسم تقدیر از خبرنگاران حوزه دفاع مقدس بگذارد بدون اینکه آثاری را جمع آوری کرده و هیئت داوران داشته باشد! بعد هم نوبت بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس می رسد که سردار کارگر می گوید یا علی مدد می خواهم باشگاه خبرنگاران دفاع مقدس راه اندازی کنم اون هم در سه سوووووت! ولی باید مرد و مردانه گفت که حوزه دفاع مقدس حوزه ای است که اولاً باید خبرنگار حرفه ای قدم بر آن بگذارد و دوم اینکه باید اهل دل باشد. مصاحبه با جانباز و مادر شهید را که دانشجویها و برو بچه های راهنمایی و دبیرستان هم می توانند انجام دهند. مهم آن است که بفهمیم حوزه دفاع مقدس خاکیست و زخم و سرفه و راهیان نور نیست. حوزه دفاع مقدس یعنی قربانیان جنگ، آلودگی خاک، دارو، کارکردن همسر برای درمان مرد جانبازش، شهید شدن در راه بیمارستان، کیلینیک های خالی از متخصص شیمیایی، خودکشی جانباز و فراکسیون هایی که همیشه خوانند.

حوزه دفاع مقدس یعنی جنگ نرم، جنگ اقتصادی، جنگ ماهواره و سایر، یعنی مرزبانی و اورژانس و هلال احمر، یعنی ایثار به تمام معنا. از خیرین و اهداکنندگان عضو تا آنهایی که پلاکت هدیه می کنند. حوزه دفاع مقدس یعنی دوست داشتن اسلام و ایران و ایرانی. یعنی ایستادن در مقابل مسئولانی که تصویر شهدا را پشت سرشان نصب کرده اند. یعنی سوال کردن از فرماندهان بی سیمی که در ۸ سال جنگ یک خراش ندیدند... خبرنگار این حوزه باید بداند که جانباز شیمیایی چه می گوید؟ درد جانباز اعصاب و روان چیست؟ همسر جانباز کیست؟ وظیفه دولت چیست؟ مرزجنون یعنی چه؟ گرسنگی و شرمندگی قهرمان وطن در مقابل خانواده یعنی چه؟ خبرنگار حوزه دفاع مقدس باید بداند چگونه می شود برای کشور جنگید و دفاع کرد و زخمی شد ولی سالها به دنبال اثبات جانبازی رفت و بعد شهید شد و روی سنگ مزارت نوشته شود مرگ بر اثر سکنه قلبی ... خبرنگار این حوزه یعنی جیگر داشتن ... والسلام

شهادی اسلام- فاش نیوز یکی از رسانه های مجازی و سایتهای خبری در حوزه ایثار و شهادت است که در سالهای اخیر بسیار مورد توجه جامعه ایثارگری قرار گرفته و شاید بتوان گفت تنها سایت خبری بوده است که توانست با مسعود زریبافان رئیس اسبق بنیاد شهید گفتگوی اختصاصی و مشروح داشته باشد. مدیران این رسانه از جامعه ایثارگری و جانباز هستند.

ابتدا خودتان را معرفی کنید: بهروزساقی هستم مدیرمسئول و سردبیر پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ ایثاروشهادت (فاش نیوز)

در روز چند خبر و گزارش تولیدی دارید؟ اگر منظورتان اخبار و مطالب اختصاصی باشد تقریباً همه مطالب غیر از ستون آخرین اخبار که جمع آوری اخبار مربوطه از سایت ها و خبرگزاریهای مختلف است تولیدی محسوب می شود.

اولین سایتی که رصد می کنید کدام سایت است؟ خبرگزاری فارس و سایت های ایثارگری و بخش های مربوط به ایثارگران و جستجوگرها

کدام رسانه ها را در حوزه ایثار و شهادت قوی می دانید و هر روز آنها را رصد می کنید؟

متأسفانه درحوزه ایثارگری رسانه ای که بصورت حرفه ای و جذاب عمل کند و مخاطب قابل توجهی جذب کرده باشد به جرأت می توان گفت نداریم. آن هایی هم که هست یا کاربلد نیستند و یا امکانات و توان مالی مورد نیاز را ندارد. مسئولان و نهادهایی هم که مسئولیت و وظیفه خطیر نشر و ترویج فرهنگ غنی وارزشمند ایثاروشهادت را برعهده دارند متأسفانه به ارزش این ابزارکاری واقف نیستند و تلاشی دراین زمینه نمی کنند.

به موضوعاتی از جمله جهاد اقتصادی، جنگ نرم و تحریم هم می پردازید؟

رسانه آئینه است، گوش و چشم و زبان است، شامه جامعه است و این حواس و ابزار ارتباطی برای تمام موارد مورد سوال کارایی دارد. مگر جنگ و جهاد یا دفاع بدون اخبار و اطلاعات امکان دارد؟ متناسب با همین مسئله توجه به این مسئله امری ضروری است!

اگر قرار باشد انتقادی به مسئولان دست اندرکار در بحث ترویج فرهنگ ایثار و شهادت داشته باشید، چه می گوید؟

مسئولان ترویج فرهنگ ایثار و شهادت یا موضوع و مقوله ای را که مسئولیتش را دارند نمی شناسند یا ترویج و تبلیغ را بلد نیستند و ابزار و راه های آن را نمی دانند و یا هر سه مورد و اینها مهم ترین انتقادات وارده به این مسئولان است.

تا کنون برای انجام مصاحبه و تهیه گزارش با مسئولان بنیاد شهید مشکل داشته اید؟

تا دلتان بخواهد. چون یا کاربلد نیستند و به ناحق به مسندی که برآند تکیه زده اند و می ترسند مورد سوال قرار بگیرند و یا اعتقادی به پاسخگویی ندارند. و درکل اهل ارتباط با مخدومان خود نیستند و با آنان فاصله دارند. نوعاً ارزش ابزاری چون رسانه را نمی فهمند و این امکان را بلا استفاده می گذارند. معمولاً مشاوران و روابط عمومی با سواد و فعال و کاردانی هم ندارند.

مهم ترین مشکل شما در تولید خبر و گزارش در حوزه ایثارگری ریشه در چه موردی دارد؟

امکانات مالی. نبود بودجه و امکانات کافی کار را به طرف سطحی بودن سوق میدهد یا باعث می شود رسانه ها برای سرپا ماندن زیربلیط دیگران بروند و خود را وامدار کنند و به همین خاطر دست به عصا و محافظه کار و یا مغرض و جانبدار شوند.

تا کنون در خواست مصاحبه با رئیس یا مدیران بنیاد شهید داشته اید؟ بله و معمولاً هم به در بسته خورده ایم. اگر هم موفق شدیم گرفتار تبعات بعدی آن شده ایم. چرا که برداشت درستی از مصاحبه ندارند و تصویری کنند رسانه یک تربیون یکطرفه است.

ورود جانبازان به دیوان عدالت ممنوع!

هیات عمومی دیوان عدالت اداری با رفع یک مورد تعارض آرا اعلام کرد که رسیدگی به دعاوی جانبازان علیه سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران به خواسته الزام به پرداخت حق و حقوق معوقه در صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۱۶ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی است و دیوان در این پروندهها صرفاً بعد از اعتراض به آرای این کمیسیون صالح به رسیدگی است. بنابراین رسیدگی به این شکایات در ابتدا باید در کمیسیون ماده ۱۶ قانون پیش گفته طرح شود و در صورتی که تصمیم کمیسیون مورد اعتراض واقع شود، رسیدگی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. بنا به مراتب آرای شعبه ۲۷ دیوان عدالت اداری در حدی که مفید این معنی است صحیح و موافق قانون تشخیص می شود. این رای به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»





آنقدر بدگویی شده که مخاطبی نمانده

شهیدای اسلام: علی رضایی متولد سال ۱۳۶۶، یکی از مسئولان خبرگزاری دفاع مقدس است وی با بیان اینکه اغلب سایت های ایتارگری را رصد می کنند، گفت: ما گروهی برای رصد سایت ها داریم. معمولاً فارس، مهر، جوان، شرق، ایرنا، ایسنا و سایت های مختلف که کمتر دیده می شوند را رصد می کنیم. شخصاً وبلاگ هایی که در زمینه دفاع مقدس فعالیت می کنند را دنبال می کنم. وی با اشاره به اینکه اغلب رسانه ها خاطره محور عمل می کنند، گفت: هیچ کدام، اغلب رسانه ها به دنبال بیان خاطرات در این حوزه هستند و از مسائلی که دغدغه جانبازان است، غافل شده اند. رضایی در پاسخ به این سوال که چه حوزه هایی برای خبرگزاری های دفاع مقدس باید باشد که اکنون نیست، افزود: ما همه ی حوزه ها را پوشش می دهیم و به نظر من به تاریخ شفاهی در انقلاب و در دفاع مقدس پرداخته نشده است. سردبیر خبرگزاری دفاع مقدس در خصوص اهداف ایجاد این خبرگزاری اظهار داشت: ما برای زدن حرف های جدید آمده ایم. برای گفتن مطالبی که همیشه خط قرمز آقایان بوده، نه خط قرمز نظام فعالیت می کنیم. رضایی درباره میزان تولیدات خبری این خبرگزاری گفت: در روز بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ خبر تولیدی داریم. وی با اشاره به مشکلات موجود در تهیه خبرهای دفاع مقدس، گفت: یک مجموعه ای اینجا آمده اند و در زمینه دفاع مقدس کار می کنند که تمام این مجموعه از جمله خود بنده جوان هستیم و در آن دوره جنگ نبوده ایم. خود من یک سالم بود که جنگ تمام شد اما برای آرمان ها و مطالبه گری خودم در این حوزه کار می کنم. ورود به حوزه ی دفاع مقدس، ورود به مکانی است که آنقدر در موردش بدگویی شده است که مخاطب دیگر نمی خواهد به این حوزه وارد شود. مخاطبی که به دنبال تصاویر سرگرم کننده در سایت ها است. وی ادامه داد: کم و کاستی قطعاً وجود دارد و من از همین جا از تمام مخاطبان دفاع مقدس که به دنبال حرکت جدیدی در حوزه دفاع مقدس بوده اند، عذرخواهی می کنم و این عذرخواهی فقط از جانب شخص خودم است که نتوانستم به نحو شایسته و درستی مدیریت کنم. رضایی درباره انتقاداتی که به این خبرگزاری وارد است، گفت: باید دید که چه انتظاری از خبرگزاری دفاع مقدس داریم؟ ما در حال حاضر به ۳۰ درصد ظرفیت خبرگزاری دفاع مقدس هم نرسیده ایم، چون آواز دُهل از دور خوش است.

شهیدای اسلام: ناصر ملایی سردبیر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در پاسخ به این سوال که کدام رسانه ها را در حوزه دفاع مقدس قوی می دانید و هر روز آنها را رصد می کنید، گفت: در حال حاضر خبرگزاری دفاع مقدس و بعد خبرگزاری های فارس، ایسنا، ایرنا و روزنامه های مختلف از جمله روزنامه تابناک، قدس، خراسان و یک تعداد سایت های اطلاع رسانی و وبلاگ هایی که در زمینه دفاع مقدس کار می کنند. وی در خصوص پرداختن به موضوعاتی از جمله جنگ نرم و جهاد اقتصادی، گفت: در حال حاضر جنگ های نوین در حوزه های مختلف مطرح هست و به همین جهت پرداختن به چنین حوزه های سختی های خاص خودش را دارد و ما این مسائل را مطرح می کنیم و از رزمندگان ما کمک می گیریم تا در مقابل جنگ نرم مقاومت کنیم. هم اکنون ما به سراغ رزمندگان ما می رویم و با آنها که در زمان جنگ با وجود مشکلات فراوان مقاومت کردند مصاحبه می کنیم، آنها در آن زمان جنگیدند و وظیفه ما است که الان مقاومت کنیم. سردبیر حوزه دفاع مقدس خبرگزاری ایسنا افزود: در حال حاضر دشمن در پی ضربه زدن به ما است، چون تنها کشوری که در مقابل آمریکا ایستاد و به آمریکا جواب (نه) داد کشور ما بود.

موازی کاری در حوزه ایتارگری

وی با انتقاد از برخی از مسئولان حوزه ایتارگری، اظهار داشت: در ابتدا باید انتقاد را دسته بندی کرد. در زمان جنگ یک قرارگاه فرماندهی تعدادی لشکر را به عهده داشت و کارها به نحو احسن انجام می گرفت و در حال حاضر چرا ما نمی توانیم قرارگاه های فرهنگی تشکیل بدهیم و در این قرارگاه ها به انجام فعالیتی منسجم بپردازیم. هم اکنون کارهای فرهنگی بسیار زیادی در موازات یکدیگر صورت می گیرد. وی افزود: چرا ما این سازمان هایی که کارهای موازی انجام می دهند را با هم جمع نمی کنیم تا سازماندهی شده به فعالیت بپردازند و بازخورد آنها را بتوان ارزیابی کرد.

به عقیده من تا زمانی که بخواهیم موازی کاری کنیم به نتیجه ای نمی رسیم. ملایی با تاکید بر اینکه باید در زمینه دفاع مقدس فعالیتهای بی شماری انجام دهیم، گفت: باید از خودمان این سوال را پرسیم که آیا همه ی ما واقعاً در مقابل دفاع مقدس وظیفه ی خود را درست انجام می دهیم؟ من این سوال را در ابتدا از خودم به عنوان یک فرد فعال در زمینه رسانه می پرسم و این انتقاد را به خودم وارد می دانم. وی افزود: همه می دانیم که در زمینه دفاع مقدس باید فعالیت کنیم اما نمی دانیم چگونه این کار را انجام دهیم که به نتیجه خوبی برسیم.

به خبرنگاران دفاع مقدس اعتماد ندارند

سردبیر حوزه دفاع مقدس ایسنا در پاسخ به این سوال که چند بار درخواست مصاحبه با مسئولان بنیاد شهید را داشته اید، گفت: با معاونت ها مصاحبه داشته ام اما با رئیس و مدیران مصاحبه انجام نداده ام. وی در خصوص مشکلات و موانع این مصاحبه ها گفت: خبری درباره جانباز داشتیم، خبرنگار مصاحبه را انجام داد اما بعد از او خواسته شده که باید ما خبر را بررسی کنیم بعد چاپ شود و گرنه مشکل برایتان پیش می آید. وقتی این صحبت می شود یعنی یا به خبرنگار اعتماد ندارند یا کاری که این جا انجام می شود غیرقانونی است. این برخوردها در حوزه رسانه را نمی پسندم.

سوریه برنده میدان شد



۲۹ آوریل به عنوان روز جهانی مصدومان شیمیایی نامگذاری شده تا جهانیان هیچگاه خاطرات دردناک و آثار به جا مانده از بمباران شیمیایی کشورهای جنگ طلب را فراموش نکنند. در این میان همچنان در زراتخانه‌های آمریکا برای کشتار ۱۴ میلیارد انسان بمبهای شیمیایی ذخیره شده و سردمداران این کشور برخلاف تعهدات بین المللی اقدامی برای انهدام بمبها انجام نداده‌اند. حدود ۷ سالی است که روز ۲۹ آوریل به عنوان روز جهانی مصدومان شیمیایی نامگذاری شده است. روزی که باید دنیا به یاد آورد استفاده از سلاحهای کشتار جمعی چه اقدام غیرانسانی بوده و چه خسارتهای جبران ناپذیری به بار آورده است.

نخستین بار نام عوامل شیمیایی در جنگ جهانی اول شنیده شد. جنگی که تنها یک میلیون و ۵۰۰ هزار انسان بر اثر استفاده از بمبهای شیمیایی مصدوم شده و ۱۲۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند. پس از آن در جنگ جهانی دوم از این نوع بمبها استفاده نشد ولی در جنگ ویتنام در سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ آمریکا، هزاران بمب شیمیایی دوکسین با نام عامل نارنجی بر سر شهروندان ویتنامی ریخت که در نتیجه آن ۲۵ درصد ویتنامی‌ها معلول و ۱۲ هزار زن ویتنامی نازا شدند. بر اساس این گزارش، پس از این حادثه ایتالیایی‌ها و فرانسوی‌ها بر علیه مراکش از بمبهای شیمیایی استفاده کردند که ۵۰ هزار کشته و مجروح به همراه داشت. در این میان استفاده سلاحهای شیمیایی توسط مصر بر علیه یمن و شوروی سابق بر علیه افغانستان در تاریخ ثبت شده است. حتی انگلیس هم بر سر قیابیل خود بمب شیمیایی ریخت. ولی با این حال در فاصله دو جنگ جهانی به واسطه اثرات وحشتناک سلاحهای شیمیایی در جنگ جهانی اول، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو منعقد شد. در این پروتکل بر ممنوعیت استفاده از گازهای سمی و خفه کننده در جنگها تاکید شده است. سردار محمد باقر نیکخواه فرمانده «ش م ه» سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس می گوید: در کنوانسیون ۱۹۲۵ تنها ۴۰ کشور متعهد شدند تا از سلاحهای شیمیایی استفاده نکنند ولی در این پروتکل نامی از منع تولید و انبار کردن سلاحهای شیمیایی برده نشد تا اینکه در سالهای ۱۹۴۲ و ۱۹۷۷ تعداد ۶ پروتکل دیگر به این کنوانسیون اضافه شد و در سال ۱۹۹۳ در شهر پاریس با توافق ۱۰۸ کشور، نواقص برطرف و مصوب شد گروهی نظارتی بر اجرای پروتکلها تشکیل و ممنوعیت استفاده و

انباشت و تولید سلاحهای شیمیایی لحاظ شود. اسعد اردلان کارشناس حقوقی و پژوهشگر سلاح های شیمیایی می گوید: تقریبا تا سال ۸۹ به جز ۷ دولت، همه کشورها عضو کنوانسیون بودند ولی عراق عضو نبود، اما بعدها به عنوان ناظر وارد شد و هم اکنون کشورهای آنگولا، کره شمالی، مصر، سومالی و سوریه عضو کنوانسیون نیستند. حالا موضوع استفاده از سلاح های شیمیایی در سوریه مطرح شده است. کشوری که در این سالها پرتکل را امضا نکرده بود. فشار اسد رئیس جمهوری سوریه اعلام کرد که دمشق با نظارت بین المللی بر سلاح های شیمیایی کشورش موافقت کرده است و این اقدام به خاطر ترس از تهدیدات آمریکا صورت نگرفت بلکه در راستای موافقت با پیشنهاد روسیه انجام شد. حالا خبر از امضای پروتکل آمده است. به راستی آیا بهتر نبود سوریه سالها قبل به فکر امضای این پروتکل می افتاد تا قربانیان کمتری اسیر گازهای سمی و شیمیایی شوند؟

حبیبی کارشناس مسائل خاورمیانه در گفتگو با مجله شهدای اسلام می گوید: هر چند اقدام سوریه بسیار دیر بوده است ولی این اقدام ضربه محکمی برای آمریکا بوده است. آمریکایی‌ها به دنبال پارگیری هستند و حتی سعی دارند همسایگان سوریه را با خود همراه کنند. اینکه گفته می شود موازنه اتمی و شیمیایی باید میان اسرائیل و سوریه متعادل شود اصلا درست نیست زیرا ضراتخانه های اسرائیل بسیار قوی هستند و سوریه این امکانات را ندارد. اسرائیلی‌ها بر این باورند که سوریه چه به متوانسیون پیوندد و یا نه در کل تهدید است چرا که سیاست سوریه به عنوان همسایه اسرائیل ضد غربی و ضد آمریکایی است. دکتر جهانگیرزاده عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هم در گفتگو با مجله شهدای اسلام می گوید: پیوستن سوریه به OPCW به نوعی پیروزی است. غربی‌ها تمام اقدامات را بر علیه سوریه انجام دادند. در این اواخر دنبال فضا بودند و پیوستن سوریه به پیمان منع گسترش سلاح های شیمیایی بسیاری از نقشه های غرب را نقش بر آب کرد.

تاریخچه تشکیل بنیاد شهید و امور ایثارگران

بنیاد شهید و امور ایثارگران بنیادی دولتی در ایران است که مسئولیت رسیدگی به امور ایثارگران و خانواده های شهدا را بر عهده دارد. این نهاد دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن طبق مقررات و قوانین مربوطه به نهادهای عمومی غیر دولتی و در چهارچوب اساسنامه مصوبه و آیین نامه های مربوط زیر نظر رئیس جمهور و نظارت عالیه مقام معظم رهبری اداره می شود. ریاست بنیاد با حکم رهبری، در مقام نماینده ولی فقیه و با حکم ریاست جمهوری در مقام رئیس بنیاد به مدت ۴ سال منصوب می شود. احیا، حفظ و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت طلبی، زنده نگه داشتن یاد شهیدان و حفظ آثار آنان، تجلیل و





مرگ صلیب سرخ در دوران جنگ

هدف از تشکیل اغلب سازمان های بین المللی کمک به زندگی بهتر برای انسانهاست بدون غرض ورزی و جهت گیری های سیاسی و فرهنگی و نژادی. جنگ به عنوان مخرب ترین پدیده انسانی که منجر به کشته شدن بسیاری از نظامیان و غیر نظامیان هر دو طرف متخاصم می شود جزو پرحادثه ترین وقایع در به خطر انداختن صلح و آرامش جهانی است و باعث از بین رفتن حقوق اولیه ی انسان ها. کشته شدن انسان های بی گناه از زن و کودک تا نظامیانی که با شروع جنگ وارد معرکه درگیرها میشوند و منجر به کشته و زخمی و یا اسیر شدن این افراد می گردد. سازمان های بین المللی با سر دادن داعیه صلح و دفاع از حقوق اولیه انسان ها گاه در لباس صلیب سرخ و گاه با نام سازمان ملل مدافع مردم بی گناه هستند و وای به روزی که این داعیه داران حق خود به عنوان ستون پنجم شروع کنندگان جنگ و حامیان آنها نه تنها برای حفظ امنیت جهانی نکوشند بلکه در جهت عکس آن فعالیت کنند.

سازمان صلیب سرخ در سالهای دفاع مقدس و بعد از آن نیز به عنوان سازمانی بین المللی اگرچه در راستای رسالت خود اقداماتی انجام داد ولی این اقدامات یا آنقدر ناچیز و کوچک بود که به چشم نیامد و یا تاثیری در روند درگیری ها نداشته.

سازمانی که با هدف کمک بی طرفانه به مجروحان جنگی شکل گرفت و با پشتوانه بین المللی محافظ جان و سلامتی انسان ها شد. پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ سرنوشت اسرای ایرانی در بند رژیم بعث عراق و مجروحان شیمیایی بازمانده از جنگ مورد پیگیری سازمان صلیب سرخ قرار گرفت. برابر قانون ژنو نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ از بیمارستان ها و اردوگاه ها و زندانهایی که ممکن است اسرا در آن نگهداری شوند بازدید می کنند تا شرایط فیزیکی و روانشناختی بازداشتنگاه ها و امداد به اسیران و یازداشت شدگان و برقرار ارتباط بین اسرا و خانواده آنان را پیگیری کنند. اما شرایط بسیار بد اردوگاه های عراق با اندک توجه نمایندگان صلیب سرخ و وجود شکنجه های روحی و جسمی نظامیان عراق دردی را دوا نکرد.

در زیر خاطره ای را از حضور نمایندگان صلیب سرخ در اردوگاه های عراق را میخوانیم: یکی از صلیبی ها که به زبان فارسی تسلط داشت ، شروع به سخنرانی و تعریف و تمجید از سازمان صلیب سرخ و نیروهای صلیبی کرد .

او می گفت: سازمان صلیب سرخ یک سازمان مستقل و بین المللی است که از هیچ قدرتی نمی ترسد و همان طور که خودتان شاهد بودید ، از حقوق شما در همه موارد دفاع کرد.

ذکر این تعریف و تمجید های دروغی از سازمانی که در تمام طول اسارت همیشه از عباراتی نظیر « از دست ما کاری ساخته نیست » ، « ما فقط پستی هستیم » و « نگران نباشید » تحویلیمان می دادند ، برایم بسیار تعجب آور بود و خونم را به جوش می آورد. این بود که ناگهان بلند شدم و فریاد زدم : شما همه حرفهایتان دروغ است.

او وحشت زده گفت: چرا این حرف را می زنی؟

گفتم: مگر شما شرایط سخت زندگی ما در اردوگاه را در طی این مدت نمی دیدید؟ مگر شما شاهد برخورد وحشیانه و شکنجه های جسمی و روحی عراقیها در در اردوگاهها با ما نبودید؟ مسئولیت شما در این موارد چه بود؟ در طول این دوران سخت و مرارت بار، شما به حکم وظیفه خود برای بهبود وضعیت ما چه کردید؟

نماینده صلیب سرخ که نگران و مضطرب به نظر می رسید، چند دقیقه ای مکث کرد و گفت: عیب ندارد! ایران کشوری خوب و با صفاست، شما برمی گردید به آغوش خانواده تان و پس از مدتی نیز همه چیز از یادتان می رود! همه برادران از این جواب ابلهانه نماینده یک سازمان جهانی خندیدند.

در گفت و گو با نماینده جنبش امل در تهران: شارون عامل اصلی کشتار صبرا و شتیلا



نماینده جنبش امل در تهران با اشاره به محاکمه عاملان این جنایت گفت: در شرایط آن موقع لبنان حاکمی برای قضاوت در مورد جنایاتکاران این حادثه وجود نداشت. اسرائیل و شارون عامل این جنایت بودند و نیروهایی که در این جرم شرکت داشتند شناخته شده بودند ولی محاکمه نشدند. عادل عون نماینده جنبش امل در تهران در گفت و گو با خبرنگار مجله شهدای اسلام در رابطه با سالروز کشتار صبرا و شتیلا در لبنان گفت: با ورود نیروهای اسرائیلی و به پایان رسیدن ریاست جمهوری الیاس سرکش رئیس جمهوری جدیدی برای لبنان انتخاب شد که بشیر جمیل بود. بشیر جمیل احزاب راستی لبنان محسوب می شد و احزاب راستی در لبنان به نوعی با اسرائیل همکاری داشتند یعنی در ورود اسرائیل به لبنان کمک کردند و نیز در خارج کردن فلسطینیان از لبنان با اسرائیل همکاری داشتند.

عادل عون ادامه داد: صبح روز سوگند رئیس جمهور بمب گذاری شده و بشیر جمیل کشته می شود وی در آن موقع هم رئیس حزب کتائب بود و هم به عنوان رئیس جمهوری منتخب لبنان انتخاب شده بود پس از این اتفاق حزب مسیحی فالانژ با کمک آریل شارون و بعضی از مسیحیان طرفدار بشیر جمیل برای خون خواهی از قتل بشیر جمیل به همراه نیروهای اسرائیلی به اردوگاه صبرا و شتیلا حمله کردند. وی افزود: در اردوگاه صبرا و شتیلا فلسطینی ها و لبنانی های زیادی ساکن بودند که زنان و پیر و جوان و صدها کودک را شامل میشد و نیمی از آنان را لبنانی ها و نصف دیگر را فلسطینی ها تشکیل می دادند. ولی اردوگاه صبرا شتیلا به اردوگاه فلسطینیان معروف بود و این قتل عام یکی از بزرگترین کشتار های صهیونیستی ها و حزب کتائب با کمک نیروهای اسرائیلی در صبرا و شتیلا بود. نماینده جنبش امل در تهران با اشاره به محاکمه عاملان این جنایت گفت: در شرایط آن موقع لبنان حاکمی برای قضاوت در مورد جنایاتکاران این حادثه وجود نداشت. اسرائیل و شارون عامل این جنایت بودند و نیروهایی که در این جرم شرکت داشتند شناخته شده بودند ولی محاکمه نشدند. آنچه از منظر سازمان ملل متحد و امریکا و دوستانش در مورد این واقعه نشان داده شد با نگاه درستی سنجیده نشده بود. کشتار صبرا و شتیلا با تدبیر و سیاست های امریکا و اسرائیل و برخی از لبنانی هایی انجام شد که به نیروهای اسرائیلی کمک کردند.

تکریم از خانواده های معظم شهیدان، جدیت در امور فرهنگی خانواده های شاهد، خود اتکایی و قانونمند کردن ارائه خدمات به آنان، و بسیج امکانات نظام به منظور پراکندن عطر ملکوتی شهادت در جامعه، محور فعالیت های این نهاد مقدس است. البته سابقه اولیه این نهاد به دوران آغاز قیام امام خمینی به سال ۱۳۴۲، باز می گردد. بعد از قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ گروهی از روحانیون انقلابی و مبارز و افراد نیکوکار به دستور امام خمینی مأموریت یافتند تا به خانواده های شهدا رسیدگی کنند، که این کار در طول سال های مقاومت و مبارزه ادامه یافت و در سال های ۵۷-۱۳۵۶، دامنه وسیع تری پیدا کرد. بعد از پیروزی انقلاب در ۲۲ اسفند ۵۸ برای سامان دادن بیشتر به امور شهدا و خانواده های آنان، با فرمان امام (ره) بنیاد آغاز به کار کرد که با آغاز جنگ تحمیلی و بیشتر شدن تعداد شهیدان، وظیفه و تکلیف بنیاد شهید سنگین تر شد. امام خمینی (ره) در این فرمان به رئیس وقت تاکید می کنند: ابتدا لازم است سازمانی به سرپرستی جناب عالی و هیأتی از معتمدین متدین و آگاه و آشنا بدین گونه امور، برای این مقصد مهم تأسیس شود که با اجرای طرح های مفید آن، ملت و دولت انقلابی دین خود را در مقابل این گروه فداکار در راه انقلاب اسلامی ادا نماید. دام دولتی اولویت قرار داشته باشند و آنان که قدرت خدمت دارند به استخدام دولت در آیند.



آقای رئیس

۱۰ قفل بسته بنیاد شهید!

امروز قفل هایی را در ساختمان بنیاد شهید به دست شما داده اند که پیش از هر اقدامی بهتر است خوب از جنس این قفل ها آگاه شوید تا به راحتی بازشان کنید. پس از گذشت ۱ ماه از کش و قوس در خصوص انتخاب ریاست بنیاد شهید و امور ایثارگران سرانجام حجت الاسلام شهیدی، در پی حکمی از طرف رئیس جمهور برای ریاست صندلی داغ بنیاد انتخاب شد. حجت الاسلام شهیدی محلاتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اعضای مؤسس سپاه بود و همچنین مدتی رئیس عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس سوم بوده است. با خداحافظی زریبافان از بنیاد رسماً کلید درب های قفل شده توسط مدیریت قبلی به دست شهیدی رسید، باید دید آیا وی می تواند امید از دست رفته تمام ایثارگران و آزاده ها؛ علی الخصوص جانبازان را به آنها برگرداند یا خیر؟

زریبافان که در این مدت ۴ ساله برای همه اعضای باقی مانده از جنگ هشت ساله دفاع مقدس کم گذاشت و دل بسیاری از جانبازان با اقدامات او خون شد اما حالا نوبت به ریاست جدید بنیاد رسیده که شاید او برخلاف زریبافان عمل کند و هدف اصلی اش در امتداد این ریاست تنها حفظ ارزش و مقام جانبازان و آزاده ها و رسیدگی به آنها باشد. اما خطاب من به حجت الاسلام شهیدی: من که خبرنگار حوزه ایثار و شهادت بوده ام از نزدیک در تجمعات آزاده ها و جانبازان به خاطر عدم پرداخت معوقاتشان حضور داشته و تک تک مشکلات آنها را از نزدیک لمس کرده ام. در طی این مدت ۳۳ ساله و از آغاز جنگ شاهد اقدامات بسیار خوبی برای مشکلات به وجود آمده برای آنها بودیم و رضایت نسبی از سوی جانبازان و ایثارگران برقرار بود اما با گذشت زمان به خصوص در ۴ سال اخیر به شدت این قضیه کمرنگ شد تا جایی که امروز قفل هایی را در ساختمان بنیاد شهید به دست شما داده اند که پیش از هر اقدامی بهتر است خوب از جنس این قفل ها آگاه شوید تا به راحتی بازشان کنید.



حکم شهیدی برای ۷ معاون بنیاد شهید

بعد از انتصاب حجت الاسلام شهیدی به سمت ریاست بنیادی با نام شهید قفل های زیادی پیش رو بود که وی را به تسریع در حرکت وا داشت. گام اول شهیدی که آنگونه که از ظواهر امر و اطرافیان شهیدی شنیده می شد پرداخت معوقات ایثارگران بود که به عنوان اولین برنامه کاری خود در بنیاد شهید برگزیده است. هر چند این اقدام پستدیده است اما باید منتظر ماند و دید آیا به درستی جامه عمل پوشانده خواهد شد یا خیر؟! گام دوم شهیدی در بنیاد شهید حل موضوعی با نام تحقیق و تفحص از بنیاد شهید بود که در این راستا شهیدی با تشکیل نشست مشترک با طراح اصلی این طرح یعنی امیر خجسته نماینده مردم همدان در مجلس شورای اسلامی



قفل اول: مدیران و کارکنان

قفل اول بنیاد شامل مدیرانی می شود که نامشان را هر چه بگذارید مدیر لایق نمی توان دانست چرا که از بی حرمتی کردن به خانواده های شهدا بگریزد تا درگیری های فیزیکی با جانبازان کم نگذاشته اند.

قفل دوم: اختلاس (جابجایی مالی)

می گویند گناه بد است اما اصرار بر گناه معصیتش بیشتر است و توجیه آن از همه بدتر. در ابتدا که نام اختلاس را از بنیاد شهید شنیدیم آنچنان قبحی داشت که در کنار نام مقدس بنیاد شهید و امور ایثارگران برای هیچ کس قابل هضم نبود. اما در بدنه مدیریتی بنیاد نه تنها کسی متخلف را آنگونه که باید بازخواست نکرد و پرده از صورت ننگین سارق حقوق خانواده شهدا برداشته بلکه برای اولین بار در تاریخ نام اختلاس به عنوان جابجایی مالی تغییر پیدا کرد و جرم به آن بزرگی در یک بازی کودکانه با کلمات تغییر یافت.

قفل سوم: درمان جانبازان

این قفل یکی از مهمترین قفل های بنیاد شهید است. مشکلات درمانی جانبازان را بهتر است اینگونه شرح دهم که روشن شود: اولاً: هزینه درمانی به جانبازانی که باید پرداخت شود یا پرداخت نمی شود یا مجبور به مصرف داروی ایرانی می شوند و یا اجبار به استفاده از یک داروی خاص. ثانیاً: در برخی موارد بعد از گذشت زمان و کپولت سن، جانبازانی که نیاز به مصرف دارو نداشتند هم اکنون به لحاظ جسمی بدشان توان و تحمل درد را نداشته و به جرگه جانبازانی نیازمند به دارو می پیوندند که این قشر یکی از مهمترین اقشار دچار مشکل با بنیاد شهید می باشند چرا که بنیاد زیر بار مسئولیت تامین داروی ایشان نمی رود. ثالثاً: یکی دیگر از معضلاتی که اخیراً پرده برداری شده است ارجاع جانبازان به مراکز ترک اعتیاد جهت تهیه داروی متادون که تقریباً همه جانبازان به آن نیاز دارند که بهتر است به دلیل فاجعه بودن این مسئله توضیحی در این خصوص داده نشود.

قفل چهارم: درصد جانبازی

این قفل در بنیاد شهید اصولاً قفل خطرناکی است البته برای اهالی رسانه و جانبازان چرا که در صورت اعتراض جانباز به درصد جانبازیش امکان مفقود شدن همیشگی پرونده و یا قطع ناگهانی حقوق وجود دارد و در مورد رسانه ها هم تهدید، ضرب و جرح و نهایتاً خانه امنی به نام دادسرای فرهنگ و رسانه پیش روی ایشان است. ریاست قبلی بنیاد شهید اصرار داشت تا اعلام کند که همه قوانین به کمیسیون پزشکی بنیاد شهید منوط می شود و اگر پزشک دیگری ادعایی در مورد جانبازی و یا شیمیایی بودن کسی داشته باشد بلا شک پول گرفته تا این نظر را اعلام کند. به هر حال با توجه به اینکه این قفل بسیار خطرناک است صرفاً خلاصه ای از وضعیتش را بیان کردم.

قفل پنجم: آسایشگاه جانبازان

سال گذشته یک قفل شاید بتوان گفت اسرائیلی ایجاد شد که به اسم ساخت مرکز توانبخشی جانبازان از هر گونه اقدامی علیه جانبازان از کتک زدن، بی حرمتی کردن، بیرون انداختن، سرقت اموال شخصی حتی لباس جانبازان، قطع پرستار جانباز نخاعی، قطع پزشک، و ... کوتاهی صورت نگرفت تا

جایی که پدیده ای به نام سونامی در آسایشگاه بقیه الله تهران شکل گرفت. به هر حال اگر سری به آسایشگاههای تهران بزنید جانبازان حرفهای شنیدنی بسیاری دارند.

قفل ششم: پرداخت معوقات آزادگان

این قفل را شنیده ام خودتان در سر لیست برنامه ها قرار داده اید. فقط باید تاکید کرد که آزاده ها از پس تجمع گذاشته اند دیگر خسته شده اند. از پس سوژه بیگانگان شده اند کلافه شده اند. هم از دولت ناامید شده اند هم از مجلس. حالا اگر شما می توانید کاری برای ایشان کنید.... بسم الله

قفل هفتم: کمبود بودجه

ما نمی دانیم با پارادوکس ها چه کنیم. یک بار می گویند بودجه بنیاد شهید ۶ برابر شده است یک بار می گویند با مشکل بودجه روبه رو هستیم و همین منجر به قطع حقوق جانبازان شده است. خب اگر بودجه ندارید چطور یک هفته نامه وزن! هر هفته در تیراژ بسیار بالا منتشر می شود؟! به هر حال دارندگی برازندگی است!!! اگر بودجه هست چرا حقوق جانبازان را پرداخت نمی کنید؟

قفل هشتم: ساماندهی گلزار شهدا

هر وقت در مورد این قفل صحبت می شود یاد مادر شهیدی می افتم که می گفت من راضی نیستم قبر بچه ام را دست بزنند. پس فقط باید گفت بشکند دست آن کسی که فکر می کند مردم نمی فهمند و گلزار شهدا را تبدیل به تفرجگاه کرده و با پارک چیتگر اشتباه گرفته است. بشکند دست آن کسانی که حجله های شهدا را می شکنند و یادگاری های ایشان را به سرقت می برند تا مادر شهید را راضی به برداشتن حجله شهیدش کنند و ذره ذره همان ساماندهی مد نظرشان را انجام دهند. به ساماندهی که می رسید دیگر انگیزه ای برای بیان قفل های دیگر نیست البته در این مقاله هم نمی گنجد که همه قفل ها بر شمریم.

قفل نهم: عدم تعامل با رسانه ها

مسعود زریبافان مدیر اسبق بنیاد شهید با تعطیلی رسانه های ایثارگری در بنیاد شهید نخستین زهر خود را به اهالی رسانه ریخت و در مدت مسئولیت خود هیچگاه نشست خبری برگزار نکرد و هیچ وقت مصاحبه مشروح با خبرنگاران خبرگزاری ها و روزنامه ها نداشت و رسماً بنیاد شهید به عنوان سازمانی بدون پاسخگویی و مبهم عنوان شد که باید این تابو شکسته شود.

قفل دهم: بهداشت و درمان ایثارگران

رسیدگی به وضعیت سلامت ایثارگران در سالهای اخیر دستخوش تغییراتی نامیمون بوده است. از داروهای چینی و هندی تا مشکل بیمارستانها و نبود پزشک متخصص در شهرستانها و استانها بوده است. در این میان بازار داغ خرید و فروش ویلچر تا داروهایی که شامل بیمه نمی شوند را هم باید اضافه کرد. فقط باید گفت که برادر بزرگوار حجت السلام شهیدی این موارد تنها بلا و مشکلاتی بود که در این چند سال خانواده های شهدا، ایثارگران و جانبازان با آن دسته پنجه نرم کرده اند که حالا امیدشان به کلید های در دست شماس است که بتواند تمام مشکلات را حل کند و عزت و مقام این عزیزان را دوباره به جامعه برگرداند هر چند توصیه ما به شما این است که شاه کلید با خود به همراه داشته باشید.

برنامه خود را جامه عمل پوشانید. این اقدام هر چند در ظاهر امر نتایج مثبتی داشته است اما باید اندیشید که چگونه روابط مجلس و بنیاد شهید در این جلسه چند ساعته بهبود می یابد. نتیجه این جلسه هر چه بود انتصاب معاونت پارلمانی جدید بنیاد در آن قابل توجه بوده است. در این راستا حجت الاسلام دکتر فقیهی مامور برقراری ارتباط نزدیک شهیدی با نمایندگان مجلس شد. که باید منتظر بود که آیا این ارتباط نزدیک مابین بنیاد و مجلس به نفع جامعه ایثارگری و رفع مشکلاتشان خواهد شد یا خیر؟!

گام سوم شهیدی اما بسیار قابل تامل است. چرا که بدنه معاونان بنیاد شهید یکی از عوامل نارضایتی و کوتاهی های صورت گرفته در این چند سال بوده اند. اما حجت الاسلام شهیدی در اقدامی شاید عجولانه بیشترین معاونان سابق را در سمت خود ابقا نمود. هر چند در این میان برخی از معاونین مورد قبول جامعه ایثارگری هستند و در این چند سال خدمات ارزنده ای را به خانواده شهدا و جانبازان ارائه کرده اند اما برخی نیز در نگاه جامعه ایثارگری به گونه ای دیگر شناخته شده اند. بر اساس حکم حجت اسلام شهیدی، سردار محسن انصاری، قائم مقام بنیاد، حجت الاسلام سید حسن مودنی، معاون فرهنگی و امور اجتماعی، دکتر عبدالرضا عباسپور، معاون بهداشت و درمان، مهندس سید حسین هادیانی، معاون عمران و مسکن، محمد تقی شریعتی، معاون تعاون و امور اجتماعی، امیر شاه حسینی، مشاور و مدیرکل حوزه ریاست و حسین تقی پور مشاور امور اجتماعی در سمت هایشان ابقا شدند.



صبرا وشاتيلا..

أحد جوانبه وقدمائهم تنزلقان فوق كتل القذارة الإنسانية. وفقدت توازني عند القمة، فاستندت إلى عمود من الحجر المسود الناتج من الأرض. وسرعان ما تبين أنه ليس حجراً لأنه كان دافئاً ولزجاً ولصق بيدي. وعندما أمعنت النظر إليه وجدت أنه كوع إنسان مغروس في الأرض. يا لهول ما رأيت! وجدت نفسي ألقى بالكوع بذعر وهلع وأنفض لحم الميت عن سروالي، وأفقرت الخطوات الأخيرة نحن قمّة الحاجز. لكن الرائحة كانت مرعبة. وفجأة رأيت تحت قدمي وجهها ينظر إلى وقد طار نصف فمه. وكان من الواضح أنه أصيب برصاصة أو طعن بسكين. أما النصف الثاني من فمه فكان يعجّ بالذباب. وحاولت أن أنظر إليه. ورأيت جنكيز وتفايت يقفان بعيداً بجانب بضع جثث تكومت أمام أحد الجدران. ولم أستطع أن أصرخ طالبا مساعدتهما خوفاً من أن أصاب بمرض إذا فتحت فمي.

مشيت على قمّة الحاجز، وأخذت أبحث كالبائس المستميت عن مكان أفقر منه إلى الجانب الآخر. لكن وجدت أنني كلما تقدمت خطوة، ارتفع التراب أمامي. وأخذ الحاجز كله يهتز اهتزازاً مخيفاً تحت قدمي. وعندما نظرت إلى الأسفل تبين لي أن الرمل لم يكن إلا غطاء رقيقاً وضع لإخفاء الوجوه والأطراف البشرية عن الأعين. وأضاف «دبلوماسي نروجي من زملاء أن - كارينا حضر بسيارته قبل بضع ساعات، وشاهد جرافة تحمل في مغرفتها الحديدية نحو اثنتي عشرة جثة تدلت منها الأذرع والأرجل. من الذي حفر الأرض بهذه المهارة؟ من الذي كان يسوق الجرافة؟ شيء واحد كنا متأكدين منه وهو أن الاسرائيليين يعرفون ما حدث، وأنهم شهدوا حدوثه، وأن حلفاءهم من الكتائبين ومسلحي سعد حداد أرسلوا إلى شاتيلا فاقتروا جريمة القتل الجماعية هذه.

إنه أظنّ عمل إرهابي في تاريخ الشرق الأوسط الحديث، وهو الأكبر حجماً وزمناً، وارتكبه أفراد يعرفون تمام المعرفة أنهم يذبحون أناساً أبرياء»، يقول فيسك.

شهادة مجرم: أحرقوا الأرض.. لا تتركوا أي شاهد حي

وبتاريخ ١٩٨٣/٢/١٤ نشرت مجلة «ديرشبيغل» الألمانية شهادة لأحد عناصر الميليشيات التي ارتكبت مجازر صبرا وشاتيلا تحت عنوان: «كل منكم متهم». يقول المجرم في شهادته «تقدمنا إلى المخيم حيث حصلنا على مساعدة الاسرائيليين الذين أناروا المنطقة بالقنابل المضئية لتحديد الصديق من العدو، مشاهد مروعة أخذت تظهر مدى مقدرة الفلسطينيين. بعض المسلحين اختبأوا خلف بعض الحمير في طريق ضيق شمال المخيم، ولسوء الحظ اضطروا لإطلاق النار على هذه الحيوانات المسكينة كي نستطيع قتل الفلسطينيين المختبئين خلفها. لقد تأذت مشاعري عند سماع صراخ هذه الحيوانات الجريحة (...). في الرابعة صباحاً عادت مجموعتنا إلى الشاحنات، يبدو حتى الآن أنه لم تستعمل سوى شاحنة واحدة، توجهنا للحدث لأخذ قسط من الراحة، وعند الفجر عدنا للمخيم.

مررنا بجثث متناثرة وأخرى مكومة بعضها مقتول بالرصاص والبعض الآخر مطعون بالحرايب. كلهم شهداء. ماذا نستطيع أن نفعل عدا ذلك لقتل المزيد؟ ذلك حين بعد أن تكون قد قمت بمثل هذا العمل سابقاً.

الآن أول جرافة (بلدوزر) اسراييلية وصلت. «أحرقوا الأرض، لا تتركوا أي شاهد حي، اعملوا كل شيء بسرعة» هكذا كانت أوامر قادتنا.

لم يحاول أي زعيم عربي على مدى ٣٠ عاماً زيارة مقبرة جماعية تضم ٦٠٠ من أصل ١٧٠٠ فلسطيني

أما اليوم، فالأبلغ قولاً هو ما أشار إليه المؤرخ روبرت فيسك قبل عام في الذكرى الثلاثين لمجازر صبرا وشاتيلا من أن «رؤساء دول وحكومات يصطفون في مانهاتن لتأبين ضحايا أحداث ١١ سبتمبر، في حين لم يتجرأ زعيم غربي على زيارة القبور الجماعية التي تغطيها أشجار قذرة وصور باهتة للضحايا في صبرا وشاتيلا. كما أنه لم يحاول أي زعيم عربي على مدى ٣٠ عاماً زيارة مقبرة جماعية تضم ٦٠٠ من أصل ١٧٠٠ فلسطيني».

في ١٦ سبتمبر من العام ١٩٨٢ كان الفلسطينيون يعيشون محتشمين الثانية بعد التهجير واغتصاب الأرض. في لبنان.. طرق الارهابيون أبواب المخيمات.. فكانت النتيجة عشرات الشهداء والجرحى في صبرا وشاتيلا.

وبعد واحد وثلاثين عاماً تستمر الذكرى حيّة في ضمير الأمة.. وجرحاً نازفاً في جسد المخيمات الفلسطينية في لبنان.

الصحافة العالمية تؤرّخ للمجزرة

مجزرة «أيلول الأسود» أرّخت لها الصحافة العالمية في حينه، فكتب مراسل هيئة الإذاعة البريطانية بوب جافز قائلاً: «حين وصلنا إلى المخيم صباح اليوم رأينا عشرات النساء الخائفات يركضن فراراً، وقلن لنا: ان رجلاً من الميليشيات عادوا إلى المخيم. وما زالت عشرات الجثث مطروحة حيث سقطت يوم الجمعة أو السبت حين دخل المسلحون المخيم، وقتل البعض وهم يحاولون الفرار. آخرون أمام الجدران أعدموا بلا رحمة، واقترع المسلحون بيوتاً، وحصدوا عائلات بأكملها وهم يتناولون العشاء أو يشاهدون التلفزيون.

ولا وجه لمناقشة الأعداد حتى بالتقديرات التقريبية. فكل زيارة تكشف عن حارة جديدة غاصّة بالجثث أو عن بيت غاص بالموتى. ولكن المشكلة الحقيقية هي ان رجال الميليشيات استخدموا بعد المجزرة جرافات ليزيلوا حطام المباني المتهمة فوق الجثث. وأجمع كل الموجودين في المخيم على أمرين، الأول ان المجزرة اقترعها رجال من ميليشيات سعد حداد المسيحية و«الكتائبين»، والفرقان حليفان وثيقان لإسرائيل، والثاني ان الجنود الاسرائيليين لم يحركوا ساكناً أو سمحوا باستمرار القتل».

في تقرير لمراسلها في بيروت سامي كينز، نقلت وكالة «فرانس برس» الصورة التالية عن المجزرة: «في منزل يقع في نهاية ممر ضيق غرفة مظلمة تفتersh أرضها مراتب تناثرت فوقها خمس جثث تلتصق بعضها ببعض لرجل وسيدة وصبيين وطفل رضيع اغتيلوا وهم نائمون. وتتوالى مشاهد الرعب في مخيم صبرا وشاتيلا للفلسطينيين حيث ألقيت في ممر آخر صغير خمس جثث تغطيها الدماء، وقد انتفخت وجوه الضحايا. لقد أعدموا ربما بالرصاص في غرفة قبل إلقاء جثثهم خارج المنزل ليتجمع الذباب فوقها ويا لها من بشاعة! لقد اقتحمت عناصر مسلحة المنازل، وإزاحت الجرافات السيارات وألقته على جدران المساكن، وتنتشر في بعض الساحات أعداد من الحمير والخيول النافقة، وفي المنازل أوان تمتلئ بالطعام موضوعة فوق الموائد. وفي أحد الشوارع اغتيلت عائلة حاولت الفرار مع أطفالها، ويتحرك طفل رضيع يرتدي فائلاً حمراء بين ذراعي والدته وهو ينظر هنا وهناك. وعلى مقربة من هذا المكان يمكن مشاهدة ركام من الجثث تناثرت بشكل مثير. وتحت إحدى عربات النقل جثث ١٥ من الشباب يبدو انه تم جمعهم هنا قبل قتلهم. لقد تحطمت رؤوسهم، وشوهت وجوههم بطلقات الرصاص.

وعلى جانبي الطريق الرئيسي المؤدى من مخيم صبرا إلى مخيم شاتيلا تنتشر جثث القتلى ومن بينها جثث المسنين على الأرض، وقد اغتيل شيخ مسن بجانب عربة الصغيرة وقد ظلت قبلة منزوعة القليل تحت ساقه.

وفي مخيم شاتيلا الخالي تماماً من سكانه يحاول بعض الناجين من الرجال والنساء والأطفال حمل بعض حاجياتهم قبل ان يلودوا بالفرار. وتصرخ النساء وهن يشرن إلى جثث أعضاء أسرهن الذين قتلوا».

روبرت فيسك في كتابه «ويلات وطن»: إنه أظنّ عمل إرهابي في تاريخ الشرق الأوسط الحديث

وفي كتابه «ويلات وطن»، يصف الصحافي البريطاني روبرت فيسك المجزرة بالقول «كان هناك متراس عال مغطى بالرمل والتراب، ويرتفع نحو ١٢ قدماً. وكان من الواضح أن إحدى الجرافات أقامته قبل ساعات. وصعدت بصعوبة على

Tanks and military vehicles were all over the roads, and the soldiers watched the entire place. It was a crossing point where people waited for days to get «assent» to reach their towns or the capital. (Beirut

He got off his car and walked steadily to the investigation chamber. His eyes glowed with fury. The «Israeli» investigator examined his face and the photograph posted onto his identity card. In an ineptly accented language, the investigator asked

Once Upon a Time...There Was a Martyr



him whether he had been in Saudi Arabia. «Yes,» he briefly answered. That was enough to exclude his name from the list of «terrorists'». Having clinched his fist, he could hardly avoid punching the investigator in the face. He walked back to his car as soon as he was allowed to leave

The driver he sat beside didn't bother to stop speaking about politics, the current security situation, the high living cost, and anything that would eventually blame him for coming back to his homeland. How could one enjoying this golden chance waste it by returning to a country manipulated by war? But he kept quiet all the way, staring at the roads, most of which had been turned into mounds and checkpoints... Hardly could he breathe in any air... Even the tree leaves of the orchards along the seashore of Sour city (Tyr) ...resembled captives beyond bars

Could that be the South?! Was it the beautiful city of Sour any longer?! Then why did shell smoke mask away sunlight?! Where were the little yellow flowers sprouting all over the town?! And what about the wild flowers with the scent of earth which inspired souls?! Besides, where were the kids sneaking to the roads to play ball?! Behind which curtained window had freedom hidden

It was hard for the car to cross all of those roads. The situation was too throbbing; agony grew wilder ...every time he reached a new town

He reached his town, where he walked with his heavy suitcase in hand. While his family eagerly waited for him, he was anticipating the moment he would meet his father... For a while, he anticipated his father's eyes blaming him for returning home... He had been enjoying a productive job in Saudi Arabia, and his family did need such an income, especially in that harsh time of war. Actually, that war left no room for good but rooted ...poverty wherever the «Israeli» tanks went I could not stay there,» he said to his father»

n a soft voice, «It is hard to be away from home when occupation forces strike... Imagine that I needed «assent» to get home... But I promise you, dad, I promise I'm going to send those soldiers to hell...» His father patted his shoulder and held his arm tight, «I've ...been waiting for you

The smell of the bread his mother was baking at dawn woke him up. He prayed and went out to sit near her. He began to fuel the saj (traditional bread oven) fire with short wood sticks. The low ...crackle of fire pleased him, and the smell was so lively

When he met his friends, they said they were headed by His

Eminence Sheikh Ragheb Harb at every Friday prayers. His ...friends added the Sheikh's sermons overwhelmed the Zionists As his friends retold some of Sheikh Ragheb Harb's statements, he was impassioned... He adored the Sheikh even before seeing ?him... Wouldn't that be the case sometimes

Hardly could he wait for Friday... He got ready early and started the pickup, transporting fresh vegetables he would sell at his father's shop, just like every day. Two friends sat in the front, ...while the others sat at the back

Fast he set off to Jibshit... But wait a minute! He slowed down and got off his pickup truck, getting closer to a sign reading Hebrew «?letters... He looked at his friends, «What the heck is this

It's the town's name,» one of them said, «The enemy has replaced» the Arab signs with Hebrew ones so that the soldiers would find «...their way

Hearing so, he grabbed the sign pole and shook it forcefully until he uprooted it. Then he placed it in his pickup. Breathing out loud, he told his friend, «Well, we do not want the «Israeli» «...soldiers to find their way

All along the way, he kept getting off his pickup, uprooting signs, and placing them in the pickup trunk. Now the trunk was full of signs

Having reached Jibshit, he met Sheikh Ragheb Harb... It was one of the happiest moments of that dark-skinned young man's life. He heard the Sheikh saying, «Martyrs' blood is received by Allah, and whatever Allah receives grows plenty.» Now all he could see ...were daisies spread above martyrs' bodies

Every morning his pickup truck transported vegetables, under which were firearms that the Resistance fighters would be expecting to get... As he drove through «the Bus region», he could neither accept having to wait at the «Israeli» checkpoint nor seeing the headquarters of the «Israeli» military «governor»... Just like he uprooted the signs, he uprooted that headquarters... And his blood wrote the name of the southern towns, «Welcome to «...Deir Qanoun an-Nahr

This story «Keep in Mind, I'm an Arab» is dedicated to the Self-Sacrifice Martyrs' Prince Ahmad Jaafar Qasir

موسسه خیریه امام علی

www.emamali-charity.com

توانمند سازی مناطق محروم



شهر ماهنامه برای اسلام

درخواست اشتراک

نام: نام خانوادگی: کد ملی:
 تحصیلات: تلفن ثابت: تلفن همراه:
 استان: شهرستان: کد پستی:
 نشانی:

هزینه پست با نشریه است

اشتراک ۶ ماهه: ۱۲۰۰۰ تومان
 اشتراک ۱۲ ماهه: ۲۴۰۰۰ تومان



گروه مهندسی

نقش آریا

طراحی

نظارت

مشاوره رایگان

نقشه برداری

آزمایش خاک

۲۰٪ تخفیف
ویژه خانواده های شهدا
و ایثارگران

تلفن تماس: ۰۲۱ - ۲۲۳۸۲۵۹۳

نمابر: ۰۲۱ - ۲۲۳۸۲۵۹۳

موبایل: ۰۹۱۲۵۷۵۰۷۳۳

نشانی دفتر مرکزی: تهران، سعادت آباد، بلوار پاکثراد،
بلوار پیام، خیابان هفدهم، پلاک ۷، واحد یک



